ستاره سینما

شماره ۳۰۳ ـ شنبه ۹ مهرماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

۳۰ ریال

با یک تابلوی ویژه از : بروس لی

همراه با یک تابلو از : شهره

خاچیکیان : آن زمان که من در سینما استثنا بودم، کارگردانان پیشرو کجا بودند؟

* بتی و اینهمه شایعات ؟!

برنامه امشب سینماهای:

اونیورسال - پاسیفیک - ایران - ساینا - تیسفون

دریا موناکو - رنگین کمان - کارون و آستارا (تجریش)

نگاه و نوشته

احمد کریمی

*خواننده و خوانندگی

عشوه‌های مشکوک..!

☐ شبی که وقتی بود و حوصله‌ای، نشستیم تا واریته‌ای را تماشا کنیم و کاش به وقت بود نه حوصله‌ای! جوانکی آمد با پیراهن عجیب و غریب. کاریکاتوری از مثلا خوانندگان غربی ... بهریش مزین، موهای بلند شوار کشیده و با هزاران عورواطوار. لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت. مرتب لرقص میشود و دستهایش را با عشوه‌ی زنانه‌ای تو ی‌موهایش میبرد. لحظه‌ای بعد دوباره موهای شوار زده و بلند خود را به عمدتوی صورتش پخش میکرد و بساز، باناز مشکوکی (!) آنرا رو به بالامیبرد و دوباره و دوباره ... حرصم در آمده بود و کلنجار با خود که: آخر مردی گفته‌اند وزنی ... اینهمه ناز و ادا چرا؟ این عشوه های مشکوك که برازنده‌ی زنانست، به مردی با قدو قامت تو سازگار نیست. این رقص پر عشوه‌ی نامردانه (!) برای چیست؟ نمیگویم مثل‌چوب سفت و سخت باش اما اینهمه ناز زیبنده‌ی مرد نیست. اگر بیشتر راغبی که عشوه‌هائی بیانی جنسیت خود را هم مشخص کن و دستکم این ریش کذائی را به دست تیغ سلمانی بسپار که زمانی این ریش، حرمتی داشته و احترامی !وبه یادم آمد که قدیمی ها میگفتند: زمانی بود که یك مرد، موئی از سبیلش راگرو میگذاشت یا: قسم درستشان این بود: به موی سبیلت قسم ....

حالا براستی این قدر و قیمت تا چه اندازه از اعتبار ساقط شده که برصورت هر موجود خود نمائی میکند. ریش و سبیل این خواننده و بسیاری دیگر، ریش و سبیل پدر بزرگهایمان نیست. چیزی ست در ردیف برقمردانه ...وگرنه چطور این جوان خواننده راضی میشد به اینکه با این هیبت، عشوه‌های مشکوك بباید طوریکه هر آن انتظار میرود بی اختیار هنگام عور وادا و عشوه، از دهانش‌در آید که: اوا..!

*حرفی دارید بزنید...

گلایه به جای پاسخ.

☐ آشکار است که هنگامی، نسبت اندرکاری حرف میزند و این حرف انعکاس می‌یابد بویژه آنگاه که از آدمهائی اسم برده میشود، حساسیتهائی برمی‌انگیزد. بسیار خوب، میتوان جوابگو بود. چه، همیشه نداناده‌ایم که صفحات ستاره سینما مرامش حفظ بیطرفی‌ست. اما باز هم دوستانی هستند که بجای جوابگوئی به حرفهای مصاحبه شونده، در پسله گلایه میکنند. اگر حرفی‌ست و پاسخی، این قلم و این کاغذ، بنویسید تا بچاپ بسپاریم. نه اینکه چرا بنشینیدو چغولی کنید که ای: چرا باابن آدم مصاحبه شده که ماموردِ حمله قرار گیریم !این آه و ناله ها میتواند جایش را به پاسخی صریح دهد تا از اینطریق حق از ناحق بازشناخته شود. از جمله اینکه حرفهای هوشنك حسامی حساسیت برانگیخته و تنی چند از منتقدین روزنامه‌های عصر، پسله‌گلایه کرده‌اند. نویسنده‌ای «منتقدی»قلم بردار و بنویس و حق و حقیقت را بگو... بی هیچ واهمه و دلخورنباش از اینکه چرا حسامی چنین حرفهائی زده.

*پیف‌پیف‌گویان حرفه‌ای...

بیائید متظاهر نباشیم...

☐ می‌آیند حرفهایش را میزند. به چاپ سپرده میشود و بعد: توی رودر بایستی گیرافتادم! این تکیه کلام «پیف پیف» گویان حرفه‌ای‌ست. روشنفکر نمایان موسمی که هنر ایران را با تمسخر برزبان می‌آورند و ادبیات ایرانی را و موسیقی ایرانی را و ...

یکی از فیلمساران از اتفاق خوب ایرانی، مصاحبه‌ای مفصل در مجله داشت. چند هفته‌ای بطول انجامید، با عکسهای چپ و راست و شرح و تفصیلات ... اما همین حضرت پیف پیف گو، در جائی آمد که: من کمتر حرف میزنم توی رودربایستی گیر افتادم و ازین لغت‌پرانیهای روشنفکر نمایانه. گفتم که جناب! کجا را می یافتی تا این اندازه حرمت گذار تو باشند؟

چند هفته‌ی پیاپی حرف زده‌ای. کدام تریبون این چنین وسیع در اختیار تو گذاشته میشد؟ چرا عادت کرده‌ای به اینکه خود را تافته‌ی‌جدا بافته بدانی. چه‌ئی؟ براستی چه ئی؟ اینهمه تظاهر و دورنگی برای‌چیست؟ خوشحال بودی از اینکه یادی از نوشته و براعت آمده‌ایم. خوشحال بودی از اینکه درد دلت را گفته‌ای، خوشحال بودی از اینکه باوجود عدم فعالیت، تورا از خاطر نبرده‌ایم. خوشحال بودی که ... حالاابن گربه‌رقصانی‌ها برای چیست؟ چرا فیس و افاده؟ که بگوئی منت گذاشته‌ای؟ بخدا که دلم گرفت از اینهمه تظاهر ...

فیلمساز دیگری‌ست خوش قریحه که در تاتر هم استعداد خوبی دارد اما بادلی کینه‌توز نیشی که ده سال پیش‌از مجله «چشید» هنوز بفراموشی‌نسپرده‌است. با اینکه در طی همین سال و همین هفته‌ها بارهای بار از او ستایش و تعریف نحو شده... این ستایشها را حسود خواهانه نمی‌بیند اما آن نیش راهمیشه در نظر دارد؟ هر تلاش سازنده‌ی مجله راکتمان میکند و اشاره میدهد که بله یادتان رفته دهسال پیش بمن نیش زدید؟ چه حوصله‌ای! چه حافظه‌ای! و چه کینه‌توزی غریبی ..

تظاهر آن فیلمساز اولی و خود خواهی این فیلمساز دومی. مثل درد پردل آدمی تلمبار میشود و فریادی تا بگوئیم: بیائید اینقدر متظاهر و خود خواه نباشیم ...

مجله‌هفتگی

ستاره سینما

دارنده امتیاز: پ ـ گالستیان
شماره ۲۰۳ (دوره جدید) ـ مسلسل ۱۰۰۹ (سال بیست وچهارم)
۳۰ ریال
نشانی: چهارراه دروازه دولت ـ ابتدای روزولت ـ شماره ۲ ـ آپارتمان ۱۰
تلفن ۸۳۹۹۷۱ صندوق پستی ۱۹۴۷
فیلم کپی، رنگی و تصاویر رنگی از: گراورسازی مهر ایران ـ تلفن ۳۶۳۳۱۳
چاپ تصاویر رنگی و متن از: چاپ مازگرافیك ـ تلفن ۶۰ ـ ۸۳۶۴۵۰

امیر نادری ساخت ایران را برای جشنواره تهران آماده می کند؟

□ امیر نادری، در آمریکاست .و سرسختانه کوشش میکند که آخرین کارش ساخت ایران هرچه زودتر مراحل فنی خودرا بگذراند و برای نمایش آماده شود .

این فیلم که با مخارج هنگفتی تهیه شده با زمینه‌ی نگرش ، توانسته بعنوان یك فیلم جهانی امکان نخش بیابد .

نادری ، قرار بود این فیلم را به جشنواره بفرستد که هم اکنون در تلاش است اما امکان دارد نتواند فیلم را بموقع آماده کند . اما بهرحال سخت مشغول تلاش است ....

* آشنائی با چهره های مشهور سریالهای تلویزیونی ...

تلویزیون

«بارتا» را بشناسیم ...

این پلیس زبروزرنگ چگونه آفریده شد ؟

«رابرت بلیك» در فیلم «در کمال خونسردی» به اوج بازیگری دست یافت و در بارتا محبوب شد!

«بارتا» عنوان مجموعه‌ای است و «تونی بارتا» نام کار آگاهی است ، کار آگاهی که شبیه کارآگاهان کوچك و بزرگی که در سینما و تلویزیون می‌بینیم نیست. استثنا برآنها است .

«تونی بارتا» از آن جهت استثنائیست که در محیطی پست و فضائی تبهکارانه متولد شده است ، و محیطش را خوب می‌شناسد .والدین «تونی بارتا» ایتالیائی بودند وکمی بعد از ازدواجشان به امریکامهاجرت کردند ، «تونی» خیلی کوچك بود که مادرش را از دست داد . از آن پس همه جا در کنار پدرش بود. پدر «تونی» که تمام سالهای زندگیش را در محیطی تبهکارانه گذراند هیچگاه خود مرتکب جنایت نشده اما در عملیات تبهکارانه سدر بستهای کم‌اهمیتی – مشارکت داشت .

پدر «تونی» علیرغم تمایلش به این جهت کشیده شد و هیچگاه هم نتوانست با همه تلاشش از دنیای تبهکاران فاصله بگیرد ولی در تمام سالهای زندگیش کوشید که «تونی» را به پرهیز از خطاکاری ،احترام به اجرای قانون تشویق کند. در این سالها «تونی» از پدرش شرح جنایتهای بسیاری را شنید ، مرگ بسیاری از قربانیان مواد مخدر را به چشم دید ، شاهد خرابکاری و نابودیهای بسیاری شد و پدرش نیز او را در شناسائی جهات مخرب این چنین محیطی یاری داد و به او آموخت که همواره از این چنین زندگی و آدمهائی بگریزد و متنفر باشد ، «تونی» با این روحیه رشد کرد و نه‌تنها آلوده نشد ،بلکه بمبارزه باآنها پرداخت .

کارآگاه «تونی‌بارتا» به خاطر آشنائی بامحیط تبهکاران ، خیلی زودتوانست چهره کند و بعنوان پلیسی سخت‌گیر،مبارزه، وظیفه شناس ، خشن و سریع ، سرشناس شود .

«تونی‌بارتا» در پیگیری یك

جنایت همواره به طریق خاص خود پیش میرود و در کشف نحوه جنایت و قاتل حتی از شکستن قانون نیز ابائی ندارد. او به‌جهت برخورداری از دانستیها وآگاهیهای دقیق از زندگی تبهکاران ، بجرئت تنها کارآگاهی است که همیشه در شروع عملیات پیگیری ، مدارك و شواهد زیادی بدست می‌آورد و بهمین لحاظ نیز غالبا مجرمین را به هنگام ارتکاب جرم گرفتار می‌کند و یادر فاصله کوتاهی از وقوع یك جرم یا جنایت ، تحقیقات دامنه‌دارش را در مسیری معین و دقیق پیش‌برده و پرده از رازجنایت با سرعت برمیدارد و مرتکبین را گرفتار می‌کند .

«رابرت بلیك» هنرمند برجسته و برسابقه‌ی آمریکائی بازیگر نقش «بارتا» است ، این هنرمند را تماشاگران علاقمند و پیگیر سینما با فیلمهائی چون . «در کمال خونسردی» (ریچارد بروکس) و «بانهاینگو ویلی‌بوی اینجاست» (ابراهام‌پولانسکی) می‌شناسد . ولی سابقه کار «رابرت‌بلیك» به سالهای پیش باز میگردند به سال ۱۹۴۳ – رابرت بلیك در این زمان فقط ۹ سال داشت و باایفای نقش کودکی در فیلم «زندگی دوگانه اندی‌هاردی» کارش را آغاز کرد و از آن‌پس بطور مداوم تا امروز فعالیتش را در سینما ادامه داده است .

الو – ستاره سینما

حرف تو حرف..!

* عمل!

□ نمایید که در مجله‌ای آمده بود گربه با عمل جراحی از نگرانی ابتلاء به سرطان نجات یافت .

□ و حق الاکبی بیشتر از حق‌العمل جراحی شد !

* دراکولا...

■ کریستو فرلی گفته : دلم میخواهد مردم باور کنند که خون آشام نیستم.

■ در اکولا را هم فیلم کرده‌اند!!

* شریفه !

□ در مجله‌ای آمده بود که شریفه فاضل جانشین ام‌کلثوم به ایران می آید .

■ و مثل امل‌سایین ، میلیاردر برمی گردد !

* سریال

□ چند هفته پیاپی از عارف در یك صحنه خبر و تفصیلات چرا؟

■ مگر نمیدانید سریال ۳۶ قسمت‌است. هان !!

* رنگ!

■ این را معنی کنید : هرچه از صورت عارف تصویر رنگی میگرفتند زرد میشد .

□ بخدا اگر این تیتر را برای مرغ پخته بخوانید توی سینی پلوچاچا میرقصد !

بتی و اینهمه شایعه ؟!

* جنجال طلاق و خودکشی بتی، این خواننده‌ی بی‌هیاهو را، جنجالی معرفی میکند !

گپ

□ این روزها ، «بتی» خواننده‌ی محجوب که هیچگاه خود را درگیر جنجال و شایعات نکرده ، و به یك خواننده‌ی آرام واهل خانواده شهرت دارد، درگیر شایعه‌ی اختلاف خانوادگی است وحتی زمزمه‌ی طلاق او از همسرش «سعیدنیری» نیز شنیده میشود .هفته‌ی گذشته ، در یك تماس‌تلفنی با «بتی»، درباره‌ی صحت و سقم این‌شایعات پرسیدیم که موضوع از چه قرار است ؟

■ راستش این‌اختلاف خانوادگی که شایعه سازان حتی تا مرحله‌ی طلاق هم رسانده‌اند، چیزی‌جزیك اختلاف وبگومگوی جزئی که ممکن است در هر خانواده‌ای‌رخ دهد ، نیست . گمان نمی‌کنم که مااختلاف کوچکی داشتیم اما نهتاآن حدکه‌بزرگش کرده‌اند .

□ بی‌علت کم‌کارت جست ؟

■ علتش همین درگیریهای خانوادگیست که مجال نمی‌دهد . انشاءالله خیلی زود این کم‌کاری را جبران‌خواهم کرد .

■ گفته شد که خودکشی کرده‌ای درست بود ؟

□ اجازه بدهید دراین‌باره سکوت کنم !

■ به علامت رضا ؟!

□ نه ! گفتنی زیاداست . من سعی میکنم زندگی آرامی داشته باشم، اگر بگذارند.

■ سعیدنیری هم کم کار شده چرا ؟

□ شوهرم بدلیل همین شایعات ، مدتی از کار بازماند که قرار است همکاری دوباره‌ای را باهم‌شروع کنیم .

* روی جلد: * سعیدرادوهمسرش ازهمدیگر جدا شدند...

شنیده‌ایم :

سعید راد و نوش‌آفرین ، در مرحله‌ی عشق و ازدواج ؟

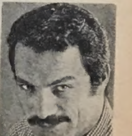

■ از گوشه و کنار شنیدیم که راد و نوش آفرین ، پس از یك همکاری مداوم در سینما ، اینروزها رابطه‌ی گرمی یافته‌اند و با توجه به اینکه راد همسرش را طلاق داده فالگوشان معتقدند که ایندو رابطه‌اشان از حد یك همکاری فراتراست ،بویژه آنکه ایندو اینروزها مرتب در کنار همدیگر دیده میشوند . شایعه عشق آندو از زمان همکاریشان در یکی دو فیلم برسرزبانها افتاد که جدی گرفته نمیشد . هنوز هم معلوم نیست ، آیا آندو به ازدواج می – اندیشند یا نه ؟ بهر حال آینده ، جوابگو خواهد بود .

«سپهر آذری» رقیبی برای «تد آنتونی» !

■ «تدآنتونی» برای شنوندگان برنامه‌ی فرستنده NIRT ناسی آشناست. این فرستنده که بنام برنامه بین‌المللی رادیو مشهور است، همهروزه برنامه‌های خود را بزبان انگلیسی پخش می‌کند و در آن، گروهی از ایرانیان و در کنارشان عده‌ای از هنرمندان خارجی فعالیت دارند.

تدآنتونی یکی از مجریان سرزنده و قبراق این رادیو است و برنامه‌ای مثل برنامه بامدادی صدای ایران داشت (وگویا هنوز هم دارد) که خیلی مورد توجه شنوندگان قرار گرفته..

و بطوریکه شنیدیم، از پنجشنبه قبل، گوینده‌ای بجمع مجریان برنامه‌های بین‌المللی رادیو پیوسته بنام«سپهر آذری» که از ایرانیانی است‌که تحصیلات خود را در کانادا بپایان برده و مدتی است‌که به ایران بازگشته. سپهر آذری، پیشتر‌ها برنامه‌ای در این فرستنده داشته و بعنوان «دیسك جاکی» مشغول بکار شده است.

راوی که برنامه سپهر آذری را شنیده بود می‌گفت: باین ترتیب، چیزی نمی‌گذرد که سپهر آذری رقیبی بسرای تدآنتونی خواهد شد و در نتیجه امکان دارد ورودی گویندگان و مجریان برنامه بین‌المللی، که شنوندگان زیادی هم دارد، همگی از میان هموطنانی‌که بزبان انگلیسی آشنائی دارند انتخاب بشوند و خارجیانی که در این رادیو کار می‌کنند، کارشان تمام بشود... البته راوی خودش می‌گفت انشاءالله!

یك حادثه دلخراش برای یك‌فرد فعال درسینما

□ هفته گذشته بیژن (محمد)معوری مدیر داخلی استودیو هاملت فیلم دربازگشت تبریز در حالیکه رانندگی ماشینی‌را عهده‌دار بود بعلت برخورد با سنگ بزرگی در راه تاکستان تهران کشته شد.

وی از انجام کارهای کوچکی در گروه سینماهای متحد تهران فعالیت خود را در سینما آغاز کرد و سپس بخاطر علاقه‌ای که بکار داشت در چند سال اخیر مدیریت داخلی هاملت فیلم را برعهده‌گرفته‌بود. ستاره‌سینما مرگ اندوهبار او را بخانواده‌اش تسلیت میگوید .

چرا وحدت، فیلم نمی‌سازد؟

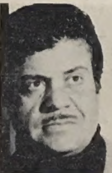

□ نصرت‌اله وحدت کمدین محبوب‌سینما ، که اقلا سالی یك فیلم عرضه میکرد ، بتازگی فیلم نمی‌سازد . از آنجا که اغلب خانواده‌ها به فیلمهای او علاقمند بودند ، این پرسش برایشان مطرح است که چرا او فیلم نمیسازد ؟ وحدت هم به تبعیت از رکود سینما ترجیح داده است دست‌روی‌دست‌بگذاردوفیلم نسازد تا ببیند آخر و عاقبت سینما چه میشود . اگر چه بگفته‌ی خودش ، چند سناریوی خوب در اختیار دارد اما سکوت را ترجیح میدهد. او اینروزها فرصت دارد که سری به اصفهان بزند و با دوست دیرینه‌اش ارحام صدریادی از گذشته کند ، تا سر فرصت و پس‌از رکود ، فیلم تازه‌اش را شروع نماید . چه وقت ؟ خدا میداند . .

فرخزاد، جنتلمن شده!

□ فریدون فرخزاد ، مجری‌شوی بزرگترین نمایش هفته ، با اجرای تازه‌ای بر صحنه می‌آید . او این اواخر خیلی آرام حرف میزند و ملایم رفتار میکند .

مخصوصا در اواخر برنامه که آنقدر آرام و مهربان‌حرف میزندکه‌بگوش شنونده نمیرسد . بنظر می‌آید که ایراد و نکته‌گیری بینندگان تلویزیون ، مسئولان را وادار کرده که باو گوشزد کنند مودبانه تسر رفتار کند .

بهر حال گویا او اینروزها ، جنتلمن شده و از آن حرکات تندش خبری‌نیست‌که امیدواریم ادامه یابد .

گفتگو با : «بصیر نصیبی» و «محمد مقدم» ـ مسئولان

روحیه‌جایزه‌بگیری، ضد

■ بصیر نصیبی

□ معارفه : «بصیر نصیبی» برای سینماگران آماتور این دیار نامی آشناست، او طی نه سال اخیر، گرداننده‌ی اصلی‌ی برنامه‌ها و جشنواره‌های مربوط به‌سینمای هشت‌بوده است، او اخیرا بدلیل مشغله‌های زیاد، و عهده‌داری‌ی ریاست کنفدراسیون جهانی‌ی «سوپرهشت»، اداره‌ی جشنواره‌ی نهم‌سینمای‌آزاد و سومین جشنواره‌ی‌جهانی هشت را به «محمد مقدم» مسئول روابط عمومی‌ی‌سینمای‌آزاد و تهیه کننده ومجری برنامه سینمای آزاد تلویزیون سپرده‌است. ذیلا به بهانه‌ی شروع جشنواره‌ی جدید «سینمای آزاد» گفتگویی از همه‌ی جوانب با ایندو داریم، کمی‌تواند برآورنده‌ی خواستهای آندسته از خوانندگان مجله‌باشد که طالب مطالبی در اطراف سینمای«هشت» هستند.

***

□ بهتراست‌در ابتدای گفتگو، شمه‌ای درباره‌ی برنامه‌های امسال جشنواره، و تغییرات کمی و کیفی‌ی آن صحبت کنیم.

محمد مقدم : ازبرنامه‌های سال‌گذشته سمینارسینمایی بوده که امسال انجام‌نخواهد شد وبجای آن بحث آزاد و مجموعه‌ای از عکس و اسلاید خواهیم داشت. و درجنب جشنواره، برنامه‌ی ویژه‌ای از فیلمهای خارج از مسابقه که شاید کمیته‌ی انتخاب هم آنها را نپذیرد باشد، ترتیب خواهد داد. که آنهانیز به تماشای علاقمندان گذاشته خواهد شد. چون بهر صورت، «سینمای آزاد» از ذهن جوان تغذیه‌می‌کند.

بصیر نصیبی : علاوه بر این، امسال برای اولین بار ما از کشورهایی چون «آلمان غربی» و «اتریش» هم فیلمهایی

درباره‌ی : نهمین جشنواره‌ی سینمای آزاد ایران و سومین جشنواره‌ی سینمای آماتور

خواهیم داشت که به کیفیت جشنواره‌رونق خواهد داد.

سهم سینماگران جوان غرب بیشتر خواهد شد، ولی‌در کنار آن، شرق با نمایندگانی‌از فیلیپین، پاکستان و هنگ‌کنگ حضوری‌مطنش‌تر در جشنواره خواهدداشت. و از آنجایی که کمیت و کیفیت همیشه باهم در ارتباطند، هرچه کمیت بیشتر باشد، کیفیت افزایش خواهد یافت، چون دست هیئت منتخبین در گزیدن‌فیلمها بازتر خواهد بود.

امسال حدود چهار صد فیلم در جشنواره شرکت کرده که با در نظرگرفتن سال‌قبل، هفتاددرصدافزایش نشان می‌دهد. تصمیم آن این‌استکه مابین فیلمسازان بومی و غیربومی جشنواره رقابت را جایگزین حسادتهای احتمالی‌ی بیمورد گردانیم. و برای انجام این منظور برای‌اولین بار شرکت کننده‌هایی از کانونهای مختلف فیلمسازی خواهیم داشت. از جمله «کانون پرورش فکری کودکان ...» که‌امسال سینماگران جوانش را روانه‌ی جشنواره نموده‌است ... وقدریقین، امسال‌جشنواره‌ی بهتری‌خواهیم داشت و همچنین سینمای جوان نیز اگر کارهائی آماده داشته باشد شرکت خواهد کرد.

□ آیا کیفیت برنامه‌ی «بحث آزاد» مثل سال گذشته خواهد بود، یا علاقمندان می‌توانند بی‌دغدغه از محدودیت وقت و تشریفات جشنواره‌ای حرفهایشان را بزنند ؟

بصیر نصیبی : بحث آزاد جشنواره را به دوروز بعد از اتمام جشنواره‌موکول کرده‌ایم، تا علاقمندان بادیدن فیلمها، مایه و موضوعی برای‌بحث داشته باشند. در بحث آزادمان، سخنران نخواهیم‌داشت، و هرکسی آزاد است، بدون میکروفون حرفهایش‌رابزند و بدون واهمه ازمحدودیت وقت، اظهارنظر نماید.

□ کمیته‌ی انتخاب و داوران جشنواره چه‌ترکیبی خواهندداشت ؟

مقدم : کمیته‌ی انتخاب‌جشنواره که همه ایرانی هستند عبارتند از : ابراهیم حقیقی، همایون پایور، ناصر غلامرضایی، داریوش عیاری و جمیله ندایی که سه افتضای حرفه‌و ذوقشان بیشتر در جریان فضای آماتوری سینمای جوان هستند. و داوران جشنواره نیز از : بلژیک، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، امریکا، اسپانیا ودو نفر از ایران خواهند بود، که‌هنوز دقیقا تعیین نشده‌اند.

□ با در نظر گرفتن وسعت‌یافتن جشنواره، چه درسهایی از اندازه‌ی جهانی شدن جشنواره گرفته‌اید ؟

نصیبی : در سینما ی‌آماتور ماکه سینماگران درس سینما نمی‌خوانند چیزی که جایگزین درس می‌شود، دیدن است که بنظر من ازخواندن هم مهمتر است بنابراین ما می‌توانیم بگوئیم که سینماگران ایرانی چون‌فقط‌درایران‌کارکرده‌اند، فقط‌درحد فرهنگ‌محلی، ازیکدیگراطلاع دارند‌درحالی که سینماگران اروپایی، از کارهای آماتوری یکدیگر بی‌اطلاعند. درسی که ما از اندازه‌ی جهانی شدن جشنواره گرفتیم، این بود که سینماگران آماتور فاقد یك

حرفهای «حسامی» و خشم منتقدان روزنامه‌های عصر ...

■ هوشنگ حسامی منتقد معروف، در گفتگوی دو هفته پیش خود با ستاره

سینما، ضمن مسائلی که عنوان کرده‌بود، در سخن از نقد و نقدنویسی به منتقدان روزنامه‌های عصر تاخته بود و آنان رافاقد آگاهیهای لازم برای نقدنویسی دانسته‌بود. انعکاس گفته‌های حسامی، خشم‌منتقدان روزنامه‌های عصر را برانگیخت و آنهارا برآشفته کرد. «محمد ابراهیمیان» منتقد روزنامه‌ی اطلاعات، یکی از کسانی که مورد اتهام حسامی واقع شده بود، طی تماسی که با دفتر مجله گرفت، اظهارداشت که فرصتی‌نیست‌تا جواب کاملی به‌گفته‌های حسامی بدهد. او اضافه کرد.

«من به منتقدان دیگری که مورد اتهام آقای حسامی واقع شده‌اند کاری ندارم اما شخصا رشته‌ای که نقد می‌نویسم، ادعائی ندارم ولی آقای حسامی تا چه

منتقد روزنامه‌ی اطلاعات : ادعا نمی‌کنیم که منتقد اپرا، باله، موسیقی، نقاشی، تئاتر، سینما و ... هستیم.

پشتوانه‌ای خود را منتقد تمام رشته‌های هنری می‌داند. اصولا پاسخگوئی منطقی به حرفهای ایشان ممکن نیست زیراایراد ایشان‌منطقی و مستدل نیست. فقط مقداری کلی‌گوئی بی‌دلیل و برهان‌است که صرفا به خاطر ایجاد جنجال عنوان شده‌است.»

منتقدان روزنامه‌ی کیهان نیز گرچه مستقیما در صدد جوابگوئی‌برنیامدند زیرا حسامی سالها باکیهان همکاری‌داشتو با منتقدانی که مورد حمله قرار داده، همکار بوده‌است اما تلویحا، دلتنگی‌خود را ازگفته‌های‌حسامی ابراز کردند. بیشترآنها براین عقیده‌بودند که انتقاد او، بی‌ریشه و کلی گوئیهائیست که‌چون موردی ذکر نشده است، نمی‌توان به آن پاسخ گفت.

بهرام بیضائی : فیلم یا نمایش ؟

■ «بهرام بیضائی» فیلمساز ونمایشنامه نویس مشهور، که آخرین فیلمش «کلاغ» برای نمایش در ششمین جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران برگزیده شده است، این‌روزها در تدارك ساختن چهارمین فیلم بلندش است.

چندی پیش، شنیده شد که اومی‌خواهد یکی از نمایشنامه‌های تازه‌اش را برصحنه تئاتر مولوی بیاورد و به دنبال‌بازیگران می‌گردد اما اکنون زمزمه‌ی رفتنش را به پشت دوربین می‌شنویم و بهر حال هنوزمشخص نیست که او نخست‌نمایش رابرصحنه می‌برد یا فیلم را جلوی دوربین

گفتنی‌ست که فیلمنامه را خودبیضائی نوشته و به‌احتمال زیاد، «پروانه‌معصومی» بازیگر آن است.

سینمای آزاد ایران

جریان راستین سینماست

دید جهانی در کارهایشان هستند. وزاویه‌ی دیدشان کمتر فراتر از این ملك رسیده. واین روحیه، در تماشاگر ماهم بودکه نمی‌توانست وضعیت فرهنگ سینماگران خود را در قیاس با سینماگران غیر بومی، دریابد....

و هماطور که گفتم، فیلمسازان ما فرهنگ‌محدودی‌داشتند وفقط با نوع‌سینمای آماتور ایرانی آشنایی داشت، ولی مااین سدرا شکستیم. و حالا سینماگران ماهم می‌دانند که فی‌المثل در مکزیك واسپانیا چه میگذرد. وعلاوه بر آن با کسب دانش و فرهنگ‌سینماگران آماتور دیگر کشورها، عیب و ایراد کارهای خود را رفع سازد. مثلا سینماگران آماتور ما بی‌آنکه خـود بدانند، یا زیاد «روستایی» هستند و یـا زیاد«شهیدثالثی». ولی‌براساس مبادله‌فرهنگ سینمایی، سینماگران جوان ما می‌توانند عامل شناختی برای زبانهای دیگر بـاشنـد و متوجه شوند که عشق ــ فی‌المثل ــ فقط آن عنصر قراردادی و یکنواخت دیگـر فیلمهای رایج نیست، و موضوعات قشنگ و تازه کشفی هم وجود دارد.

☐ در موردجوایز امسال جشنواره توضیح بدهید، و اینکه آیا همچنان این سیاست «جایزه بگیری» را ادامه خواهید داد؟

محمدمقدم: امسال‌جوایز جشنواره‌بیشترشده، ومراکزی مثل‌دانشگاه آزاد ایران، جشنواره جهانی فیلم تهران و مرمرای تلویزیون، مدرسه عـالـی تلویزیون و سینما و چندمرکز دیگـر جوایزی به فیلمهای برگزیدگان اهداء خواهند کرد، و علاوه بر آن تماشاگران جشنواره و منتقدین مطبوعات کشور نیـز دیپلمی به عنوان قدردانی اهداء خواهـد کرد، که‌این البته یك پیشنهاد است.

بصیر نصیبی: سینمای آزاد ایران برای حذف جایزه‌های اصلـی جشـنواره آمادگی کامل دارد، هماطور که جوایز اصلی‌ی جشنواره‌ی شهرستانهـای سینمـای آزاد حذف گردیده، ولی آنچه برای‌ما مطرح‌خواهد بود، وجود فیلمسازان‌خارجی استکه اگر جشنواره جوایز نقدی را از جشنواره حذف سازد، امید اینکه جاذبـه سابق خود را حفظ کند اندك است،چون سینماگر اروپایی (برخلاف سینماگر ایرانی) بیشتر از طریق دریافت همین جوایزنقدی می‌تواند فیلمهای بعدی خود را بسازد، و در واقع به پول احتیاج دارد. و ما می‌اندیشیم‌که آیا این موضوع، نتیجه‌ی‌منفی نخواهد داشت؟ اگر جشنواره، تعهـدی داشته باشد که بدون این وسوسه‌ی جایزه، ازآثار فیلمسازان ارزشمند خارجی برخوردار می‌شود، این جوایز را حذف می‌کند.چون روحیه‌ی جایزه بگیری ضدجریان راستین سینماست.

محمد مقدم: مع‌الوصف، جوایزی که مابرای برندگان جشنواره در نظـر گرفته‌ایم،نسبت به گذشته قابل توجه است، چون جایزه‌ی‌اول شش هزار تـومان و جایزه‌ی دوم و سوم، چهارم دوهزارتومان است. جشنواره همچنین جوایزی به‌عنوان بهترین فیلم مستند، بهترین نقاشی متحرك، بهترین سینماگر آغازگر و بهترین فیلم تجربی اهداء خواهد کرد.

بهمن فرمان آرا:

سینما را میبوسم و کنار میگذارم!

* امیدی به آینده این سینمـا ندارم. حرف زدن درباره‌اش بیهوده‌است. چون کـسی‌بفکـر این سینما نیست.

* اگر قرارداد «درامتدادشب» از پیش بسته نشده بود آنرا تهیه نمی‌کردم!

☐ بهمن‌فرمان آرا فیلمساز مطرح سینمای ایران، که آخرین کارش شازده احتجاب، جایزه‌ی بهترین فیلم جشنواره تهران را در چند سال پیش ربود، اینروزها سخت مشغول تهیه‌ی فیلم «درامتدادشب» است که پرویز صیاد آنرا کارگردانی میکند و گوگوش و سعید کنگرانی بازیگـران آن هستند.

بهمن فرمان‌آرا، که با نومیـدی سخن میگوید در گفتگوئی کوتاه بامجله، اشاره آمد:

سینما را کنار خواهم گذاشت و قید فعالیتهای فیلمسازی را خواهم زد، انطور که پیداست کار این‌سینما به سامان نمیرسد. نشستند و برخاستند و گفتند و شنیدند حاصل چه بود؟

باور کنید که اگر قرارداد این‌فیلم «در امتداد شب» هم از پیش بسته نشده بود آنرا تهیه نمیکردم. با وجود لطفی که‌کارگردان وبازیگران آن بمن داشته‌اند و من حرمت میگذارم اماواقعا از سینمـا دلزده شده‌ام. حرفی هم برای‌گفتن ندارم. فیلمی نساخته‌ام‌که حرفی بردارد. امیدوارم ازسینما آنچنان دور شوم که‌ردپائی‌نگذارم. بحالا واقعا خسته‌ام.

قریب افشار هم به سینما آمد...

*قرار بود آرمان بازی داشته باشد اما قریب افشار جای او را گرفت!

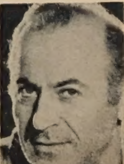

☐ در جریان تهیه فیلم «کاروانها» اتفاق جالب و در عین حال خنده‌داری‌روی داد:

برای اجرای نقش رئیس پلیس دراین فیلم، قرار بود «آرمان» را انتخاب کند اما چون می‌بایست آرمان در جلوی‌دوربین به زبان انگلیسی صحبت کند و به‌این‌زبان تسلط نداشت، او را به بازی نگرفتند‌زیرا معتقد بودند که حتما ایفاگر نقش رئیس پلیس، باید به زبان انگلیسی صحبت کندنه فارسی پس از آن که شرکت آرمان در «کاروانها» منتفی شد، به سراغ «پرویز قریب افشار» نوص تلویزیون که به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد رفتند.

اما جالب این است که او نیز به هنگام فیلمبرداری، به زبان‌فارسی‌صحبت کرده‌است! سئوال این‌است که اگر قرار بود بازیگر نقش رئیس پلیس «کاروانها» به زبان فارسی صحبت کند، چرا آرمانرا کنار گذاشتند؟

* کامران شیردل: نه قصد فیلمسازی دارم، نه سریال سازی!

■ کامران‌شیردل، سینماگر خوب ایرانی که فیلمهایش فراموش نشدنی‌است، چند سالی‌ست که بدور از فعالیتهای‌سینمائی بسرمیبرد. و سخت‌دست‌اندرکار پیاده‌کردن طرحی‌ست که به سینما و هنرتعلق داردو درابعاد وسیعی به اجرادرمی‌آید. طی‌تماسی با این فیلمساز زبده، متذکر شد که قصد فیلمسازی‌ندارد وسریالسازی هم‌همینطور... با این وضعیت نمیتوان فیلم ساخت. اصولا چه اجباری‌ست فیلمساختن؟

گفتیم که چگونه اوقات را میگذراند؟ پاسخ داد که سرگرم اجرای طرح هنری وسیعی‌ست که بعدا اعلام خواهد شد. یعنی عنقریب این طرح که هنررا زیر پـوشش خود میگیرد افتتاح خواهد شد. اما تـا آنوقت از اعلام آن معذور است.

بهرحال معتقدیم که این سینماگر ارزنده درهر کجاباشد متمرثمر خواهدبود.

* فیلمسازان قدیمی در پیلـه‌ی‌سکوت ...

* پای صحبت ساموئل خاچیکیان

* گفت و شنوداز : هوشنگ گلمکانی ــ جهانگیر کوثری

«صدا»ئی از گذشته و حال...

* آن هنگام که من در سینمای ایران استثناء بودم ، فیلمسازان پیشرو را چه کسی می‌شناخت ؟

اشاره :

■ «ساموئل خاچیکیان» نامی متعلق به دوره‌ای از سینمای ایران بود. آن‌هنگام که‌تماشاگر در فیلم‌ایرانی نمی‌دانست کارگردان چیست ، نام آواز نام هر بازیگر معروفی ، جلب‌کننده‌تر نبود» فیلمهـای جنائی او ، به خاطر ویژگیهای استثنائی تکنیک‌وسوژه‌هایش ، در آن‌زمان که‌سینمای ایران در بند سوژه‌های تکراری و تکنیک متزلزلی گرفتار بود ، خواستاران فراوان داشت و برای اسم بردن از یک‌کارگردان معتبر در آن روزگار ، ذهن انسان در اولین وهله متوجه‌ی نام «ساموئل» می‌شد.

در سالهای جاری ، صدای «ساموئل خاچیکیان» کمتر شنیده می‌شود. او نه‌تنها کم‌کار شده است ، بلکه ،فیلمهایش نیز آن جذابیت‌آثار گذشته‌ی او را ندارند.چگونه فیلمسازی معتبر و باتکنیک بهچنین‌سقوطی تن می‌دهد ؟ ساموئل ، خود پاسخگوی این سئوال است و در گفتارش ، مسئل‌دیگری‌را نیز عنوان می‌کند..

■ زیاد به عقب برنمی‌گردیم ، از **چند سال اخیر (همزمان با پیدایش موج** تازه‌ای در سینمای ایران) شمابیر کم‌کار **شدید آیا فکرمی‌کردید که فیلمهایتان‌دیگر به درد این سینما نمی‌خورد** و پسندتماشاگر از دستتان در رفته بود ، یا توانائی فیلم ساختن نداشتید ؟ به طور کلی علت افت‌این چندسال اخیرتان چیست ؟

☐ **اصولا افت** بر دونوع است یکی افت فکری و فرهنگی و دیگر افت«کمی» که شرایط باعث می‌شود یك فیلمساز ،زمانی کمتر فیلم سازد . من افت دوم را قبـول دارم ولی از حیث پویندگی و مطالعه ، فرصتهای گذشته را از دست نداده‌ام .

زمانی که من آن نوع فیلمها را می‌ساختم ، **چهارچوب** و سبك مشخصی داشتم در حالی که تهیه کننده‌ها **به من‌می‌گفتند** :«دوربینت را بردار برو توی‌کوچه ببین بقیه چکار می‌کنند » اما من ۲۶ سال عمر ، معلومات و سلامتی خودم را صرف سینما کردم‌بدون‌این که به آن خیانت‌کنم ، **هیچ** کاری جز سینمانکردم . **در شرایطی** که‌عده‌ای‌هرسال ۶ فیلم می‌ساختند، من زجر می‌کشیدم تا آنچه را که می‌خواهم‌بسازم. به جرات می‌توانم ادعاکنم آنقدر تجربه و مهارت دارم‌که نظیرهمین فیلمهای بازاری را در پانزده روز تمام کنم و در مدتی‌کوتاه میلیونر شوم . اما فرم کارم طوری بود **که بسیاری از تهیه کننده‌ها نمی‌پسندیدندو** اعتقاد داشتند من زیادی **معطل می‌کنم.**

می‌گفتند : « نور عمیق یعنی‌چه ! یك نور تخت بده، بزن وبرو !» اما من **که نمی‌خواستم** به خودم و سینما خیانـت کنم ، زیربار نرفتم و آنهاهم بمن‌میدان ندادند.

تهیه کننده‌ها می‌خواهند از سوپر استارها استفاده کنم . گرچه من بـرای همه‌ی این **سوپراستارها احترام قائلم ولی** دلم میخواهد چهره‌ای را جلوی دوربیـن برم که آنچه راکه من می‌خواهم داشته‌باشد ولوآن که اورا **هنگام عبور از پیاده‌رو** یافته باشم .

تهیه کننده می‌گوید حاضرم صدهزار تومان بیشتر بدهم **اما بجای‌چهره‌ی جدید** از یك بازیگر معروف استفاده کن ، در همینجا ادعا می‌کنم که اگر یك‌صدم‌پولی را که برای ساختن **«کاروانها» در نظر** گرفته شده به من بدهند، فیلمی می‌سازم‌که **همه انگشت** به دهان بمانند چون مایه‌اش را دارم .

اینجاست که باید گفت گرچه‌مثل «خواستن توانستن است» از اجتماع برخاسته امادرمورد سینما ، صدق نمی‌کند درسینما، ابتدا باید توانست ، بعد خواست . .

■ **به نظر شما ، چرا در سینمـای ایران به کارگردان به عنوان یك‌سازنده کهمی‌تواندضامن موفقیت فیلم باشداطمینان نمی‌کنند ؟**

■ ماسه نوع کارگردان داریم : عده‌ای خودشان **مایه** فیلمسازی ندارند واز کار بازیگران معروف نان‌می‌خورند.عده‌ای هم هستند که یك سناریوی تجارتی به‌تهیه کننده‌ها پیشنهاد می‌کنند و یك فیلمبردار قوی هم در اختیارش می‌گذارند تا فیلـم بسازد . دسته‌ی دیگر که تعدادشان اندك است ، تکنیك دارند و فرم و محتوا را فیلمیك حس می‌کنند که خودم را جـزو این دسته می‌دانم .

به نظر من ، کارگردان باید قبل از این که فیلم را به نمایش در بیاورد ، آن‌را «ببیند» و **در ذهنش آنالیز کند**و بداند که در هر لحظه می‌خواهد چه‌کندو واکنش تماشاگر چیست . گاهی با یك قطعه چوب بیجان ، می‌توان بر تماشاگـر تاثیر گذاشت ، کاری که‌شاید نتوان‌بایك بازیگر انجام داد .

کارگردان باید از همه‌ی هنرها سررشته داشته باشد ،باید نور و رنگ‌وموزیك را بشناسد. وقتی که فیلمسازی دارای‌چنین خصوصیاتی باشد ، احتیاجی به سوپراستار ندارد بلکه بازیگر ، وسیله‌هائی خواهنـد بود تا او بتواند حرفش را بزند واحتمالا از آنها یك سوپر استار بسازد . این کاری ست که من در طی **سالها** فیلمسازی انجام داده‌ام و چهره‌هایی که **معرفشان‌بوده‌ام ،** اکنون نامهای مشهوری هستند در روستد کنونی ، این‌کار از نظرتهیه کننده‌ها ریسك محسوب می‌شود و از همین روست که مرا بخاطر شیوه‌ی کارم ، «بایکوت کرده‌اند.

■ **گفتید که در پی «افت کمی» سالهای کم‌کاری ، تجربه اندوخته‌اید و مطالعه کرده‌اید . توقع این است که‌حاصل این تجربه‌اندوزی در چند فیلـم اخیر شما نمایان باشد ، حال آن که چنین نیست . فیلمهائی مثل «بوسه برلبهای خونین» و** «مرگ در باران» ، حتی در مقایسـه بـا **فیلمهای‌چندسال پیش شما که تجربه‌ی‌کمتری** داشتید ، در مرتبه‌ی پائین‌تری قرارمی‌ـ **گیرند.**

☐ قبول دارم،اما علت نزول این فیلمها ، اشتباهی بود که مرتکب شدم ، چند سال‌پیش‌برای این که بتوانم بزندگی ادامه دهم ، یك شرکت پخش فیلم ایجـاد کردم . برای پخش فیلم که یك مرکـز تجارتی است ، **مسئله‌ی هنر مطرح نیست و** احتیاج به توشه برای پخش دارد ازاین‌رو بود که ناچار شدم برای تامین **«کالا»** چند فیلم تجارتی بسازم و چندفیلم‌ایجنبی «خو»تهیه کنم که بر سر یکی از آنها که‌ناتمام ماند ، چهارصد هزار تومان هم ضررکردم.

در آن شرایط ، یا می‌بایست بـدر خانه‌ی تهیه کننده می‌رفتم و می‌گفتم «غلط کردم ، هرچه بخواهید می‌سازم » و یا خودم‌فیلم می‌ساختم ومبارزه می‌کردم‌و چون مبارزه را که بهترین تاثیردر خلق‌یك اثردارد دوست دارم ، این راه را انتخاب کردم .

از ۷ ما ل‌دوران نقاهت ، من دره سالش ضرر می‌دادم و ناچار چندفیلم‌تجارتی ساختم تا نفسی تازه کنم . امادر همین راه **هم کارشکنی فراوان کردند تا مرا ازپای** بیندازند درهمان زمان که من برای‌گذران زندگی ناچار بودم فیلم تجارتی بسازم ، تلویزیون‌درهایش را به روی من **بست‌درحالی** که می‌توانست از **تجربه‌ام** استفاده کند.

انجمن تهیه کننده‌ها نیز به مـن پشت‌کرد چون در آنجا ، معیار **ارزشها** فروش فیلم است **امادرهیچگاه فکر نکردند** ساموئل **خاچیکیانی که «فریاد نیمه شب»** راساخت ، **ممکن نیست با یك شکست نابود** شود ، به علاوه که **از همین شکست** نیـز

* گزیده حرفها :

* سه‌گونه کارگردان داریم : عده‌ای که مایه‌ی فیلمسازی ندارند و از برکت هنرپیشگان مشهور روزگار میگذرانند عده‌ای که‌سناریوی تجاری‌دارندو کادر خوبی در اختیارشان گذاشته میشود و معدودی هم که‌مایه دارند و تکنیك میدانند.من‌جزو این‌معدود فیلمسازان‌هستم!

* ۳۶ سال عمر خود را صرف‌این سینما کردم بی‌آنکه به‌سینماخیانت کرده باشم .

* اگریك صدم پول این فیلم‌مشترك را بمن بدهند ، فیلمی‌میسازم که همه انگشت بدهان بمانند !

* کارشکنیهائی شدتامن از پاابیفتم !

* مرتکب اشتباه‌شدم و چندفیلم‌تجاری از دردناچاری ساختم ...

تجربه‌ای اندوخته است . ممکن است من‌از نظر جسمی پیر شده باشم اما تجربه‌ام‌جوان است .

به اینجا که رسیدیم ، اجازه بدهید یك دلیل روانی را که باعث کم‌کاری من شد ذکر عنوان کنم که امیدوارم به هیچ کس و هیچ مقامی برنخورد . در نخستین جشنواره‌ی فیلمهای ایرانی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر ایجادشد (و دوسال بعد به جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران‌تبدیل شد) سه فیلم «ببر مازندران» ، «هنگامه» و «خداحافظ تهران» از ساخته‌های من در میان ده‌فیلم برگزیده ، شرکت داشت .

همین‌الان‌هم اگر تکنیك‌ومحتوای «ببر مازندران» را با فیلمهای امروزی‌مقایسه کنید یك‌سروگردن بالاتر می‌ایستد کمااین که همه تکنیك این‌فیلم را پسندیدند و «لاموریس» که عضو هیئت داوران بود ، گفت تکنیك فیلمت متفاوت با فیلمهای ایرانی است اما‌هنگام تقسیم جوایز ، یك جمله آزارم‌داد وآن‌عنوان کردن جوانگرائی بود ولی این جوانگرائی را باتوجه به سن وسال‌اعمال کردند در حالی که‌جوانگرائی فکری ، نیازی به‌در نظرگرفتن سن وسال ندارد زیرا سینمای‌ما به فکر جوان‌احتیاج دارد نه جسم جوان ...

گرچه من انتظار نداشتم کسی مرا روی سرش بگذارد و حلواحلوا کند اما دیدم که پس از سالها فیلمسازی ، قدرم شناخته نشده‌است و با آمدن جنجوان، مرا ازیاد برده‌اند در حالی که می‌خواستم بگویم‌وقتی که من در سینمای‌ایران استثناء بودم ، کارگردانهای پیشرو کجا بودند؟ من همین الان هم از بسیاری بازیگران معروف برای مردم شناخته شده‌ترم حاضرم با شما به خیابان بیایم و ببینید که‌از هر صدنفر ، نودنفر مرامی‌شناسند این برای‌من آسان بدست نیامده‌است ...

البته من‌از این قدرناشناسی ناامید نشدم ، بلکه خواستم ابتدا خودم راروی پا نگهدارم و مبارزه کنم و با یافتن قدرت مالی ، فیلمی بسازم تابه آنها ثابت‌شودکه سه‌موئل خاچیکیان هنوز تمام نشده است. من هنوز هم با «کوسه‌ی جنوب» آنچه را که می‌خواستم بسازم ، نساخته‌ام اما شمامی‌توانیدروی فیلم بعدی من حساب‌کنید»

فیلمی که ادعانامه‌ی من در سینماست . سختی‌هائی که من در این سیماکشیده‌ام اکنون کارد را به استخوانم رسانده‌است . اگر بافیلمی کهمی‌گویم ، موفق نشوم‌برای همیشه ازاین مملکت می‌روم و در جای دیگری به فیلمسازی می‌پردازم .

■ **برای یافتن توانائی مالی ، دست به ساختن فیلمهای تجاری زدید در حالی که باداشتن پخش فیلم ، می‌توانستید از محصولات دیگران برای پخش استفاده‌کنید و خودتان چنین فیلمهائی نسازید.**

☐ شرکتی‌که من ایجاد کرده‌بودم، در ابتدای کار چندان اعتباری از نظر پخش نداشت که‌تهیه‌کننده‌ها فیلمشان را برای‌پخش در اختیارآن بگذارند. ازطرفی برای آن که من بتوانم پخش فیلم راتقویت کنم ، ناچار بودم خودم چند فیلم بسازم زیراسینمادار شهرستانی ، وقتی می‌خواهد برای فیلمی پول بدهد ، اگر فیلم‌بازیگر مشهوری نداشته باشد ، می‌پرسد که چه کسی آن را ساخته‌است و من که آنقدر توانائی مالی نداشتم که با چهره‌های‌پولساز فیلم بسازم ، ناچار بودم از نام خودم استفاده کنم .

من شرکتهای پخش فیلم را سراغ‌دارم که با نام من ازسینماداران به عنوان‌پیش‌پرداخت پول گرفتند و به‌کارشان ادامه دادند. ده سال پیش یك شرکت پخش‌فیلم که تازه کارش راشروع کرده‌بوده باآگهی سه فیلم ساخته نشده که مرا به عنوان کارگردان هرسه فیلم معرفی کرده بود، از سینماداران شهرستانی پول‌گرفت و بار خودرا بست .

■ **شما تا پیش از هنگامه ، پا را از حیطه‌ی مشخص سینمای جنائی فراتر نگذاشته بودید . به عنوان یك فیلمساز معتقدید که تجربه‌اندوختن در یك‌حیطه‌ی واحد جایز است یاگام نهادن در زمینه‌های مختلف ؟**

☐ این موضوع‌باید ازدوجنبه‌ی‌مختلف

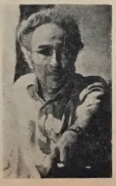

بررسی‌ میشود . **گاهی خواست تماشاگر ،** فیلمساز را بسوی نوع خاص از فیلمها سوق می‌دهد و تهیه کننده هم از اومی‌خواهد که‌در همین روال فیلم‌بسازد .متاسفانه یا خوشبختانه تماشاگر فیلمهای ایرانی مرا بافیلمهای جنائی شناخت ، واستقبال‌کرد. بدیهی‌ست‌که تهیه کنندگان هم اگر پیشنهاد ساختن فیلمی به من می‌کردند می‌خواستند در همان زمینه‌ی جنائی فیلم بسازم. شهرت من به عنوان یك جنائی‌ساز باعث شده‌بود که‌وقتی‌در خیابان راهمی‌رفتم ، مردم‌میخکوب شوند !

گرچه من به عنوان‌جنائی سازمشهور شدم اما به هیچوجه آدم ترسناکی نیستم . بعکس ، من آدم شاعر مسلك و حساس هستم و دنیایم متفاوت با دنیای جنایت است .

■ **عده‌ای از روانشناسان عقیده دارند که جنائی‌سازها و جنائی‌نویسها ، ذاتا جنایتکارند و نیروی بالقوه‌ی‌جنایت در آنهاوجود دارد !**

☐ من به‌این‌مسئله‌لااقل در موردخودم اعتقادی ندارم . ممکن است یك جنائی‌ساز یا جنائی‌نویس ، همانطور که در اتاقش نشسته است ، در ذهنش یك بانك راسرقت کندبابست به قتل برسدامااین دلیل نمی‌شود .

حال چرابه سوی جنائی‌سازی‌رفتم

اولا بگویم که من عاشق سایه‌روشن هستم زیرا پیش‌از آن که فیلمسازباشم ، نقاش‌بودم بعلاوه‌که در ادبیات نیز دستی دارم‌موسیقی را کاملا می‌دانم وسینمای خود رامی‌توانم سینمای مولف بنامم .

سینمای جنائی را به خاطر قابلیتهایش در کار برنسانه ر وتنها انتخاب کردم زیرا هیچ دوست ندارم یك نور تخت به صحنه بدهم و یکی بگوید «پدرم کجابودی؟» و آن‌دیگری هم بگوید «پسرم کجابودی؟»! دوربین راهم یك گوشه‌بکارم و بیدوسه فیلم بگیرم .

سینمای جنائی،هیجان که‌تماشاگرش را می‌لرزاند ، سازنده‌اش راهم می‌لرزاند. به علاوه که در دنیای امروز ما ترسانندی مردم‌مشکلتر از خنداندن آنهاست

ادامه دارد

* اشاره‌ی خاچیکیان به:فیلمسازان پیشرو،سینمای ایران،کارگردانهای تجاری واوج و سقوط خود...

«۲۰»

سیامک یاسمی در پارسفیلم ، سومین محصول را عرضه نمود که « یوسف و زلیخا » نام داشت. این قصه‌ی شیرین دهی با بازی مهدوی — یوسف ، شهره — زلیخا ، و قاسم جبلی — خواننده محبوب آن سالها — ساخته شد. توفیق نسبی این فیلم ، مدیون قصه‌ی نامدارش بود. با اینحال این توفیق، پس از شکست دو فیلم قبلی و در قیاس با فروش امیرارسلان ، چندان جلوه نداشت.

در این زمان محسن مهدوی جزو چهره‌های محبوب بشمار می‌آمد و پیاپی در فیلمها بازی میکرد . در عصر طلائی فیلم «بوسه مادر» را بازی نمود که شهلا همبازیش بود و عطاالله زاهد کارگردانی‌اش را انجام داده بود. بوسه مادر فیلمی عاطفی و ملودرام بود که توفیق متوسطی داشت.

* در «شب نشینی در جهنم» صحنهٔ راج کاپور و مهوش گنجانده شده بود!

* نمایش این فیلم در بسیاری از شهرها ممنوع شد !

سالار عشقی : سماجت میورزد !

سالار عشقی ، تهیه کننده، کارگردان، مونتور و ... با فیلمهایش که از جمله‌ی شکست خورده‌ترین فیلمها بودند، نشان داد کـه فیلمساز نیست و بکل شعور این کار را ندارد. با اینحال سماجت میورزد و درسال ۳۵ دو فیلم عرضه میکند . نخست ، چهل طوطی و بعد طلسم شیطان که هردو مفتضح و مبتذل بود. هوشنگ مرادی در هردو فیلم بازی داشت . این دو فیلم آنچنان پرت و بیراهه میرفت که تماشاگران عکس العمل نشان دادند و فیلمها را هو کردند. باوجود اینکه مدت نمایش فیلمهای ایرانی ، دوام بیشتری روی پرده — نسبت به سال قبل — داشت اما این دو فیلم هر کدام ، ده شب بر پرده باقی ماندند و در اثر هو وجنجال تماشاگران سینماها مجبور به تعویض آنها شدند.

فیلم دوم هوشنگ کاووسی .

هوشنگ کاووسی که نخستین ساخته‌اش را نیمه‌کاره رها کرده بود و محتشم مابقی‌اش را ادامه داد در استودیو عصر طلائی ، دومین کارش را ارائه میدهد « هفده روز به اعدام» با سوژه‌ی عاطفی — جنائی‌اش میتوانست فیلم خوبی باشد که نبود امـا بهر حال نشانی از اشتباهات رایج فیلمهای آندوره ، کمتر در آن یافت میشد. حکایت فیلم، حکایت جـوانی بود که به اشتبـاه مجرم یك واقعه شناخته میشود و محکـوم به اعدام میگردد . تااینکه در لحظه‌ی آخر هنگامیکه همه‌چیز گواه مجرم بودن اوست، چشمان فرشته‌ی عدالت باز میشود و اوتبرئه میگردد . این فیلم توفیقی نیافت و دکتـر کاووسی را از فیلمسازی دور ساخـت .

در سال ۳۵ ، رویهمرفته ۱۲ فیلم نمایش داده شد که نسبت به سال قبل نزول کمی و کیفی را نشان میدهد فیلمها در یك نگاه عبارتند از : زندگی شیرین است — اتهام — مستار جزیره — خورشید میدرخشد — لیلی ومجنون کارگردانی شده توسط «نوربخش برای زهره فیلم» — بوسه مادر — مرجان — قزل ارسلان — چهل طوطی — طلسم شیطان — یوسف و زلیخا و هفده روز به اعدام ... ازبین میان فیلمهای زندگی شیرین است — مرجان — خورشید میدرخشد جرقه‌های امیدسال ۳۵ بحساب می‌آیند.

* سال ۳۶ — سال جنجال !

در سال ۳۶ ، دیانافیلم دواثرعرضه نمود . نخست بلبل مزرعه که ساخته‌ی مجید محسنی بود .این فیلم بار دیگر مجیدمحسنی را در هشت آبرومندی به نمایش گذاشت فیلمبردار فیلم احمد شیرازی بود. این فیلم بار در زمینه‌ی روستا بود. باهمان صداقت همیشگی مجید محسنی . حکایت یك عشق، که فرجامی خوش داشت البته با کشاکشهائی که روی میداد. این فیلم در مسکو وتاشکند و باکو بزبان روسی به نمایش در آمـد در ایران هم موفقیت داشت . در بـلبل مزرعه مجید محسنی . مینا ، شهین وقنبری بازی داشتند .

فیلم دیگر دیانا فیلم ، رستم وسهراب بود که دکتر شاهرخ رفیع — شوهر سابق ایرن — ساخت . این فیلم برداشتی ناقص و ابتدائی ازاین قصه‌ی فردوسی بود. عـدم دقت کارگردان ، رستم مضحکی آفریده بود که گاه ریش دوشقه‌ای داشت و گاهریش معمولی ..! این فیلم بهیچوجه نمیتوانست حرمت اثر فردوسی را نگهدارد رستم و سهراب چندروز بیشتر بر پرده‌نبود.

* شب نشینی در جهنم ، جنجال ساز بزرگ...

شب نشینی حکـایت غریبی دارد چندنفر از دست‌اندرکاران سینما هنوز هم مدعی هستند که فیلم ساخته‌ی آنانست : ازجمله خاچیکیان، موشق سروری ، خاکدان، مدنی و... آنچه مسلم است اینستکه میثاقیه کارگردانی فیلم را بعهده‌ی موشق سروری گذاشت که نیمه‌کاره ماند و خاچیکیان آنرا به پایان برد. خاکدان بادکورهای عالی‌اش مدعی شد که اگر حضور او نبود،این فیلم ساخته نمیشد همچنانکه حسین مدنی سناریست فیلم چنین ادعائی داشت . فیلم بدلیـل اینکه از دنیای آخرت سخن میگفت و آنرا تصویر کرده‌بود جنجال بسیاربرانگیخت و حتی در بیشتر شهرستانها نمایشش ممنوع گردید علمای اسلام به مخالفت باآن برخاستند با اینحال فیلم فروش بسیار خوبی نمود. ارحام صدر به اتفاق عزت‌الله وثوق بهترین کارشانرا ارائه دادند روفیا هم بنقش دختر حاجی بازی داشت .

وحدت و شهین در «روزنه امید »

قصه‌ی فیلم حکایت مرد خسیسی بود که حتی با ازدواج دخترش مخالف بود . بدلیل آنکه پسر ثروتی نداشت . این مرد نوکری دارد — ارحام صدر — مرد، مرده میشود و در برزخ لب ، می‌بیند که به اتفاق نوکرش از پل صراط میگذرد و بجهنـم میرود و در آنجا گناهکاران را می‌بیند. از جمله راج کاپور و بانومهوش را !«این دوصحنه درفیلم گنجانده شده بود. ازفیلمهای دیگری در آورده شده و در فیلم مونتاژ شده بود !».

بهر حال ، حاجی از عالم خیـال بیرون می‌آید. ثروتش را به دختر ونامزدش می‌بخشد . مردی مهربان میشود و میمیرد! صحنه‌های جهنم این فیلم باتوجه به زمان ساختش خوب‌پرداخت شده بود و کاردوربین هم قابل اعتنا بود. این فیلم از سوی کمیسیون نمایشات فرهنگ وهنرمورد تقدیر واقـع گردید . فیلم نخستین اثر مهدی میثاقیه بود که بعدا استودیوی او جزو یکـی از

بقیه در صفحه ۴۵

* مجید محسنی تکخال این سال «بلبل مزرعه» را عرضه کرد که در مسکو نمایش داده شد .

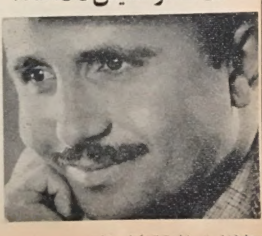

یک چشم شیطان

نوشته‌ی: مبین بهرامی

*** علی حاتمی، فیلمسازی‌ست با ذوق و بی‌توجه و خالی از فرهنگ سینمائی**

* ملیجات در سریال حاتمی، مترسکی‌ست که لباس ملیله بتن دارد هویت مشخصی ندارد و حرفهای قلمبه میزنند.

«ناصرالدینشاه» حاتمی، بمقدار زیاد روشنفکر، شاعرمنش و بیکار است!

بسیاری از هنرمندان ما، بهنگام اجرای یک نقش و حتی بعد از آن در قالب ساختگی ماندگار شده‌اند. شاید خواسته‌اند نوعی این هستی عاریتی را ادامه بدهند و چندبر جای باقی است کسه مصداق این مثل ایرانی اکنون به‌این‌صورت نصب شود

خود گوئی و خود خندی

عجب مرد هنرمندی.!!

بدیگونه، «مراد برقی» بعنوا به عنوان یک پدیده، مثل تکیه کلامهائی که بسترها هزار چندگاه میان مردم مد می‌شد. آنموقع بلقیس تعهده رادیسو بود، (مثال : ول‌کن بابا اسداله)، در میان مردم آمد و طبیعی است در این اجتماع سه که مقبولیت چندانی ندارد – چون نمی‌تواند داشته باشد – نقطه خطی برای نقش بچه‌ها شد و دبرهم بافته، وقتی بلورهائی که طرح مرادبرقی داشتند کهنه‌شد و دور افتاد و ماشین‌های پلاستیکی اسباب بازی که از مدل «مرادبرقی» ساخته شده بود، شکسته و دور ریخته شد، نوبت به ظهور، کپیه تازه‌ای از این سریال رسید و آدم‌کاغذی، با شاخها و تفاوتهائی به نمایش درآمد.

اما این‌بار، حس و شاید تنهـا حس مرادبرقی مورد تقلید قرار گرفته بود، چون نویسنده و تهیه کننده در صدد بافتن و نمایش درآوردند، دلایل منطقی و نمونه‌های عاطفی و فرمهای روشنفکرانه در خط «مرادبرقی» بودند و حال را ز سریال، نتیجه این تلفیروارها بود.

اگر مرادبرقی تا بلاهتی که از فرط زورانتی خنده‌دار می‌شد، می‌توانست بچه‌ها را بخنداند، این‌بار بچه‌ها در برابر «آدم‌کاغذی» مبهوت‌ماندند چون او را نمی‌فهمیدند و بزرگترها – اگر بـه‌آن توجهی داشتند – عصبی می‌شدند.

برای‌ملتها ، این سریال مورد بحث و گفتگو بود، حتی دربرنامه‌های تلویزیونی سعی در دفاع و تشریح آن داشتند – چون بهرحال پولی گرفته شده و خرجی روی دست‌تلویزیون مانده بود و تهیه کننده، دارای آن زرنگی بود که جلوی ماشین «صاحب‌کار» بخواند و بگوید. اگر می‌خواهی پول پس‌بدهم، باید از روی من رد شوی، آنوقت تو می‌مانی ونه دوازده بچه بسم.؟! –

«آدم‌کاغذی» می‌خواست خودرا بعنوان یک پدیده توجیه کند، بعنوان آدمی خاص، باسرشتی خاص، که باکدلی و ساده لوحی روستائی‌اش دلیل ناکامی اوست.

در سرنوشت او، بضرورت کشش دراماتیک، باید نقطه تاریکی جلو می – شد و آن «خاله» بود که به‌تناوب از یک وجود خاکی تا موجود اثیری بوف‌کور هدایت، تغییر شکل می‌داد و این شخصیت ساده بتدریج و با اضافه شدن آدمهای مجهول‌الهویه مرئی و نامرئی، نیمه دیوانه، جنگلی، بانوی مسلوب اسرارآمیز وحوادث جنی و کمدی که مثل شاخه هرزی از گوشه و کنار میرویندند و در نقل قصه – بخاطر کش‌آمدن و اضافه شدن نمایش‌بحالت داده می‌شدند، آمیزه‌ای شد کـه حاصلش از آن تا امروز بوجود ساخته‌شده است و پایان پرشور و آهش در غیرموقع و باجبار اختصار – با قدرت شگرفی در جنجالسازی و بهت انگیزی – سرو ته موضوع را بهم آورد و اینبار برای بار اول بود که سریالی را هیچ بحث و فحص نمی‌توانست نجات دهد. هنوز تصوری باقی میماند در اینکه تماشاگر تلویزیون، فیلم را با حضور ذهن و هوشیاری تماشا می‌کند.

دراینجا لزوم اشاره به‌این مبحث پیش می‌آید که اکنون، حدود بیست سال است‌که درعرصه کارهای نمایشی ایران، مورد گفتگو و هرکس بهمی که در آن دارد کوششی داشته است در ارائه یک کار خوب، و بیست سال اگر لحظه‌ای باشد، در زمان اجتماعی، برای شکل دادن یک «نهاد» کافی بنظر میرسد و حداقل اگر شکل نهائی مشخص‌باشد ، شاهد و خط در این بیست ساله معلوم است ، کما – اینکه کسانی در این عرصه بابکی دوسال کار و یکی دو اثر شکل مشخصی پیدا کردند و این شکل مشخص مربوط به‌جوایز و توفیق جشنواره‌ها و اقبال یا عدم‌استقبال عمومی هم بود. بررسی کمیت کار این مردم، تاریخ واقعی کارهای نمایشی است و عده‌ها کمتر کسانی از میان آنها در تلویزیون‌کار کرده‌اند، اما آنها که فیلم‌های بدی برای تلویزیون ساختند، سینماگران بدنامی نبودند ، آنها به قدر کافی برای خودشان دلیل نیرنگ بر نشان داشتند، دلایلی که به‌تصور نمی‌آمد، قابل‌تصور کردن بود تا از آنجا که بین بیست و گفتگوی از آن تا مرحله انجام عمل‌فاصله‌ای وجود دارد که غالبا و برای بسیاری از مردم غیرقابل عبور است و از آنجا کـه هستند، اغلب در ایده‌آل آدمی وبا من برتر او زندگی میکند و عمل در مواجهه بـا شرایط زندگی بفکر آلاف و اولوف «من» است، همه زرق و زوری، همه وسائل مادی زندگی که مثل چاه فاضلاب هرروز بیشتر دهان می‌گشایدو بهیسه نام، برای این زندگی‌ها که در عمق خود هوای هدف والای مشخصی نیست. لشماری . یکی از خاطرجمع‌ترین بسوانحها و یکی از قابل حصول‌ترین راهها به‌هاهوس

این بنتوانه مادی و زمینه پرزوجدای عالی اجتماعی گاه، سکسار کننده افراتی است‌که دررشته‌ای از کارهای هنری احساس نفس کرده و درجستجوی زمینه‌ای زنده‌تر و پرتحرک‌ترند

نویسنده‌ای یک خطمشی – روش، مانند «نادر ابراهیمی» که ساحت فرهنگ و اعتقادی در زمینه ادبیات امروز ما بوده است، ناگهان سر از سریال‌سازی برای تلویزیون‌ه بیرون آورده است.

«آتش بدون دود» در واقعیامر، یک نکساخته مختصر نرد است که در رده فیلمهای، اجتماعی، خانوادگی. باسمی سنی یک کاست قرار میگیرد.

این سریال، جزء آندسته از بلندساخته‌هاست که اگر برای یکبار و هربار بمدتی طولانی بنمایش در نمی‌آمد، لازم بود که واگذاشته باشد تا اینکه سریال و شاید فیلمهای تازه سازنده‌اش بنمایش درآید و آنوقت یکجا مورد صحبت و بررسی واقع شود.

اما سابقه‌کار «ابراهیمی» به‌کمی دورتر از «صدای صحرا» میرود و آن زمانیست که او به‌عنوان یک محقق و فتوگرافیست، به‌کوهستانها و دشتهای شرقی ایران میرود و در ایلات و عشایر جستجوهائی انجام میدهد و حاصل آنهارا‌ب‌آنطور که روند کار اوست – درکتابهائی بـه صورت قصه و نیم‌قصه و نیم شعر وگزارش ساده و گزارش فتوگرافیک، بچاپ می‌رساند، «صدای صحرا» از حال و هوای این گشت وگذار بوجود می‌آید و فیلم، درکل مسئله، داستان قوی و دلکشی را که خود کارگردان بالهام از زندگی مردم صحرانشین نوشته و به‌آن اعتقاد فراوان هم داشته، نه می‌کند.

«صدای صحرا»تصویربرداری از یک زندگی ساختگی است در صحرا و خالی از تمام خصوصیات فیلمسازی، حتی بیست ضعیف‌ترین اثر سینمائی.

بقیه در صفحه ۳۴

□ «ناصرالدینشاه» حاتمی، بمقدار زیاد روشنفکر، شاعرمنش و بیکار است!

* گفت‌وشنودی با: جعفر والی

معارفه:

□ [illegible]

• فیلم [illegible]

***

■ **فکر می‌کنم اگر صحبتمان را از فضای انسانی «باباسبحان» و شخصیتی که در فیلم «خاک» ارائه داده بودید شروع کنیم مناسبتر باشد از آن‌جهت که این فیلم در زمان خود پدید آورنده‌ی حرفهای زیادی بوده که فکر می‌کنم شنیدن آنها حتی پس از سالها از زبان شما تازگی داشته باشد مثلا خیلی بهتر است اگر شما تفاوتهای شخصیتی و اختلافات نمایشی که مابین قصه تا فیلم موجود بوده صحبت کنید**

والی: [illegible] می‌فرمایید [illegible] قصه [illegible] بین دو مبحث و موضوع کاملا مجزا [illegible] بدلیل اینکه قصه [illegible] نوشته [illegible] می‌شود [illegible] درحالیکه وقتی مبدل به‌فیلم می‌شود تعداد زیادی عوامل و ضوابط دیگری بوجود می‌آید که درواقع قصه هر یکی [illegible] آنهاست [illegible] نتیجه [illegible] براین بوده که وقتی یک قصه بصورت یک فیلم درمی‌آید [illegible] خصوصیات قصه‌ای خود را [illegible] و معناوی خصوصیات دیگر [illegible] می‌آورد [illegible] داستانی که حتی مبدل به‌نمایشنامه می‌گردد چون مصالح و ابزار کار متفاوتند [illegible] مثلا [illegible] قصه [illegible] نقاشی است که شما بخواهید از این نقاشی یک مجسمه بسازید ممکن است مدل یکی باشد اما کلیه‌ی ابزار و مصالح کار متفاوت خواهد بود در [illegible] براین [illegible] سازی یک اثر که [illegible] یک حالت [illegible] دیگری درمی‌آید خواه ناخواه خیلی چیزها در این مابین حادث می‌شوند که حتی ممکن است اعتراض برانگیز هم [illegible] چون کلام غیر از تصویر است [illegible] حرکت دراماتیک غیر از حرکت [illegible] قصه و رمان [illegible] این مسئله باید درمعرض [illegible] واقع گردد چون اغلب دیده شده که حتی مثلا از روی نمایشنامه‌ی معروف «گوشه‌گیران آلتونا» «سارتر» کارگردان بزرگی همچون «دسیکا» فیلمی ساخته که مورد اعتراض خود «سارتر» قرار گرفته پس باید در نظر داشت که مصالح مختلف

بابیم و امید، به آینده‌ی سینما و تئاتر نگریستن...

■ آیا از نظر شما برگرداندن این مصالح به‌صورت احساس‌نابذیر است؟

والی: [illegible] چهره‌ای [illegible] می‌دهند [illegible] یک چهره [illegible] شخصیت و [illegible] می‌خواهند [illegible] قصه [illegible] شخصیت قصه [illegible] مجسمه‌تر [illegible] کارگردان [illegible] خود [illegible] بهتر می‌تواند این مورد [illegible] صورتیکه [illegible] بعنوان [illegible] نویسنده [illegible] این مطلب نبودید، درواقع [illegible] کار کارگردان و کار نویسنده [illegible] کاملا متفاوت است درهیچ کجای [illegible] چه در زمینه‌ی سینما و چه در زمینه‌ی تئاتر عمل یک کارگردان کار یک نویسنده [illegible] ملاحظه فرمودید؛ کارگردان [illegible] کلی [illegible] از نویسنده می‌گیرد [illegible] فضای کار [illegible] حرکت و فکر قصه‌ی وی [illegible] است بدنبال آن می‌رود و چیز دیگری می‌سازد یعنی درواقع کارگردان هرگز [illegible] یک (فتو رمان) نمی‌باشد بلکه یک فیلم یا یک تئاتر چیزی است که می‌سازد یک نویسنده می‌نویسد خوب هم می‌نویسد کلام را زیبا انتخاب می‌کند [illegible] صحنه‌ها را قشنگ توصیف کرده اما وقتی این اثر مبدل به‌فیلم می‌شود بسیاری از اوقات ملاحظه شده ارزش ادبی [illegible] ارزش واقعی خود را ازدست داده یا بالعکس درست مثابه آثار بزرگ نویسندگان.

■ **این مسئله که در جریان اختلاف‌نظرهایی که بین «دولت‌آبادی» و «کیمیایی» بوجود آمده بود و شما نحوی «کیمیائی» را مسئول و مقصر قلمداد می‌کردید تا چه اندازه صحت دارد؟**

والی: [illegible] قضاوت نمی‌کنم بلکه نظر می‌دهم در واقع می‌خواهم بگویم [illegible] کارگردان [illegible] و [illegible] بست بلکه [illegible] اختلاف‌نظر داشته‌اند هیچیک [illegible] کارگردان سینما [illegible] کار [illegible] دیگری [illegible] اختلاف‌نظرهایی است.

■ **حال که در مورد تفاوتهای قصه تا فیلم صحبت می‌کنیم مبنای اختلاف‌نظرهای نویسنده و کارگردان که بعنوان آنهمای نوعی از آنها نام می‌بریم دراین مورد بخصوص تا حدودی به‌شخصیتی که خود شما در فیلم «خاک» ارائه داده بودید برمی‌گردد البته بیشتر اختلاف‌نظرها در مورد «باباسبحان» بود که نقش اول را در این فیلم بازی می‌کرد و تقریبا مبدل به‌یک آدم بسیار حاشیه‌ی شده بود آیا بعقیده‌ی شما صرفنظر از این مسئله اختلاف دیگری هم موجود بود؟**

والی: در این زمینه باید بگویم من «باباسبحانی» را که «دولت‌آبادی» نوشته بود [illegible] نکردم بلکه بازی من از روی نوشته‌ای بود که بعنوان سناریو از «کیمیائی» دریافت کردم دیگر نمی‌دانم باباسبحان درجه‌ی یک بود یا نه من فقط «باباسبحان» بازی کردم «باباسبحانی» در حد قصه‌ای که می‌بایست آن فاجعه بسرش می‌آمد. من کوشش کردم این فاجعه را حس کنم و دوباره سازی نمایم البته در حد

* درباره‌ی سینما و تئاتر...

* گفتگو کننده: محمد جعفری

آنچه که [illegible] کارگردان از من خواسته [illegible] این مسئله را تاکید کنم چون خیلی مهم است.

■ **از روی برداشت شخصی من «باباسبحان» شخصیتی بود که می‌توانستیم آثار تمام آن فاجعه‌ای را که نام بردید بعلاوه‌ی کلیه‌ی نمادها و انحرافاتی که مابین انسانها از نقطه نظر تیپ و طبقه‌ی اجتماعی موجود بود و خلاصه تمام آن ناراحتیها را در چهره‌ی این آدم مشاهده کنیم. «باباسبحان» صورت زنده‌ای از اجتماعی بود که در آن زندگی می‌کرد و نقش می‌نمود می‌خواستم در صورت امکان راجع به‌شخصیت این آدم توضیح بیشتری بدهید؟**

والی: [illegible] خودتان خطوط اصلی [illegible] چهره [illegible] مشخص کردید. [illegible] همانند همه‌ی انسانهایی که می‌توانند نگران و پی‌گیر هرچیزی باشند تا حدودی [illegible] سیر قصه‌ای که خلق شده بود حرکت خود [illegible] کرد و من فکر می‌کنم [illegible] و توضیحی که شما دانستید «کیمیایی» [illegible] ساختن این چهره موفق بوده بدلیل آنکه خصوصیات کلی را که چهارچوب [illegible] را می‌ساخت دیده‌اید و با آنچه که [illegible] این نقش کبودی‌نداشته «باباسبحان» چهره‌ی [illegible] صریح و پیچیده‌ای نداشت [illegible] برای من بعنوان یک بازیگر رسیدن به [illegible] فرهنگ ذهنی یک آدم روستایی تا حدودی زیاد مهم بود یعنی من «باباسبحان» را فقط در حد حرکت قصه نمی‌دیدم البته در این زمینه با «کیمیایی» نیز صحبت شد و وی نیز تا حدودی با این طرز تفکر و حرکت من موافق بود بدلیل آنکه «باباسبحان» جز آنچه [illegible] بر روی اکران سینما ملاحظه کردیم چهره‌ای است که درواقع می‌تواند [illegible] تمام آن درگیریها و خشونتها و [illegible] و با تمام اعتراضاتش بعنوان طبقه‌ی خوش «تمسك» باشد و خصوصیات خاص [illegible] طبقه [illegible] داشته باشد حتی با تمام حرکتی که در قصه داشت. مشاهده کردید آنچه بود که بشنید و تسلیم شود در واقع بسرهای «باباسبحان»، در مورد آن ستیزه‌گری و عدالت‌خواهی، ارثی از پدرشان داشتند

■ **شناخت شما از شخصیت خود «کیمیایی» در رهبری و تصویربرداری این فیلم و بطورکلی فیلمهای دیگرش تا چه حدودی است؟**

والی: من از کودکی با «کیمیایی» آشنا بودم و او را می‌شناختم، از همان هنگام پرخاشگریها و تخس گریها. و همراه دوستان محلگی خود شدنش برایم جالب بود و من همیشه «کیمیایی» را بعنوان بچه محلی که با هم بودیم دوست می‌داشتم تا اینکه زمان گذشت و قرار براین شد که من بعنوان یک بازیگر برایش بازی کنم صمیمانه می‌گویم که برای من بسیار خوشایند بود و وقتی شروع بکار کردم مشاهده کردم «کیمیایی» حقیقتا در کار

* نه سینمای مهرجوئی را بخوبی می‌شناسم، نه سینمای کیمیائی را..!
* حرکت تازه‌ی تئاتر، از جمع آماتورها آغاز شده ...

[illegible]
دیگر هم [illegible]
«کیمیایی» [illegible]
راحتم می‌بودم. [illegible] و
واک [illegible] و آنچه توجه و علاقه‌ی مرا [illegible] هنری و مدیریت خوب و به خصوص خلاقیت سرشار وی بود و من [illegible] تند حرکت به‌محض [illegible] خوب است [illegible] بالاتر [illegible] خوبی سر می‌تواند [illegible]

[illegible] دهنی و ذهنی او و رهگش [illegible] و [illegible] و معتقدم من این همان چیزی است که بسیاری از کارگردانان ما فاقد آنند مثلا وقتی مرحله‌ی آخرین کار ارائه داده شده‌ی «کیمیایی» را مطالعه می‌کردم حقیقتا به‌هیجان آمده بودم.

■ **آیا منظورتان همان قصه‌ی (بهزاد فراهانی) است؟**

والی: البته من کار (بهزاد فراهانی) را خوانده‌ام ولی واقعا اختلاف دارند یعنی باید بگویم کار (بهزادفراهانی) مشابه‌ای پیش بود درست مثل اینکه سوژه‌ای را فقط برای شما تعریف می‌کند من سناریو را مطالعه کردم و علاوه بر مشاهده‌ی کار «فراهانی» برروی صحنه آنرا می‌شناسم در واقع «کیمیایی» آنرا مشابه‌ای قرارداده جهت ابراز و خلق‌کردن مسائل متعدد. همان «صفر ساعت» را عرض می‌کنم من واقعا وقتی آنرا مطالعه کردم به «کیمیایی» پیشنهاد دادم چنانچه قادر به‌ساختن فیلمی از روی آن است بطور قطع به‌اسنار آن بپردازد. حتی قدرت تاثیرگذاری نوشته خود قصه، خیلی زیاد است در واقع این یك رشد و پیشرفت است و من امیدوارم در آینده «کیمیائیهایی» پیدا شوند و اگرهم هستند کشف و شناخته شوند بدلیل آنکه همینها هستند که درعین شناختن تکنیك سینما جدا از ادا و اصولهای روشنفکرانه اصالت کاری خود را حفظ می‌کنند یعنی علاوه براینکه نسبت به‌زندگی شناخت عمیقتری دارند ریشه و تاثیر کار آنها در مردم بیشتر است آدمهایی هستند که تیری به‌نجبه نخورده که باصطلاح مثل قارچی سبزشوند مثل‌یك درخت نسل رشد نمایند در عرض سه‌ماه بارور شوند و در [illegible] غزل خداحافظی را بخوانند.

■ **فیلمهای «کیمیایی» از یك خصوصیت خاص برخوردارند و این خصوصیت خشونتی است که در اغلب فیلمهای او مشاهده می‌شود مثلا در فیلم قیصر آیا دلیل این خصوصیت خاص خشن بودن خود «کیمیایی» است یا علت دیگری دارد بنظر شما؟**

والی: [illegible] مسئله‌ای است شما ممکن است در کار یك کارگردان چنین خصوصیتی را مشاهده کنید اما این خشونت خشونت ذاتی نیست یعنی ابدا لزوم ندارد که بنده برای ارائه‌ی چنین کاری آدم خشنی باشم این خشونت یا حدودی عکس‌العمل است مثلا بصورت یك عکس‌العمل تعرضی آدمهای فیلمهای «کیمیایی» بیشتر ضد قانونند یا حتی ضد قانون به مفهوم متعارف. بلکه ضد آنچیزی هستند که متعارف است بهمین علت ضد بودن مقداری خشونت لازم دارد. در جنگیدن مقداری تهاجم همراه است پس این خشونت به‌آن مفهوم کلاسیك سینمایی که ما می‌شناسیم نمی‌تواند باشد. ما [illegible] فیلمهای «کیمیایی» بعلت شناخت نگیرم. درواقع می‌توانیم آنها را نوعی اعتراض محسوب کنیم.

■ **ولی خشونت در فیلمهای «کیمیایی» تاحدودی عناصر یا نفی تازه هم هست بدلیل آنکه در حال حاضر خشونت در هر هنری جاری شود آن هنر را به سوی تجارت می‌کشاند.**

والی: من در اینجا می‌خواهم بگویم وقتی «کیمیایی» این خصوصیت را در فیلم «قیصر» ارائه داد هنوز خشونت معمول نبود و بعد از آنهم شد. بنابراین بخاطر داشته باشید که «کیمیایی» خصوصیات خاص گذاشت. حتی مثلا «کیمیایی» فیلم «غزل» را ساخت بعقیده‌ی من فوق‌العاده بود. یکی از قصه‌ها و داستانهای ناشناخته‌ی ماست که بعدها کشف خواهد شد. من این حکم را خواهم کرد.

■ **همانطور که می‌دانید خشونت دو روی ظاهری و عمقی دارد که «کیمیایی» در مرحله‌ی بابایی تا هشتم فیلمهای خود به‌این منظور دست پیدا کرد که باید خشونت عمقی را درنظر بگیرد کما اینکه در فیلم غزل دیدیم که خشونتهای ظاهری شخصیتهای فیلم مبدل به خشونتهای درونی شد و انفجارهائی از این خشونتها منجر به کشته شدن زنی شد که تمثیلی از زندگی بود. من می‌خواهم بگویم که بالاخره «کیمیایی» به‌این خشونت عمقی رسید آیا نظر شما هم همین است؟**

والی: این رشد «کیمیایی» است بهمین علت در زمینه‌ی کارهایش برای من آدم زنده‌ای است خودش را تکرار نمی‌کند بلکه در صدد تکمیل‌کردن خود است مثلا شما در قصه‌ی آینده‌اش به‌آن موقعیت قهرمانی نخواهید دید قهرمان قصه یك «سیاك» است و بازهم این بنظر من یك تکامل و جهش است یا یك رشد. بهمین‌علت معتقدم «کیمیایی» باید تایید شود فیلم غزل را که مثال زدیم دلیل بر رشد یك انسان است (کیمیایی) فیلم دوم ساخت حتی فیلمهای بزرگ کارگردانان را فریب می‌دهد تا در صدد تکرار آنها برآیند. اما «کیمیایی» خیلی راحت داخل یك فضا و محیط دیگرمی‌شود و این خیلی خوب است.

■ **در حال حاضر شما چه نقشی در فیلم جدید «کیمیایی» ایفا می‌کنید؟**

والی: راستش هنوز نمی‌دانم اما برای من حتی نداشتن هیچگونه نقشی نگرانی ایجاد نمی‌کند بلکه آنچه حائز اهمیت است تایید کردن و همدل بودن در یك کار هنری است من حقیقتا وصمیمانه «کیمیایی» را دوست دارم و نگرانی‌ای که درمورد فیلم جدیدش دارم راجع به فیلم «غزل» هم داشته‌ام چون بین ما گذشته ازمناسبات کاری تا حدودی مناسبات عاطفی ورفتاری نیز وجود دارد. او حتی در انتخاب وتعیین جاها با من صحبت می‌کرد. فقط من همیشه آرزو دارم اسانهایی با این خصوصیات موفق شوند زیراهیچ واسطه عرصه را برشبه هنرمندها تنك نماید و این راهی درست درکار هنری است. من‌فکر می‌کنم هرانسانی احتیاج به‌کمی دورخیزدارد باید تاحدودی به‌خودش برگردد تا مجددا خود را کشف کرده و بشناسد و دوباره شروع کند این نفس کشیدن و دوباره سازی فکر می‌کنم برای هر هنرمندی لازم باشد این دوره‌ی فطرت نیست بلکه دوره‌ی مکاشفه است که «کیمیایی» سالهاست خاموش مانده.

■ **در مقابل سینمای «کیمیایی»، می‌توانیم سینمای «مهرجوئی» را بعنوان‌یك سینمای تجددخواهانه نام ببریم بدلیل‌اینکه فیلم «گاو» قبل از فیلم «قیصر» ساخته شده بود اما به‌اتفاق یکدیگر نمایش داده می‌شوند چون شما بازیگر و نیز و هم وجه فیلم آشنائی بیشتری دارید آیامی‌توانیم آنرا در مقایسه با سینمای «کیمیایی» تحلیل نمائیم؟**

والی: این‌مقایسه رازار من‌نخواهید بدلیل اینکه من نه سینمای «مهرجوئی»را بخوبی می‌شناسم، و نه سینمای «کیمیایی»را! شناخت من نسبت به «مهرجوئی» در حد فیلمی است که باهم کار کردیم یعنی فیلم «گاو». فیلمهای بعدیش را دیده‌ام [illegible] آنها شرکت نداشتم البته من به‌اتفاق [illegible] فیلم «گاو» را در تلویزیون کارگردانی کردم و «مهرجوئی» بعنوان کارگردان سینما زحمت بسیاری کشید و [illegible] هم فیلم موفقی بود. من بهیچوجه [illegible] بمقایسه‌ی حتی دیدگاههای آنها نیستم چون درعین اینکه دارای دو دیدگاه [illegible] [illegible] در سینما [illegible] دارند و [illegible] [illegible] «مهرجوئی» بوده‌ام و [illegible] [illegible] [illegible] «کیمیایی»

بقیه در صفحه ۴۲

کیمیائی نه‌تنها کارگردان خوبیست بلکه متفکر هم هست.

*** نادری، درساختن «تنگسیر» درگیریهائی داشت، بهمین خاطر فیلم موفق نبود.**
*** شناخت من از سینما، عمیق و کلی نیست.**

[illegible] مرتضی عقیلی [illegible] هم میخندد [illegible] و [illegible] در صحنه ای از فیلم [illegible]

«شب زخمی» وحرکت در مسائل اجتماعی...

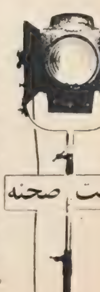

.. حالیکه رکود چشمگیری شب استودیوهای فیلمبرداری گردیده است . و [illegible] سازی از تهیه‌کنندگان و فیلمسازان [illegible] موضع موجود فیلمسازی [illegible] است. [illegible] جای [illegible] ساخت [illegible] ی [illegible] و [illegible] بسته‌ای [illegible] در [illegible] ایرانی [illegible] و [illegible] در [illegible] سینمای [illegible] ایرانی به وجه [illegible] و بازیگرگروهی ازفیلمسازان تلاش‌برگیری [illegible] ساختن فیلمهائی میشوند که [illegible] وده آنرا ساد [illegible] مبهم اسرار وسودابرکاری [illegible] شده‌است . . آنجاکه ممکن است گروهها [illegible] سعی میکنند از مخارج اضافی شد جلوگیری نمایند و تعجبها هم پا را فرا نهاده‌اند و بصورت تعاونی دست به ساختن فیلم شده‌اند که فیلم آخر [illegible] به نام «شب زخمی» یکی از آنهاست [illegible] این فیلم [illegible] اول [illegible] ماه شروع‌شده است که‌هم‌اکنون صحنه‌های آخر آن جلوی دوربین است آنچه که در زیر میخوانید گزارش فشرده پشت صحنه این‌فیلم ترملی و [illegible] های اخیر میباشد.

یک تجربه تازه

فیلم تازه [illegible] تجارب [illegible] شناختی که از فیلمهای قبلی [illegible] راه متفاوت و جداگانه‌ای دارد . حتی سوپاریگرانش هم [illegible] کاملاً تغییر کرده‌اند [illegible]

[illegible] سینمای [illegible] کرده [illegible] نیز [illegible] چهره‌تازه‌ای جهش‌ساز وا [illegible] فیلم تازه‌اش را جلوی [illegible] [illegible] گویند

ـ [illegible] حتی [illegible] انعطاف و حساس [illegible] از [illegible] فیلم [illegible] فاصله‌ای [illegible] [illegible] حال وجود [illegible] فیلمسازها حتی [illegible] بخصوص اینکه [illegible] محسن [illegible] سینمای ایران و [illegible] که همه یک هم بسته‌های سینو [illegible] [illegible] [illegible] فیلم [illegible] که [illegible] را در هر شرایطی [illegible]

فیلمسازان بصورت تعاونی بساختن فیلم پرداخته‌اند

خواهم دانست [illegible] برای او بازیگری است که هنوز در سینمای ایران فرصتی برای‌نمایش استعداد خود نیافته و من امیدوارم [illegible] جریان فیلمهای [illegible] چهره [illegible] را [illegible] سعی [illegible] مورد چهره‌های [illegible] البته هم باید نگویم که من هیچگاه قصد بهره‌برداری و گول‌زدن تماشاگر را با چهره‌های مشهور و عکسی که متاسفانه تماشاگر [illegible] میکند نداشته‌ام و بهمین جهت [illegible] چهره‌های تلویزیونی که [illegible] و [illegible] جداگانه دارند استفاده کرده‌ام.

همانطور که [illegible] اشاره میکند سینمای ایران به‌رغم چهره‌های تازه [illegible] و برای داشتن یک سینمای بهتر باید راه [illegible] نمایش استعدادهای تازه باز باشد.

[illegible] که هم‌اکنون فیلم خاکستری [illegible] آماده نمایش دارد، درباره فضای فیلم تازه‌اش حرفهای خالی ندارد.

ـ این فیلم بر خلاف فیلمهائی [illegible] در مرداب، هشتهو و خاکستری که یک خط واحد را دنبال میکنند به [illegible] سینمای سالم و عاری [illegible] سود سینمائی که جامعه ما به‌آن نیازمند است مبهمی تمام سعی و تلاش من است که در این راه بهتر بروم. خودمان خوب میدانیم که سینما و تهیه فیلم، اقتصاد [illegible] آن بستگی دارد، از اینرو مجبور هستیم برای دوام و بقا [illegible] های [illegible]

* مرتضی عقیلی و بهروز به‌نژاد تیم تازه فیلم را تشکیل داده‌اند

در ... خوش ساخت هم و ... نیست که هدف جذب محض تماشاگر نیست بلکه سعی شده است آگهی‌هایی با ... را این فیلم در جهت فیلمی ... خواهد بود. یک سینمای ... که ... را مورد بررسی قرار میدهد.

... زندگی دو پسر جوان مرتضی عقیلی و بهروز به‌نژاد که یکی از آبادان بسوی تهران آمده تا زندگی شهری را تجربه کند و دیگری از شمال آمده تا در تهران به دانشگاه‌برود و درس بخواند. تضاد این‌دو روحیه و این دو زندگی به اصلی فیلم را تشکیل میدهد که در برخورد با وقایع شهری رنجهای را در زندگی تجربه میکنند. سوژه فیلم از تازگی و تازگی خاصی برخوردار است و من سعی کرده‌ام تا یک زندگی واقعی را ترسیم نمایم.

پس از حرفهای «... صفار» که‌یک ... فضای‌فیلم را ترسیم میکند همراه او راهی صحنه فیلمبرداری میشویم.

در فرودگاه چه خبر است

سالن بین‌المللی فرودگاه مهرآباد در ساعت ده شب، مملو از جمعیت است. گروهی برای سفر چمدانها را بسته‌اند و گروهی دیگر بانتظار بازگشت مسافرکرده‌های خود هستند. درمیان هزاران جمعیتی که در سالن گرد هم آمده‌اند. گروه سازنده «شب رحمی» مشغول تنظیم صحنه‌های مورد نظرهستند، تا فیلمبرداری شروع شود. اشکال کار در این است که نورسالن برای فیلمبرداری کافی نیست. بهمین جهت باید چندپروژکتوردرجهت‌های مختلف روشن‌کرد. اشکال بعدی از اینجا شروع میشود که وقتی پروژکتورها روشن شد جمعیت متوجه دوربین میشوند و کار مشکل میشود. اما راه گریزی نیست در این صحنه فرار

نیست آرمان که نقش بعد شهرزاد آرمانی را بازی میکند همراه ... خارج بروند. آنها با ... لحظه‌ای در ... جمعیت ... بهروز همراه ... کند با او همراهست و با لحظه وارد سالن شود جمعیت هنرپیشگان را شناخته‌اند و دور آنها حلقه میزنند. کار برای چندلحظه متوقف می‌ماند. با همکاری گروهی از ماموریت و افراد فیلم جمعیت متفرق میشوند.

دستور کارگردان همه افرادآماده فیلمبرداری صحنه مورد نظر میشوند. رضا محاوری فیلمبردار فیلم که «سلطان صاحبقران» و «مرثیه» امیر نادری خسرو کارهای آخراو محسوب میشود در پشت دوربین قرار گرفته است. در یک لحظه پروژکتورها روشن میشود وسالن فرودگاه غرق در نور میشود. جمعیت هاج و واج مانده‌اند که چه خبر است. دوربین در پشت ستونهای سالن کار گذاشته شده و صحنه‌ها با «تله» گرفته میشود. آرمان و شهرزاد در حالیکه اشک بچشم دارند مشغول بازی خود میشوند در همین موقع بهروز به‌نژاد با ساک وارد میشود ووقتی آنها را می‌بیند دوان دوان بسوی آنها می‌آید. یک لحظه برادری، برای یک عشق لطیف و قشنگ. مرتضی که در سالن هستند که‌که دور هنرپیشه‌ها حلقه میزنند و باز کار متوقف میشود. برای ادامه کار و گرفتن صحنه‌های درشت‌تر و کلوزآپ، مجبور میشوند که در سالن مجاور که خالی از جمعیت است کارکنند. نکته جالبی که توجه برانگیز بود گرفتن فیلم مستند از مسافرین و بدرقه کنندگان بود که هرکدام سوژه کوتاه و جالبی را خلق میکردند.

کار در فرودگاه تا ساعت سه نیمه شب طول می‌انجامد و آخر شب وقتی کار تمام میشود. در رستوران فرودگاه همگی یک قهوه داغ را برای رفع خستگی با ولع می‌نوشند.

در این هنگام فرصت مناسبی است تا با «آرمان» بازیگر قدیمی سینما گفتگوی کوتاهی درباره کار آخرش داشته باشم. آرمان درباره نقش خود در فیلم شب ـ رحمی میگوید: این یک‌کاراکتر تازه و پرتحرک است و من خوشحالم بعد ازفاصله‌ای بازیگر با صفار در این فیلم همکاری‌دارم. در ضمن بگویم که یک پروژه تازه برای یک همکاری مشترک دیگر داریم که فکر میکنیم از کارهای پر سروصدای سال آینده خواهد بود. در عین حال سوژه وداستان «شب رحمی» بگونه‌ای است‌که تازگی آن در طول فیلم حس میشود. حس این فیلم است که درد مردم را بازگو میکند و مسائل اجتماعی را مورد بررسی قرار میدهد.

بهروز به‌نژاد سر حرفهای زیادی در باره سینما دارد. درد دلش زیاد است. او میگوید من همیشه هدفم این بوده که در فیلمهای خوب و قابل بحث بازی داشته باشم و تا آنجا که ممکن بوده دنبال این هدف رفته‌ام. این فیلم که زمینه‌ای تجاری دارد و همگی باآگاهی باین نکته درساختن آن همگام شده‌ایم، برایمن شروع‌تازه‌ای در نقشهای اجتماعی میباشد و من امیدوارم که بتوانم با موفقیت دراین راه بکارها وعناوین نخست برسم که تهیه‌کنندهاش ... نیست.

شهرزاد آرمانی که در سریال تلویزیونی همه از یک خانواده بازی میکند میگوید این نخستین فیلم من در سینمای ایران است. من از این‌پس فقط در فیلمهای این کارگردان ظاهر خواهم شد و امیدوارم بتوانم در میان ستارگان ... چهره‌ای متفاوت و جداگانه باشم

■ مرتضی عقیلی، بهروز به‌نژاد و آرمان درنمائی از فیلم

شب طولانی

خیابان تخت‌جمشید. ساعت یک‌نیمه شب کاملا خلوت است. نزدیک تقاطع روزولت و بهار، قرار است که مرتضی عقیلی به‌یک فروشگاه مبل دستبرد بزند برای این‌منظور تعداد بیست سیاهی‌لشگر که لباس ماموریت پلیس بتن دارند در صحنه آماده هستند چند مامور هم از کلانتری برای حفظ نظم آمده‌اند. دو اتومبیل‌پلیس هم برای صحنه در گوشه‌ای ایستاده است

کار از ساعت یک نیمه شب شروع میشود. نورپردازی داخل فروشگاه از بعد ازظهر تنظیم گردیده مرتضی عقیلی باید در تاریکی شب داخل فروشگاه شود. پراولیک در سرتاسر مغازه چیده شده و محاوری پشت دوربین قرار گرفته کار ـ گردان فیلم تمام صحنه را زیر نظر دارد در این صحنه باید دو مستخدم فروشگاه که در خواب هستند بیدار شوند و مرتضی عقیلی را تعقیب نمایند دوربین شروع به کار میکند و مرتضی وارد مغازه میشود. نزدیک گاوصندوق که میرسد گلدانی‌جلوی دستش بزمین می‌افتد

صحنه کات میشود. فیلمبرداری‌از مستخدمین فروشگاه که از سروصدا بیدار شده‌اند شروع‌میشود. آنها باعجله بسوی مرتضی عقیلی میدوند. مرتضی فرار میکند و از مغازه خارج میشود. این صحنه

بقیه در صفحه ۴۲

* فیلمبرداری در محل‌های مختلف همیشه برای فیلمسازان دست و پاگیر بوده است.

■ مرتضی عقیلی و بهروز به‌نژاد در برزخ احساسات

رقابت دوستانه؟

[illegible] مرحله‌ی بحرانی» [illegible] ترلی ماشلس درچهارسال گذشته است. [illegible] این فیلمی درباره‌ی برابری [illegible] و [illegible] فیلمی است درباره‌ی دو دوست که [illegible] ندگی‌شان ومسائل دیگر، دفع می‌[illegible] فیلمی به شیوه‌ی قدیمی هالیوود. [illegible] مرحله‌ی بحرانی» را هربرت راس و آرتور لارنس تهیه کرده‌اند و بازیگران [illegible] لسلی ارلود و میخائیل باریشنیکوف هستند.

کلافه از «هرپیس»!

■ [illegible] یک وکیل مدافع [illegible] حضور در دادگاه [illegible] یك برسرمگذار [illegible] که [illegible] مایه‌ی عذاب او شده [illegible] و در صحنه‌ [illegible] که با این قیافه ظاهر می‌شود. از هرپیس کلافه‌می‌شود [illegible]

[illegible] به شدت [illegible] وقتی که آن را [illegible] به مرز دیوانگی می‌رسم!»

«تماس مدوسا» را [illegible] کارگردانی می‌کند و بازیگران دیگرش لی‌رمیك و لینو ونتورا هستند.

«اضطراب بزرگ»

[illegible]

«عروسی» رابرت آلتمن!

☐ رابرت آلتمن [illegible] اینك مشغول ساختن فیلم تازه‌اش است. این فیلم «عروسی» نام دارد که فیلمنامه‌اش را آلتمن به اتفاق جان کانسیداین نوشته است. بازیگر فیلم، کارول برنت، لیلیان گیش، جرالدین چاپلین، لورن هاتون، دینا مریل، [illegible] و [illegible] هستند.

«عروسی» را آلتمن برای کمپانی [illegible] تهیه می‌کند

«نسل جوین»

☐ کلود شابرول، فیلمساز معروف فرانسوی، سرگرم ساختن آخرین فیلمش است. این فیلم «نسل جوین» نام دارد که فیلمنامه‌ی آن را شابرول [illegible] براساس کتابی از [illegible] نوشته است.

بازیگران فیلم [illegible] و [illegible] هستند.

اولین فیلم جدی «بیلی وایلدر»

[illegible] «بیلی وایلدر» کمدی [illegible] هالیوود [illegible] ساختن نخستین فیلم جدی‌اش در طی [illegible] فیلمسازی [illegible] نام دارد و حکایت زندگی یك ستاره‌ی مشهور هالیوود است که اینك گوشه‌ی انزوا گزیده است. فیلم او، درحقیقت یك سوگواری برای کمدیهای هالیوودی است

در برنامه‌ای که اخیرا برای تجلیل از وایلدر برگزار شد، وی به هنگام [illegible] بعد از [illegible] کاری [illegible] به [illegible] گفت: «امروز شما می‌توانید از [illegible] یك اپیزود کوتاه، در هواپیما استفاده کنید [illegible] دیال او [illegible] که مدت بیست سال با وایلدر همکاری داشته‌است اضافه کرد:

«به سختی می‌توان پذیرفت [illegible] کمدی در هالیوود فروش ندارد. [illegible] بسیاری از آنها در تلویزیون خود [illegible] کرده‌اند و همزمان، فیلمها به این مسئله کمك می‌کند که [illegible] به تحرك وادارند. من فکر می‌کنم آنها واقعا خسته‌اند و احتیاج به یك تکان شدید دارند. سرنوشت سینمای امروز چیست؟ با یك کوسه غذای را می‌خورند و با دختری با یك تکه چوب استمناء می‌کند!

سینما بیش از هرزمان دیگر احتیاج به یك داروی قوی دارد.» در فیلم «فدورا» نقش ستاره‌ی هالیوودی به عهده‌ی «مارت کلر» است و وایلدرنیز در صحنه‌هایی از فیلم ظاهر می‌شود.

کدام نگاه به جهان سوم؟

[illegible]

سه چهره از یک بازیگر

[illegible]

روی آنتن تلویزیون جهان

دختر تونی کرتیس به تلویزیون آمد ...

جامی کورتیس، دختر ۱۸ ساله‌ی تونی کورتیس که [illegible] او با جانت لی است، مانند پدر و مادرش، قدم به عالم نمایش گذاشته، [illegible] بوموروسال [illegible] که ۲۵ سال پیش از پدرش یک [illegible] ساخت، جامی، که اینک [illegible] زندگی می‌کند [illegible] کونیسی [illegible] کوچکی است و همچنین [illegible] کوچکی [illegible] داورزانس، بازی می‌کند. جامی اینک در سریالی که [illegible] یکی از فیلمهای قدیمی [illegible] به ۱۰۰ [illegible] نیر پیراهنی در تلویزیون ساخته می‌شود، بازی می‌کند. حال آنکه تونی، چهار ماه پیش از تولد جامی بازی در این فیلم را شروع کرده بود.

بت دیویس، پرکار در تلویزیون

[illegible] بت دیویس [illegible] هالیوود [illegible] بازی [illegible] تلویزیون [illegible] کمدی [illegible] کرده است و همراه [illegible] سریال [illegible] بازی می‌کند [illegible] بت دیویس در تلویزیون [illegible] با او یک [illegible] سازد. حال آن که اغلب آنها نیز کمدی هستند.

«رد تایلور» در سریال وسترن

علاوه بر [illegible] براساس فیلمهای قدیمی [illegible] وسترن [illegible] سریال‌سازان [illegible] سریال [illegible] امریکا [illegible]

[illegible] های [illegible] شود [illegible] و جاهای اورگون است. [illegible] صحنه‌های سریال [illegible] گیرد و قسمتهایی از آن، مربوط به حمله‌ی سرخپوستها است.

* پرونده‌ی یك فیلمساز * كاوشی در سینمای فیلمسازان «امید» ...

یك پیام

* آقای علیرضا فارسی و دوستان

دانشجویان سوم ارتباطات

[illegible]

* کیمیائی دیگرباره «قیصر»ش را باباری احساسی از نگرشهای اجتماعی ، باز سازی میکند .
* آمیزه‌ای از قصه‌ی قیصر ورضا موتوری در سایه بلوچ را میسازد .
* ضعف عمده‌ی فیلم : از جانب کیمیائی سناریست ...

۴ - بلوچ

«بلوچ» در پرونده‌ی کیمیائی، نقطه‌ی حضیض است.

[illegible] در فرمانهایمر در «سوارکاران» [illegible] قصد داشت به عقب ماندگی [illegible] شد [illegible] شترسواری میکردند و [illegible] حال هواپیمائی [illegible] بالای سرشان میگذشت. [illegible] و با حدودی [illegible] این مفهوم [illegible] سدی‌اشان را [illegible] چون [illegible] فراهم شود [illegible] چرا؟ [illegible]

[illegible] محتوای مذهبی [illegible] دارد که [illegible] اشاره [illegible] کیمیائی [illegible] از شمایلهای مذهبی [illegible] میکند ، بگونه‌ای سعی دارد که [illegible] معصوم فیلمش را با این [illegible] مذهبی [illegible] کیمیائی [illegible] نمیداند [illegible]

«بلوچ»، آن فیلمی بود که [illegible] یك نوع «خودگم‌کردگی» [illegible] گوئی کیمیائی بدون مطالعه‌ی کافی، قطعات مختلفی را کنار هم گذاشته ، [illegible] اعتقادی [illegible] شکلی اجتماعی و حتی سیاسی [illegible] اندازه که حتی [illegible] قیصر و رضاموتوری [illegible] کرده بود، در [illegible] این فیلم [illegible] سکوت کرده [illegible] توضیح [illegible] تا حدی بود که فیلم [illegible] داشته باشد. در پرونده [illegible] کیمیائی ، در نمودار فیلمسازی او، بلوچ [illegible] نقطه‌ی حضیض است. با این وجود [illegible] سلسله‌ی نگاه اجتماعی کیمیائی [illegible] حالك ، گوئیها دنبال شد...

[illegible] بلوچ که حالا کت و شلوار شهری پوشیده ، [illegible]

[illegible] یك دوبلیك میگذارد [illegible] موتور میکاند ، [illegible] کاپش [illegible] را [illegible] صحنه [illegible] ماشین [illegible] و به [illegible] تماشاگر [illegible] جبری حرفاتك [illegible] قدیمی [illegible] اصولی و [illegible] ندارد [illegible] نوع [illegible] – از نظر بیان سینمائی [illegible] میشود [illegible] میگیرد و بیش [illegible] آنهای [illegible]

[illegible] عمده‌ی فیلم باردیگر [illegible] کیمیائی [illegible] این‌بار قیصرش را تکرار میکند [illegible] ناحیه‌ی [illegible] بلوچ [illegible] های گرایش به نهادهای اجتماعی موجود [illegible] فراهم [illegible] قاچاق [illegible] گردنکل به آسیابی [illegible] معمول [illegible] عمیقتر می‌کند [illegible] بلوچ [illegible] را به آنجا برگردان [illegible] بلوچ [illegible] می‌آید و عوامل بدکار [illegible] رویس خانه [illegible] بازگرداندن [illegible]

□ هفته آینده : حاك

* «بلوچ»
تکرار قیصر...

* این فیلم را
چگونه باور کنیم

باربارا استرایسند: زشتی بر سینما فاتح میشود!

* محمد علی کلی، در سینما هم رجز خوانی میکند

با دماغ عقابی و دهان گشاد، سینما را فتح کرد

*** ویلیام وایلر: «وقتی او می‌خندد، من گریه‌ام می‌گیرد!»**

□ تا پیش از ورود «باربارا استرایسند» به سینما، گرچه پدیده‌های تازه‌ای که رخ نمایانده بودند، دگرگونی معیارها را حکایت می‌کردند اما «باربارا استرایسند» با آن بینی عقابی و دهان گشادش، بر این عقیده صحه گذاشت که دوران زشتی بیانی کلاسیک برای موفقیت ستارگان سینما، بسر آمده است: او علیرغم زشتی صورتش، سینما را فتح کرد و به درستی، پایان آن دوران را ثابت نمود.

«ویلیام وایلر» برای اجرای نقش در فیلم موزیکالش «دختر مسخره» به دنبال ستاره‌ای بود که با خصوصیات دختر فیلمنامه مطابقت داشته باشد. دختری با صورت مسخره و فاقد زیبائیهای قابل مانند و شناخته شده. باربارا استرایسند، وقتی که با وایلر مواجه شد، شکی باقی نگذاشت که همانست که او می‌خواهد و وایلر در برگزیدنش، لحظه‌ای تامل نکرد.

«دختر مسخره» که به نمایش درآمد و با استقبال فراوان مواجه شد، آوازه‌ی باربارا نیز بالا گرفت. وایلر درباره‌ی او اظهار نظر جالبی دارد: «وقتی که می‌خندد، از حالت خنده‌اش گریه‌ام می‌گیرد. چقدر زشت می‌خندد!» با این حال، «عمر شریف» همبازی باربارا در این فیلم، عقیده‌ی دیگری دارد. عقیده‌ای که سینمای روز و تماشاگرانش دارند و در واقع همین عقیده بود که سینما، باربارا را پذیرفت.

شانس او این بود که درست زمانی قدم به سینما گذاشت که معیارهای زیبائی دگرگون شده بودند. در غیر این صورت، او نه تنها شانس شرکت در همان یک فیلم را نمی‌یافت، بلکه اگر چنین شانسی هم نصیبش می‌شد، اولین و آخرین بار بود. مردم

بقیه در صفحه ۴۲

من بزرگترین ستاره‌ی هالیوود هستم!

*** تمام مردم دنیا برای دیدن فیلم من، صف خواهند بست.**

□ این «محمد علی کلی»، اعجوبه‌ی تاریخ مشت‌زنی جهان که بسیاری، دیوانه‌اش می‌خوانند، در سینما هم شیوه‌ای را پیش گرفته است که در رینگ بوکس اعمال می‌کرد. پیش از مبارزه و در حین مبارزه، با رجز خوانیهایش، اعصاب حریفان را داغان و روحیه‌ی جنگندگی آنها را خراب می‌کند. او با تکیه بر این روش، بسیاری از حریفان خود را از میدان بدر برد و به مرد وراج رینگ معروف شد. اما بشنوید که او پس از بازی در نخستین فیلمش «بزرگترین»، چه می‌گوید:

«من بزرگترین ستاره‌ی هالیوود هستم. بزرگتر از جان وین و کلینت ایستوود. تمام مردم دنیا برای دیدن فیلم من صف خواهند بست!»

برخلاف پیش بینیهای قبل از نمایش فیلم، از «بزرگترین» استقبال فوق‌العاده‌ای به عمل نیامد، و آن رویای «جان مارشال» تهیه کننده‌ی فیلم نقش برآب شد اما «کلی» بی‌خیال از این استقبال سرد، خود را لایق جایزه‌ی اسکار هم می‌داند! البته در این میان، کلی این شانس را داشته است که خود را در مقابل دوربین بیازماید. و این موردی است که «ارنست بورگناین» همبازی کلی و ایفاگر نقش «آنجلو داندی» دوست و مربی کلی بر آن تاکید ورزیده است.

«بزرگترین» براساس کتابی از زندگی کلی، قسمتهائی از گذشته‌ی او را به طور گذرا در بر می‌گیرد و بیشتر فیلم، به سالهای اخیر و زندگی کنونی او می‌پردازد. در مثال، برای تجسم بخشیدن به زمانی که «کاسیوس کلی» جوان در المپیک رم ۱۹۶۰ به مقام نخست رشته‌ی مشت‌زنی دست یافت، جوان سیاهپوستی به نام «چیپمک آلیستر» که شباهت زیادی به چهره‌ی آن دوره‌ی او دارد، برگزیده شد. در کل، این فیلم حکایت مبارزات، زندگی خصوصی و اجتماعی کلی است.

محمد علی کلی، مشت‌زنی ۳۵ ساله، پس از گذران دوران سخت کودکی و نوجوانی، در کشمکش بیداد تبعیض نژادی، از همان آغاز خوی ستیزه‌جوئی‌اش گل کرد. روی آوردن او به مشت‌زنی، در حقیقت انعکاس نابرابریهای سیاه و سفید بود. او با مشت زدن، می‌کوشید تا عقده‌هائی را که سالها از سرکوفت خوردن در درونش تلنبار کرده بود، به این ترتیب منعکس کند. به همین جهت بود که وقتی مشت می‌زد، با تمام قدرت و شدت می‌زد. در بیست سالگی، به عنوان یک مشت‌زن آماتور، برنده‌ی مدال طلای المپیک شد و دلال‌های مشت‌زنی حرفه‌ای که همواره در مسابقات المپیک در پی صید شکارهای چرب و نرم هستند، متوجه استعداد کاسیوس کلی شدند و چندی بعد او سر از مشت‌زنی حرفه‌ای درآورد.

مسابقات او، یکی پس از دیگری برایش پیروزی به ارمغان آورد و به همراهش بر شهرت او افزود. به تدریج، کلی در عرصه‌ی دسته‌ی سنگین وزن مشت‌زنی جهان، بی‌رقیب شد. شهرت عالمگیر و استقبالی که از مسابقاتش چه از راه فروش بلیط و چه پخش تلویزیونی آنها، دلارها را به جیب او سرازیر کرد و ثروت او سر به میلیونها برداشت.

در همان سالهای اوج شهرت بود که کلی به سربازی فراخوانده شد اما او به دلیل مخالفتش با جنگ ویتنام، از رفتن خدمت نظام، خودداری کرد و محکومیت او باعث شد که چند سال از عرصه‌ی مشت‌زنی دور بماند. پیش از آن، گرویدن کاسیوس کلی به دین اسلام وانتخاب نام «محمد علی» برای خود، جنجال تازه‌ای بود و کلی بسیار مایل بود که همه او را «محمد علی» خطاب کنند و چندین بار پاسخ کسانی که او را «کاسیوس» صدا کرده بودند، با مشت داد!

بازگشت کلی به رینگ پس از طی دوران محکومیت برای باز پس گرفتن مقام قهرمانی، در گروی مبارزه با «جو فریزر» بود که با ناکامی مواجه شد اما مدتی بعد، در مبارزه‌ی مجدد، نه تنها از فریزر انتقام گرفت، بلکه با شکست دادن مشت‌زنی که فریزر را مغلوب کرده و قهرمان جهان شده بود، به مقام از دست رفته، دست یافت. او اینک با عنوان قهرمان دسته‌ی سنگین وزن مشت‌زنی جهان، اعلام کناره‌گیری از رینگ کرده است، اما بعید نیست به طمع دلارهای درشت، این تصمیم را نادیده بگیرد. همچنان که قبلا این کار را کرده است. او اینک یک سرمایه دار بزرگ است، شرکتها و موسسات عظیمی را اداره می‌کند و در مجتمعهای بزرگ، سهامدار کلان است. خانه‌اش به قصر می‌ماند و اتومبیلهایش به کشتی...

آخرین جنجال زندگی کلی، طلاق همسر سابقش و ازدواج با همسر تازه‌اش نیست که مدتها با او رابطه داشته است. آنچنان که خودش مصمم است، می‌خواهد پس از کنار گذاشتن مشت‌زنی، سینما را ادامه دهد، از این اعجوبه، هیچ چیز بعید نیست.

✿ فرستاده‌ی «سعید صالحی» از آمریکا

پدیده‌های نو در سینمای هشت...

✿ برای فیلمسازان آماتور تا امکانات سینمای ۸ را بهتر بشناسند

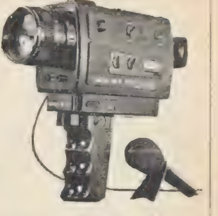

[illegible] ۵۸۱

[illegible] فیلمهای هشت میلیمتری [illegible] ساعتهای [illegible] [illegible] [illegible] ولا اشتای یك خانواده [illegible] بردن تشكیل [illegible] دوربین هوارد جس [illegible] و تحول تطبیعی [illegible] ساخت سادی و مصرفی آن صورت گرفته [illegible] وسعی تا آن [illegible] خانوادگی [illegible] سینمایی از علی آن [illegible] که پاسخگوی سازهای یك سینماگر حرفه‌یی [illegible]

سینمای هشت امروز همانند دارای [illegible] ۱۶ و ۳۵ میلیمتری [illegible] تکنیك‌های جدید و [illegible] روز آنها وسعت و [illegible] کار [illegible] دوربین‌های هشت [illegible] برای هرگونه تکنیکی [illegible] که [illegible] ساختمان [illegible] [illegible] کرد.

[illegible] حاصل [illegible] و [illegible] نویسنده [illegible] سینماگران هشت ایران [illegible] تکنیك‌های جدید [illegible] که مورد توجه قرار بگیرد.

***

[illegible] ظهور دوری [illegible] [illegible] هرچه مطرح [illegible] همان زمینه چاپ و ظهور دوری [illegible] مربوط به سینما و سینمای هشت [illegible] و [illegible] کمپانی پولاروید این بار [illegible] دوربین عکاسی که [illegible] ظاهر کرده و تحول [illegible] دوربینی اختراع کرده که بلافاصله پس از فیلمبرداری می‌توان آنرا بدون آنکه [illegible] برای ظهور برده [illegible]

[illegible] انجام خاد [illegible] است که [illegible] اینجا [illegible] و دگرگونی‌های [illegible] خواهد کرد.

[illegible] این اختراع شگفت‌انگیز که [illegible] هزار دلار [illegible] امسال به فروش خواهد رفت «پولاروید» است و لازمه کار با آن [illegible] یك جعبه تلویزیون مانند است که [illegible] فیلم در [illegible] کار پرده نمایش را نیز انجام می‌دهد. البته توجه دارید که [illegible] و [illegible] فیلم در این [illegible] امکان‌پذیر نیست و آنچه که «پولاروید» انجام می‌دهد تنها فیلمبرداری و نمایش بلافاصله فیلم است.

[illegible] در اینجا برای آشنائی با وسایل تکنیکی «سینمای هشت» به معرفی دوربین‌ها، پروژکتورها، کتاب‌های سینمایی و دیگر

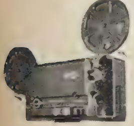

■ پروژکتور صدادار بولکس

وسایل و جنبه‌های مربوط به این حرفه خواهیم پرداخت که هرچند در برگیرنده آخرین اطلاعات در این زمینه است.

۱ - دوربین‌های سوپر هشت

[illegible] دوربین‌های هشت میلیمتری [illegible] که [illegible] ساخت [illegible] و [illegible] که [illegible] هشت [illegible] از سال ۱۹۶۵ که [illegible] سوپر هشت [illegible] آمد و [illegible]

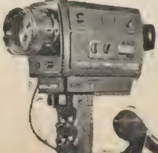

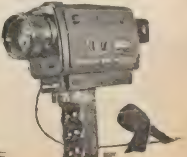

☐ نمونه‌ای از دوربین‌های فیلمبرداری جدید ۸ که دو نوع آن بولکس و نوع بالائی الموساند

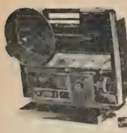

■ پروژکتور «گم»

□ یکی از بهترین وسایل تدوین فیلم ۸ کارخانه ... ..

... ۱۳۰

... ... وسیله ... ... محدود ... مربوط به وسایل ... خواهد بود که ... فیلم ... فیلم بزرگتر از هشت معمولی است ... ... صورت می‌ ... می‌توان ... ... کار ... جعبه‌های کاست و کارتریج ... ... دوربین

... دوربین‌های سوپر هشت ... هستند

... بولکس، جسان، ابومگ ... ... سی‌کو، فوجیکا ... ... یاشیکا، ... ... نایه ...

الیو

... «الیو» دوربین‌های زیر را ... گوناگون عرضه می‌کند:
S۱۰۰۰، SD۶۰۰، SL۳۰۰، R۶۱۲،
S۳۵۰، R۱۸، ۶۱۰، ۳۰۶، ۳۱۱ و ۱۱۰

ویژگیهای دوربین S ۱۰۰۰ ... دارای دو سرعت ۱۸ و ۲۴ کادر در ... ... فیدین، ... فوکوس ... ... دوربین ... ماکروزوم (علم احساس ... ... کلوزآپ ...
دوربین‌های SD ۶۰۰ و SL ۳۰۰ تنها ... حالتی ... مدل بالا دارا هستند یعنی سرعت ۱۸ کادر در ثانیه است و ... انگشت ... آنها ... شک ... که ... مدلها ... هم هستند و اکثرا برای مصارف خاص فیلمبرداری در اماکن کم‌نور و ... مورد استفاده قرار می‌گیرند و البته ... و ... جهت ... سرعت‌های متفاوت ۱۸، ۲۴ و ۵۴ کادر در ثانیه برخوردارند ... می‌توان حرکت آهسته و یا تند ... با این دوربین‌ها فیلمبرداری کرد

یکی از وسایل فیلمبرداری هشت

بولکس

گرچه ... «بولکس» ... ... دوربین‌های ۱۶ میلیمتری «بولکس» ... ... می‌اندازد، اما مدل سوپر هشت آنرا کمپانی «جسان» ژاپن عرضه می‌کند. ... این ... ... کمپانی ... در ارائه دوربین‌های سوپر هشت است

مدلهای «بولکس» عبارتند از
۳۵۰، ۴۵۰، ۴۸۰، ۵۳۵، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۸۰، ۱۳۰

از میان این دوربین، مدلهای ۱۳۰، ۵۸۰ و ۵۵۱ تکمیل‌ترین دوربین‌های موجود «بولکس» هستند که دارای اکثر ویژگیهای لازم می‌باشند. بطور مثال، هر سه این دوربین‌ها صدادار، ۱۸ کادر در ثانیه، و قابل فیلمبرداری برای ... فیلمهای ... (تک‌کادر در ثانیه) هست.

جسان

یکی از معروفترین دوربین‌های موجود ... ... فراوان می‌شود «جسان» است. مدلهای «جسان» عبارتند از: ۱۰۰، ۳۵۶، ۵۰۶، ۶۰۶، ۸۰۶، ۸۷۷، ۱۳۰۶

دوربین‌های «جسان» از نظر ظاهر و ... ... ویژه نظیر دوربین‌های «بولکس» هستند، با توجه باینکه دوربین «بولکس» را ... روی مدل «جسان» بهبه و ... می‌کند.

... ... کمپانی «جسان» ... ... است که ... ... و ... ... که مدل ... جسان ... تنها ... که ... می‌بخشد فیلمبرداری ... و ... که ... ... برای موضوع ... در نظر نگیرند باین مدل امکان‌پذیر نیست، درحالیکه با مدل ۱۳۰۶ «جسان» می‌توان «حرکت آهسته» و «تک کادر در ثانیه» و دیگر تکنیک‌های متداول را صورت داد.

ابومگ

دوربین‌های «ابومگ» از مدلهای ۸۳۰، ۸۶۰، ۸۸۰ تشکیل می‌شوند که ... نظر قدرت و خصوصیات ... ... دوربین‌های ذکر شده ... نمی‌رسند ولی ... ... فیلمبرداری، دوربین ساده و جامعی برای یک علاقمند سینمای هشت ... ... دوربین‌های «ابومگ» اینست که می‌توان از سرعت‌های مختلف آن برای حرکت آهسته و حرکت تند بهره برد. تنها اشکال، اگر بشود آنرا اشکال نامید ضعف قدرت و وسعت گنجایش عدسی آن برای صحنه‌های دور و نزدیک است

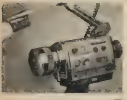

□ دوربین جسان

■ قدرت عدسی دوربین‌های سوپر هشت در این سه تصویر نشان داده شده است.

یاشیکا

دوربین‌های «یاشیکا» E وجود آنکه نظیر ... دوربین‌های سوپر هشت صدادار است، اما هنوز امتحان خود را نداده است و چون یکی از آخرین دوربین‌های ملحق شده ببازار سینمای هشت است، ... نمی‌توان گفت دارای ارزش‌های ... ... XL ۵۰ ... هشت ... و هشت گرم است که از نظر وزن سنگین‌ترین دوربین موجود هشت ... یاشیکا تنها دو مدل دارد که یکی XL ۵۰ و دیگری XL ۲۰ است

مابنولتا

کمپانی «مابنولتا» علاوه بر دوربین‌های فیلمبرداری، ... و ... ... از بهترین انواع دوربین‌های عکاسی را نیز عرضه می‌کند که آخرین مدل آن SLR ۱۱۰، ... در دنیای عکاسی است.
مابنولتا، مدلهای ۶۶۰، ۴۴۰، ۴۰۰، ۳۵۰، ۳۲۵ و D_{12} را عرضه می‌کند که مدل آخر از نظر تجهیزات و ویژگیهای

بقیه در صفحه ۳۲

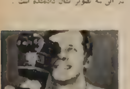

■ دوربین صدادار کداک با میکروفون در بسته‌ی دوربین

دراین مطلب جامع، پیشرفته‌ترین وسایل سینمای هشت را خواهید شناخت...

روزنامه سینما

برای شما خوانده‌ایم...

* دفتر عکسهای قدیمی ...

باور کنید که این آقانصرت‌اله وحدت است !

■ در نگاه اول مسلما اورا نخواهید شناخت . اما کسی که نمی‌شود که ! این چهره‌ی جوان با موهای فری روغن‌زده کسی جز نصرت‌اله وحدت کمدین سینمای ایران نیست . وحدت کار تئاتر را در اصفهان شروع کرد و بعد به تهران آمد . بازی در فیلمهای خوشنبه مسافرخند ... و بعد به اتفاق ... شهرت فراوان آورد . در اوایل دهه‌ی ... بازی میکرد ... فیلمهائی بوجود آورد که کمدی خانوادگی نام گرفت و حتما معرف حضورتان هست.

بهرحال، این عکس را انتخاب کردیم تا دفتر ایام را ورق زده باشیم و یادی کرده باشیم از آرزوها و عکسی از آن سالها که مطمئنا هم شما میپسندید و هم خود وحدت ..! چون در آلبوم او هم عکسی این چنین یافت نمیشود.

دو کتاب سینمائی...

* فیلم به عنوان هنر

«هنوز هستند مردم دانش‌آموخته‌ی بسیاری که ... امکان هنر بودن فیلم را ... منکر ... آنها است ، فیلم نمیتواند هنر باشد زیرا که صرفا دوباره‌سازی مکانیکی واقعیت است...»

در پشت جلد کتاب، چنین نوشته‌ای با ... آثار آمده . کتاب اثر «رودلف آرنهایم» و به ترجمه‌ی «فریدون معزی مقدم» است. البته بهمن مقصودلو همکاریهائی در انتخاب و نشر این سری کتابها داشته . قیمت ۲۴۵ ریال و ۱۸۷ صفحه است امیدواریم این مرکز انتشاراتی در قیمت کتابهائی ازین سری تجدید نظر کند.

* سیری در سینمای ژاپن

«این مرور در سینمای ژاپن چون قرار است مروری کوتاه باشد گستری ... نخواهد بود از میان چشم‌اندازهای این سینما بقصد برداشتی کلی...»

مقدمه‌ایست از پرویز دوائی — ... مترجم کتاب... سیری در سینمای ژاپن بمناسبت نمایش فیلمهای ژاپنی در ... جشن هنر بچاپ رسیده و از طرف انتشارات سروش — انتشارات رادیوتلویزیون ملی ایران — منتشر شده است.

* رودکی
تجلیل از سهراب شهید ثالث در لندن

■ ماهنامه خوب رودکی، مطلبی بچاپ رسانده است به ترجمه‌ی جمشید اکرمی برگرفته شده از کاتالوگ ماهاوت «نشنال فیلم تیاتر» تکانی ازین نوشته را می‌خوانید:

سهراب شهید ثالث یکی از درخور اعتنا ترین کارگردانهای جوانی است که در دهه‌ی هفتاد در سینمای دنیا سربرآورده است و مطمئنا شاخص‌ترین و مهمترین فیلمساز سینمای نوی ایران است... فیلمهای شهیدثالث، کلاسیکهای آینده خواهند بود

■ ستاره سینما ... صمیم قلب خوشحالیم که این فیلمساز جسته‌ی ایرانی که ستاره سینما ... سر افتخار همین چند هفته قبل درباره‌اش نوشت ... چنین مورد ... محافل سینمائی دنیا قرار گرفته است ... کارهای او بحق شایسته‌ی چنین حرمت‌گذاریهائی هم هست.

ویك نکته درباره‌ی رودکی — گویا جمشید ارجمند از سردبیری این ماهنامه‌ی خوب کناره گرفته چون اسمش مثل دفعات پیش، بعنوان سردبیر قید نشده بود وآمده بود که : زیر نظر شورای نویسندگان...

* ماهنامه‌ی بنیاد :
تلویزیون و سینمای ایران

■ این ماهنامه‌ی فرهنگی هنری در شماره‌ی ۷ خود نوشته است :

«سازمان رادیوتلویزیون ملی‌ایران برای حمایت از صنعت سینمای ایران وبخاطر پشتیبانی از فیلمسازان متفکر تصمیم گرفته است آثار خوب سینمائی را از صاحبان آنها خریداری کند . با توجه به اینکه خرید فیلمهای سینمائی بمراتب ارزانتر ازساختن سریالها و فیلمهای تلویزیونی است .. این اقدام هم بسود سازمان و هم سفارش‌دهند — گان فیلمهای خوب ایرانی است .

■ ستاره سینما — ... درجهانی از ... پیشنهاد شد ، اما ... هیچگاه ... را از حوزه‌ی حرف فراتر نگذاشته‌است. این‌بار شاید تلویزیون مصمم باشد این طرح را ... کند که به اعتقاد ما ... وحاصلی ... — برای سینما و تلویزیون ... دارد.

* جوانان رستاخیز :
رسوائی را به محاکمه‌میکشیم...

■ دو هفته‌ایست که این مجله با دو مقاله به‌محکوم کردن چهره‌های آواز پرداخته و ... کودك از زمانی که چشمش را باز میکند ، بر صفحه‌ی تلویزیون و پرده‌ی سینما چه‌کسانی را بیشتر می‌بیند و از بلندگوهای رادیو و گرام‌صدای چه کسانی رامیشنود ؟

■ ستاره سینما — ریشه‌یابیهای این مسئله فراتر از سطحی نگریستن قضاوت ... خواننده معتبر است ؟ ... رادیو تلویزیون : که به هرصدائی اجازه‌ی خودنمائی ... و ... آنکه به صلاحیت اخلاقی و اجتماعی آنها نظر کند ، بگاهی میشود تاایشان به شهرت و محبوبیت‌برسند. به نمونه، حمیرا ترانه‌ای خواند که «شب‌اومده» نام دارد، آیا اگر رادیو تلویزیون به‌این‌ترانه اجازه‌ی پخش‌نمیداد نویسنده این مجله آیا بازهم بهانه‌ای برای حمله‌کردن داشت؟ مسلما نه. پس همه‌ی تقصیرها گردن‌خودشان نیست تقیرکار اصلی را درجه‌ی دیگری بجوئید!

* کیهان :
شاهرخ میگوید — صدای خوب و شنونده خوب کمیاب است

■ شاهرخ خواننده ، در گفتگوئی در روزنامه‌ی کیهان معتقد است که‌صدای خوب و شنونده‌ی خوب کمیاب است . وکسی قدر وقیمت هنرمندان واقعی رانمیداند.

□ ستاره سینما — سئوال اینست: آیا این خواننده و هر خواننده مدعی‌دیگر واقعا کاری‌عرضه کرده تا صلاحیتش در گفتن‌چنین‌حرفی قابل اعتماد باشد؟

داناسامر در سینما

■ «داناسامر» ستاره‌ی سیاهپوست آواز ، در فیلم تازه‌ی رابرت کلین، ... نقش ... است ... بازیگر دیگر فیلم ... این فیلم ... که «پس از تاریکی» نام دارد ، ... گاهی ... کمدی ... همه ...

دنیای بی‌وفای، بی‌وفای، بی‌وفا!

* زمانی که ماریاکالاس و اوناسیس ، عاشق هم بودند !

■ حتما بخاطر دارید که زمانی اوناسیس شناخته‌ی ماریاکالاس خواننده مشهور اپرابود و حتما بخاطر دارید که در دو هفته‌ی پیش مرد . خبر آنرا در مجله خوانده‌اید. اوناسیس آن اندازه به ماریاکالاس علاقمند بود که حتی ازدواجش با ژاکلین کندی نتوانست آتش این عشق را خاموش کند و گهگاه بدیدار اومیشتافت. کالاس هم عاشقانه اوناسیس را می‌پرستید.

و زمانی هم شایع شد که بخاطر ازدواج او با ژاکلین خودکشی کرده‌است این شایعه‌ای محض بود و حقیقت نداشت.

به عکس نگاه کنید که آندو چه خندان و عاشقانه باهم برخورد دارند، وامروز هردو در جوارها خاك خفته‌اند. راستی که عجب دنیای بیوفای بیوفائی‌است!

بازهم برانسون وآیرلند

■ جان هیوستن برای اجرای دو نقش نخست فیلم تازه‌اش ، دو ستاره مشهور سینما ، چارلز برانسون و جیل آیرلند رابرگزیده است . این فیلم «عشق و گلوله‌ها ، چارلی!» نام دارد . فیلمبرداری فیلم در پائیز امسال در فرانسه ، سوئیس و آمریکا جریان خواهد یافت ... فیلمنامه را «وندل مایز» نوشته است .

پس از سالها سکوت   گفت وشنودی صریح وصادقانه با : پرویز یاحقی ...

۹۰ درصد موسیقی رایج فعلی را نمی‌توان موسیقی ایرانی به حساب آورد.

* من در آهنگسازی سبک خاصی دارم و آهنگ را دقیقا برای صدای خواننده‌ای که با او همکاری دارم میسازم

— سوال : موسیقی ایرانی تاچه اندازه [illegible] خودش را حفظ می‌کند و آیا باید گنجینه‌های موسیقی ایرانی را حفظ بات [illegible] باید نگاهداری شود ؟

— [illegible] موسیقی اصولا [illegible] کشورهای مختلف [illegible] طبیعی است [illegible] موسیقی [illegible] آهنگهای ایرانی [illegible] اجرا [illegible] که از رادیو پخش [illegible] آهنگسا [illegible] موسیقی [illegible] می‌تواند باشد و [illegible] آهنگ [illegible] — قطعه [illegible] موسیقی‌اش را [illegible] ناوابرایش [illegible] مشکلی است و [illegible] مقداری از [illegible] آهنگ [illegible] مرحوم یاحقی [illegible] دوره‌های [illegible] است که موسیقی [illegible] علاوه بر اینکه به [illegible] احتیاج دارد [illegible] زرك . موسیقی سایر ملل دارد [illegible] اینکه برای اجرای آن حالات و [illegible] و ظرائفی لازم است که همانطور [illegible] انسان باید به آن [illegible] موسیقی برسد تا بتواند اجرای خوبی ارائه دهد . یک مثالی برای شما بزنم [illegible] از یکی از کشورها [illegible] آمد و [illegible] شعرهائی [illegible] هم [illegible] است [illegible] مورد استقبال قرار گرفت و [illegible] ادبیات [illegible] آهنگی را به لاتین [illegible] GO.L [illegible] و او هم بهمین ترتیب خواند من و شما که [illegible] وقتی اجرای طوطی واری آن خواننده را می‌شنیدیم هرچند با لهجه اجرا می‌شد اما می‌فهمیدیم چه می‌گوید در [illegible] خواننده [illegible] اینکه از نظر [illegible] صحیح است [illegible] فارسی زبان اجرا می‌[illegible] میشود به آن [illegible] فارسی واقعی گفت [illegible] قیقا [illegible] که در [illegible] بداهه [illegible] شود

[illegible] آهنگساز [illegible] شاعر واجراکننده با خواننده [illegible] بیشتر [illegible]

— یاحقی دو حال ندارد . یا یك آهنگساز وشاعر روی ذوق خودشان وبدون هیچ نوع اندیشه و پیش‌بینی قبلی روی خواننده خاصی آهنگی را می‌سازند و یا شعر و آهنگ برای خواننده مورد نظر ساخته می‌شود .

با حالت اول به اینکه مخالف نباشم ولی اصولا سبك من این نیست . آهنگی ساخته می‌شود بدون اینکه برای خواننده مخصوصی باشد و شعری هم روی آن گذاشته می‌شود بار بدون درنظر داشتن خواننده خاص این آهنگ و شعر می‌ماند تا در آینده در برخوردهائی که با یك خواننده پیش می‌آید برای اجرا به او پیشنهاد شود . دراین شکل کار مسلما باید شعر و آهنگ خیلی قوی باشد و مطابق با اصولی باشد که مورد توجه مردم قرار بگیرد بدیهی است نقش خواننده چندان مهم نیست ولی من شخصا در آهنگسازی سبك خاصی دارم که با هرخواننده‌ای در طول سالیان دراز کار کرده‌ام دقیقا در لحظه‌ی ساختن آهنگ صدای خواننده را در نظر داشته‌ام وشاعر هم که اکثرا روی کارهای من شعر و همکار مرحوم آقای [illegible] که ذکری از ایشان [illegible] می‌شود شعر گذاشته‌اند یا

دوستان دیگرم آقای معینی کرمانشاهی — نواب صفا — تورج نگهبان و دیگران که متاسفانه نامشان بخاطرم نیست همگی شعر را مناسب با روحیات خواننده وظرائفی که در صدای او بوده است تا آهنگ تلفیق کرده‌اند، در اینصورت بدیهی است خواننده هم باندازه آهنگساز و شاعر در موفقیت اثر سهیم خواهد بود وهرسه سهم مساوی دارند . البته یك آهنگساز بعضی مواقع الهامی می‌شود و چیزهائی می‌نویسد ولی من همه ملودی را هم که بدون درنظر گرفتن خواننده مخصوصی میسازم و درلحظه‌ای که تصمیم گرفته می‌شود فلان خواننده بخواند، آنقدر دست کاری میکنم تا مطابق وسایل و زیر و بمهای صدای آن خواننده درآید .

— [illegible]
موسیقی ایرانی چه راهی را باید انتخاب [illegible] اقتباس [illegible] همان [illegible] که [illegible] های غربی [illegible]

— یاحقی : راه مشخصی که بتوان آنرا بعنوان یك قرار داد تلقی کرد چون مطالعه‌ای روی آن نکرده‌ام نمی‌توانم ارائه کنم . ولی تاآنجاکه می‌بینیم وشخص به شناسند چون هیچ‌نوع ضابطه ومعیاری برای موسیقی ما در حال حاضر وجود ندارد بایستی ضابطه [illegible] برای موسیقی خودمان باشیم . فرض کنید : اگر آدمی که ۲۰ — ۲۵ سال در رشته خوانندگی زحمت کشیده چون تك خواننده باشد و زندگی‌اش را در این راه گذاشته باشد . خواهد در یکی از وسایل ارتباط جمعی هنرش را [illegible] کند دقیقا همان شرایطی را دارد که یکی از گرد راه رسیده دارد . [illegible] ضابطه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود وبدون هیچ آزمایشی و بدون هیچ شخصی که این [illegible] درسنده اصلا موسیقی می‌شناسد یا نه ؟ دانش موسیقی او در چه پایه‌ای است ؟ [illegible] وسایل ارتباط جمعی مطرح می‌شود .

بقیه در صفحه ۴۱

* در حال حاضر کسی که سوابق ممتد هنری دارد با کسی که تازه از راه رسیده است یکی است.

* تا زمانیکه معیار و ضوابط مشخصی برای تمیز هنرمند از هنرمند نما وجود نداشته باشد نمی‌توان به پیشرفت موسیقی ایرانی امیدوار بود .

تریبون آزاد

* در پاسخ «خوانندگان روز از دیدگاه دانشجو»

خواننده‌ها، با نسلها عوض میشوند

سرکار خانم آرانامو، این درست است که موسیقی و سینما معرف فرهنگ مردم یک کشور هستند ولی این دلیل نمی‌شود که شما تمام خواننده‌ها را بعنوان اسفاف بگیرید. نوشته‌بودید خانم هایده در کاباره‌ها ترانه‌ی «تو بیار می باشی — وای، چه‌عالمی ...» را میخواند این درست، ولی مگر خانم هایده و مهستی و حمیرا نباید زندگی کنند؟ لابد بخاطرتان می‌آید که قبل از اینکه این خانمها به «تجارت» روی آورند، شده کمی — بیشتر اشخاص مسن — این خوانندگان را می‌شناختند. آیا قبل از اینکه اینها ترانه‌ی جاز بخوانند در کاباره‌ای می‌خواندند؟ جواب منفی است و دلیلش این بود که جواب مردم، چیز دیگری غیر از آن بود که آنها می‌خواندند.

راستش اسفاف شما به‌نظرم مضحک آمد مضحک از آنجهت که شما چطور از این خوانندگان خوشتان نمی‌آید ولی تمام اشعار ترانه‌هایشان را بلدید، حتی نام آهنگساز و ترانه سرای آن ترانه‌ها را نیز می‌دانید.

درباره لیلا فروهر و پری‌آریس و ... گفته بودید. من می‌گویم اینها خوانندگان نسل جوان هستند و بهرحال نسل عوض می‌شود و همانطور زندگی و ترانه‌ها نیز عوض می‌شود همان طور که عارف مدتهاست که از دور خارج شده است.

دیگر موارد، نارسوش و ستار بودند که به‌نظر من «سمبل» تمام خوانندگان جوان و جوانانند البته من از آنها زیاد تعریف نمی‌کنم ولی همانطور که در کشورهای دیگر، زمانی الویس‌پریسلی و زمانی تام‌جونز و اشخاص دیگر سمبل جوانان کشورهاشان بودند در مملکت ما هم چنین است (و فراموش نکنیم که مقداری از موسیقی روز ما هم از موسیقی خارجی الهام گرفته است) و این یک امر طبیعی است که کاریش هم نمی‌توان کرد.

عزت‌اله رفیع دیپلمه

آقای پورمند، ترا بخدا بس است

اگر نگاهی به وضع و حال برنامه‌های تلویزیونی داشته باشیم و خود را هم قانع بدانیم فقط ۳ ساعت برنامه نگاه کنیم، افسوسهای مجددی می‌شود ولی تنها وسیله اصلی سرگرمی مردم را در حال انحطاط می‌بینیم.

از فیلمهای سینمائی بگذریم چون از تماشای آنها بسیار قدیمی و آنکی از تلویزیون استفاده بسیار شده ولی وقتی سریالهای ایرانی را بررسی می‌کنیم، واقعاً خود را گاهگاه می‌بینیم اگر می‌تواند از سریال هم از یک خانواده نگاه کنیم.

لزوم ساختن چنین سریالی فقط برای آنستکه از افراط حیاتی استکه سوژه مسخره‌ی فیلمهای فارسی، هندی، ترکی و عربی شدید، بعدا شده‌اند. این سریال که قرار بود هرهفته یک ماجرای جدید را به تصویر بکشد وقتی به ماجراهای اشک‌آوری رسید که تماشاچی را تحت تاثیر قرار داد، به‌یکباره بداستان و محتوای فیلم چنان بیحدگی داد که صحنه‌های فوق‌العاده درامانیک بصورت مضحکی خنده‌دار درآمد و لذا نکاتی که باعث خنده زیاد میشوند:

۱— حملات سازدو: در ساریوی همه یک خانواده حملاتی تهیه شده که علاوه براینکه بی‌ربط و بیلا و بی‌معنی است با بازی قراردادی برخی از بازیگرانش مسخره‌تر می‌شود.

۲— وجود عده‌ای بازیگر ناشی واقعا بحثیه حالت بی‌سرو سامانی بخشیده. محمد خان و همسرش (که متاسفانه نام حقیقی‌شان را نمیدانم) و دیگر بازیگران فرعی از این گروه بازیگران هستند ضمن اینکه خانم شاملو در ادای جملات ادبی و لفظ قلم حرف زدن لهجه اصفهانی خود را از دست میدهد و آنوقت است که گوئی بطوری از بزرگترین شاهکارهای ادبی جهان را قرائت می‌فرمایند!

۳— فکر می‌کنم در حد حساب یک دانشمند باشد که بلیتی به مقامات امنیتی فرودگاه منع خروج شخصی را اطلاع دهد پس لزومی نیست که عده‌ای با حکمدامشان بوسیله نوچه‌ها و خبرباند بازیها خودرا بفرودگاه برسانند!

۴— از خانم الوور ملسمانه‌خواهش میکنم که اگر خدای ناکرده در فیلمی یا سریالی بعرت افتادند دیگرچشمها و بدن خود را حرکت ندهند چون ممکن است خیال تماشاچیان از دستداد این صحنه بوجد آید و از اینکه انسان در فیلم دوباره زنده شده‌اند دوزده شوند!

تورج نوروزی

پاسخگو

■ آقای حسین ریحانی — کاشان

ارجاب آدرس هنرمندان، معذوریم.

■ آقای یحیی برزانی — آمل

از ابراز لطف شما متشکریم.

۱— [illegible]

۲— [illegible]

۳— [illegible]

■ آقایان حسن و حسین ساری [illegible] — خوزستان

۱— [illegible]

۲— [illegible] کل، طوبی

۳— [illegible]

۴— [illegible]

۵— [illegible]

۶— [illegible]

۷— [illegible]

■ آقایان علی وحسن رضائیان — کرج

۱— [illegible] تونی‌کرتیس در [illegible]

۲— [illegible]

۳— [illegible]

۴— خوشحالیم که دوره‌ی جدید مجله را پسندیده‌اید

■ آقایان وارطان آوانسیان، خسرو نوح و محمد سلطانی — تهران

[illegible] هفته، از بازیگران خارجی هم عکس رنگی چاپ می‌کنیم

■ آقای علیرضا؟

۱— [illegible] فخرالدین را بزودی [illegible]

۲— امیرمحمد فخرالدین [illegible] و از ترکیه هم [illegible]

۳— برای هنرپیشه شدن [illegible] ایران همکاری از دست ما ساخته نیست چه [illegible]

■ آقای غلامعباس رحیمی — دو گنبدان

۱— دستمزد بهروز وثوقی برای فیلم داش‌آکل دویست هزار تومان بود. اما معلوم نیست برای فیلم کاروانها چقدر دستمزد گرفته است.

۲— فیلم سوته‌دلان یکی از فیلمهای ایرانی [illegible] در [illegible] جشنواره [illegible] است

۳— فیلم ملکوت قرار است بزودی [illegible] سینما بیاکرا نمایش داده شود.

۴— بازی بهروز وثوقی در آن فیلم [illegible] شده است.

۵— سلام شما را به‌بهروز وثوقی رساندیم.

■ آقای امیرحسین اروانی — همدان

۱— [illegible] فیلمهای [illegible] و [illegible] در ایران نمایش [illegible]

۲— برای شماره مخصوص ورزش ۲۵۳ و ۲۵۳۵ مبلغ صد ریال تمبر باطل نشده بفرستید و آدرس دقیق خودتان را هم بنویسید

۳— فروش فیلمهای خارجی را در اختیار ما نمی‌گذارند.

۴— از هنرمندان مورد نظر شما هم مطلب چاپ خواهیم کرد.

۵— کارگردان فیلمهائی که خواسته‌اید دوازده مرد خبیث (رابرت آلدریچ) — ضرب مرگ (ندهست) — آسمانخراش جهنمی (جان گیلرمن) —

* فعالیتهای فیلمسازان آماتور...

بینوایان درمه محو می‌شوند!

■ «بینوایان در مه محو می‌شوند» نام فیلمی است که برای نمایش از تلویزیون گیلان ساخته می‌شود. مراحل فیلمبرداری این فیلم بسرپرستی حسین واسمی (آهنگساز فیلمهای ایرانی) در حال انجام می‌باشد. نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان فیلم «هوشنگ درویش‌پور» و فیلمبردار آن «محمد محبوبی» است.

این فیلم حکایت زندگی ماهیگیری است که پس از پایان فصل صیدماهی، برای امرار معاش بدنبال کار می‌گردند و ماجرا بفاجعه‌ای ختم می‌شود. بازیگران فیلم، هوشنگ درویش‌پور، زهره سماکی، علیرضا رخشنده، نوبخت، ولی‌نژاد، نظری، خانمی و احمدزاده هستند. مدیر تدارکات، محمد علی احمدزاده است.

نیپید (فرانکلین شفنر) و گشتا... (فیلمهای کوستاگاوراس).

■ **آقای منوچهر نوری خانعلی زاده ـ آبادان**

۱ـ کارگردان فیلم «... » ... صحنه‌های خارجی‌اش را نوشته‌اید ... است و کارگردانی ... «ریچارد ...»

۲ـ اولین فیلم کوبریک ... و ... «کلاس...»

■ **آقا یا خانم؟**

۱ـ از «جولیا ...» هم عکس و ... خواهیم داشت او قرار بود با ... همکاری شود.

۲ـ همکاری ... و ... سوفیالورن، لی‌میجرز ... و دیگران ... نامه‌ای بود که ... نپیوست. تنها قرار ... ونوقی در فیلم گدرگاه کاساندرا شرکت کند که آنهم منتفی شد.

۳ـ تاریخ دقیق نمایش ... هنوز مشخص نیست.

۴ـ فیلم جدید اسنپوملک کوئین «دشمن مردم» نام دارد. فیلم جدید ژان ـ پل‌بلموندو نامش «حیوان» است و فرانکو نرو هم در فیلم تازه‌ای شرکت نکرده است.

■ **خانم مهین داوری**

با تشکر از این‌که مجله را دوست دارید و نویسندگان مجله را بلطف خود نواخته‌اید ما هم باعقیده‌ی شما در مورد آن خواسته‌ی عرصه موافقیم و از این عرصه‌نوازی باتجا ممنونیم. ... می‌بینید که این وضع وجود ندارد ولی مطمئن باشید که ما بعروس خودمان، همچنانکه نوشته‌اید ادامه خواهیم داد.

■ **آقای هژیر باکران**

با تشکر از این‌که چنین موشکافانه مطالب مجله را بررسی کرده‌اید با معذرت از اشتباهات موافقیم که می‌کوشیم نقایص را برطرف و نظرهایتان را رعایت کنیم

■ **آقای غلامعلی حسن‌زاده**

۱ـ چه لزومی دارد که سینمای ایران مثل سینمای ژاپن، فیلم کاراته بسازد؟

۲ـ برفرض که سناریوی شما را قبول داشته باشیم، نمی‌توانیم کاری ... آن بکنیم.

۳ـ ارسال جواب خصوصی برایمان ... نیست.

■ **آقای منصور نوشری**

فرانک میرقهاری فعلا فعالیت سینمائی ندارد.

■ **خانم معصومه علیزاده**

دو نامه‌ی دیگر ازشما رسیده است، پاسخی جز آنچه قبلا گفته‌ایم نداریم.

■ **آقای هوشنگ عرملوکی**

حمیرا ... دارد.

■ **آقای علی رمضانیان ـ کرج**

گفتگو بافیلمسازان قدیمی را ادامه خواهیم داد.

ازمیان نوشته‌های شما...

کوتاه درباره‌ی دو بزرگ سینما

۱ ـ الیزابت تایلور

■ الیزابت تایلور در بیست و هفتم فوریه سال ۱۹۳۲ در لندن متولد شد. پس از تحصیلات خود به اصرار والدینش به آموختن باله پرداخت.

پدر الیزابت تایلور نقاش چیره دست و مادرش نیز یکی از هنرپیشگان تئاتر و سینمای انگلستان بود. روی این اصل الیزابت که تنها فرزند این خانواده محسوب میشد تحت نظر مادرش به فراگیری هنرپیشگی پرداخت.

چندی نگذشت که با والدینش به امریکا رفت. در سال ۱۹۴۴ که کمپانی «مترو گلدوین مایر» در جستجوی ستاره‌ای برای فیلم «لسی بخانه برمی‌گردد» بود. کارگردان فیلم بعدها بعد «الیزابت» را در نیروی هوایی ملاقات کرد و جستجوی سه‌ساله‌ای ... جریان را با وی درمیان گذاشت و اوهم چهره جوانش را ... معرفی کرد.

الیزابت تایلور با اجرای این نقش بسرعت ترقی کرد فیلمهای «مخمل ملی» ـ «مکانی در آفتاب» ـ «آیوانهو» او را ستاره‌ای هنرمند معرفی کرد

فیلمهای بعدی «الیزابت تایلور» عبارتند از: گربه روی شیروانی داغ ـ ناگهان تابستان گذشته ـ باترفیلد هشت (برنده اسکار بهترین آکتریس سال ۱۹۶۰) مرغ دریایی ـ کلئوپاترا ـ چه‌کسی از ویرجینیاوولف میترسد ـ ... ـ چهارشنبه خاکستری و ..

۲ ـ مارلون براندو

■ مارلون براندو در سوم آوریل ۱۹۲۴ در «اوماها» واقع در ایالت «نبراسکا» متولد شد. فعالیتش را درسینما با فیلم «مردان» در سال ۱۹۵۰ آغاز کرد. درسال ۱۹۵۱ بخاطر بازی در فیلم «زنده باد زاپاتا» کاندید دریافت جایزه اسکار شد ولی این جایزه را در سال ۱۹۵۴ بخاطر بازی در فیلم «دربارانداز» دریافت کرد و از گرفتن اسکاری که بخاطر فیلم پدرخوانده نصیب او شد، خودداری کرد. برخی از فیلمهایی که «مارلون براندو» در آنها بازی کرده عبارتند از:

اتوبوسی بنام هوس (۱۹۵۱) ـ تولوس سزار (۱۹۵۱) ـ وحشی (۱۹۵۴) ـ جزیره (۱۹۵۶) ـ جوانان و شیرسکان (۱۹۵۸) ـ قهوه‌خانه ماه اوت (۱۹۵۶) ـ سایونارا (۱۹۵۷) ـ شیرهای جوان (۱۹۵۸) ـ نسل فراری (۱۹۵۹) ـ سربازهای یک چشم (۱۹۶۰) ـ شورش در بونتی (۱۹۶۲) ـ امریکایی زشت (۱۹۶۳) ـ مورتیتوری (۱۹۶۴) ـ سلطان کوهستان (۱۹۶۵) ـ آپالوزا (۱۹۶۶) ـ انعکاس در چشمان طلایی (۱۹۶۷) ـ ولگرد نیمه‌شب (۱۹۶۹) پدرخوانده (۱۹۷۲) ـ آخرین تانگو در پاریس (۱۹۷۲) ـ مسوری از هم می‌پاشد (۱۹۷۶) و سوپرمن (۱۹۷۷)

گنبد قابوس ـ محمدسلیم جوشن

پستچی سینما را خلوت کرد؟

■ زنجان ـ ستاره سینما ... مولن‌روژ ستاره آبی و ... که سینما ... با وضع ماشینی، تنها سینمائیست که مورد توجه خانواده‌های این شهر است. زیرا هم ازنظر امکانات (با وجود قدمت کم بلیط آن) بهتر از دو سینمای دیگر است وهم فیلمهای خوبی نمایش میدهد. گرچه این سینما فیلمهای تجارتی هم نمایش میدهد تا بتواند بکارش ادامه دهد اما چون مدیر سینما مرد هنر دوستی است، مایل است که فیلمهای خوب ایرانی و خارجی را هم برای علاقمندان نمایش دهد. در همین سینما وقتی فیلم «همراهان» را نمایش میداد جای سوزن انداختن نبود اما برعکس توجه کنید که وقتی فیلم «پستچی» را نمایش میدهد چقدر جلوی سینما خلوت است. با این حال، مدیر سینما راضی است و می‌گوید که بهرحال در این شهر عده‌ای هستند که میخواهند این فیلمها را ببینند. هرچند که وقتی این سینما از این نوع فیلمها نمایش میدهد، بعضی از مشتریها، صندلیها را پاره می‌کنند اما این سینما از میدان بدر نمی‌رود. نمیدانم اگر این‌سینما نبود، ما علاقمندان سینما در این شهر چه می‌کردیم؟

زنجان ـ عباس خدائی

ترجمه: م. پاریزی

۳ـ اسپات لایت (Spot Lidt)

اسپات‌لایت توسط بسیاری از آماتورها بعنوان یك وسیله لوکس و بدرد نخور شناخته شده است. اما وجود این وسیله ـ در حقیقت، برای ایجاد بعضی از انواع افه‌های نوری کاملا ضروری است، که در آینده به‌آن اشاره خواهیم کرد.

معمولا یك «اسپات‌لایت» شامل یك لامپ ساده بایك رفلکتور در پشت و یك عدسی در جلوی آن است. این سیستم شما را قادرمی‌سازد که برای نور دادن به‌نقطه‌ای که دقیقا مورد نظرتان است، مستقیما نور بدهید و با تنظیم فاصله بین لامپ وعدسی می‌توانید اشعه را چنان تغییر دهید که سطح بیشتر یا کمتری را بپوشاند.

بعلت اینکه نور «اسپات‌لایت» بصورت شعاع تابیده میشود، شدت آن از «فتوفلاد» کمتر افت دارد و درنتیجه برای فیلمبرداری از فاصله‌های دورتربکار میرود. علاوه براین برای تولید سایه‌های محدود بکارگرفته میشود، در حالیکه ایجاد سایه با «فتوفلاد» و «مووی‌لایت» نامشخص است و همیشه پخش میشود.

بعلت کنترل بیشتری که روی اسپات‌لایت می‌توان داشت آنرا در نورپردازی پشت مورد استفاده قرار میدهند. درحالیکه با «فلاد» نور مستقیما بطرف دوربین می‌تابد و همیشه این خطر وجوددارد که کمی‌نور بداخل عدسی تابیده و باعث «نوردیدگی» فیلم بشود. و مزیت آخر اینکه: برای ایجاد افه‌های نوری مخصوص‌می‌توانید فیلترهای رنگی در جلوی عدسی «اسپات‌لایت» قرار بدهید.

«اسپات‌لایت»ها اندازه‌های گوناگونی دارند. از لامپ‌های ۱۰۰ واتی تا ۲۰۰۰۰ واتی‌وجود دارد. کوچکترین آنها مخصوص برای فیلمبرداری در محیط‌های کوچك و بزرگترین آنها در استودیوهای‌بزرگ فیلمبرداری مورد استفاده قرار میگیرند. برای استفاده از صحنه‌های معمولی داخلی اندازه‌های ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ واتی کافی است.

مهم نیست که «فتوفلاد» «مووی‌لایت» یا «اسپات لایت» یا نوع دیگری از وسایل نورپردازی را بکار ببرید بلکه مهم این است که وسیله یا منبع نوری خود را حتما بایستی روی ۳پایه‌نصب کرد. و از آن استفاده کنید. پایه‌های گوناگونی در انواع مختلف وجود دارد که می‌توانید بکار گیرید اما باید کاملا مطمئن شوید که نوع محکم آنرا انتخاب کرده‌اید و تاارتفاع لااقل ۸ پا می‌تواند طولش زیادشود و وقتی روی آن کار می‌کنید نشکند. مضافا اینکه می‌توانید گیره‌هائی برای وصل کردن لامپ به‌پایه صندلی یا مبل یا آویزان کردن آنها از سقف تهیه کنید. وسایل دیگری هم هست که‌بعداخواهیم گفت. حالا اجازه بدهید ۳ روش اصلی نورپردازی داخلی را بررسی کنیم.

الف ـ نورپردازی از روی دوربین:

اولین ضرورت این است که نور کافی بروی موضوع مورد فیلمبرداری را ارزیابی کنیم تا یك کمپوز قابل قبول داشته باشیم وقتی نور چندمی مورد لزوم نباشد ساده‌ترین روش ... است که یك لامپ روی دوربین ... محل مخصوص نور کنیم . مزایای آن واضح‌است . یعنی هرجا که وضعیت دوربین را تغییر میدهید منبع نور شما هم با آن حرکت می‌کند . به تنظیم مجدد نور که مدتی وقت شما را میگیرد نیازی نیست به کمك احتیاج ... تالامپها را برای شما بچرخاند بنابر این می‌توانید به سرعت کار کنید و خطای کمتری مرتکب شوید . در مقابل این مزیت ها که گفتیم عیوبی هم دارد منجمله نورپردازی مستقیم از روبرو ـ صورت ... مسطح ـ ناگیرا ـ و به ظاهری غیر واقعی روی پرده نشان میدهد

مانند عکسی که با فلاش روی دوربین ـ گرفته شده باشد . در این طریقه سطوح شفاف مثل عینك هنرپیشه‌ها ویا رنگهای روشن باعث منعکس شدن نور تابش مستقیم آن به داخل عدسی‌دوربین میگردد.

بعلت اینکه شدت تابش نور به فاصله منبع نور تا موضوع بستگی دارد بنابر این اگر ... هواپیمائی بخواهیم از مسافرین فیلمبرداری کنیم، اشخاصی که به دوربین نزدیك هستند (بعلت اینکه لاجرم به منبع نوری ـ که روی دوربین سوار است نزدیکتر هستند) او وراکسپوز و آنها که عقب نشسته‌اند اندر اکسپوز خواهند بود .

در حقیقت نورپردازی درحالتی که منبع‌نورروی دوربین‌باشد میتواند فقط‌بعنوان یك‌راه حل موقتی برای فیلمبرداری از حوادث واقعی مورد استفاده قرار گیرد مثل مراسم عروسی و مهمانی‌هایا هر واقعه‌ی دیگری کهشما روی آن‌ها کنترلی ـ ندارید و مجبورید با عجله کار کنید

بهر حال سازندگان وسایل سینمائی استفاده لامپ برروی دوربین را برای اماتورها خیلی آسان کرده‌اند . در سیستم سوپر ۸ تجدیدنظر بعمل آمده و فیلتر تبدیل نور در داخل دوربین بهنگام نصب لامپ برروی‌دوربین‌بطور خودکار از جلوی لنز کنار میرود

ب ـ نورپردازی سنتی:

برای روشن کردن صحنه‌ها چهار نوع منبع نوری بکار میروند و هر منبع نور برای منظور خاصی مورد استفاده قرار میگیرد. اول منبع اصلی است «کی‌لایت» که به صحنه عمق و حالت میدهد.

لامپ مورد استفاده طبیعتا باید بمقیاس صحنه بستگی داشته باشد ـ مثلا اگر یك « مدیوم کلوز آپ » بخواهیم بگیریم منبع‌اصلی می‌تواند یك «اسپات لایت» یا یك « رفلکتور فتوفلاد» باشد که معمولا آنرا در طرف راست یا چپ و بالای دوربین قرار میدهیم . دوم : نور پرکننده است که برای ضعیف کردن سایه‌هائی که توسط نور اصلی بوجود آمده‌اند بکار میرود . بخاطر داشته باشید که مقدار نوری که می‌تواند برای فیلمبرداری قابل قبول باشد بیشتر از نوری است که برای چشم قابل قبول است . در این مورد دوم «فتوفلاد » بکار میرود که در جهت مقابل دوربین و منبع نور اصلی کار گذاشته‌میشود «این «فتوفلاد» را می‌توان نزدیکتر یا دورتر به موضوع ـ طوری کار گذاشت تا کنتراست را کاهش یا افزایش دهد

سوم نور زمینه‌ی پشت است که برای روشن کردن زمینه‌ی عقب‌بکار میرود . منظور از بکار بردن این نور در واقع آن است که سایه‌های ناخواسته و بی‌فایده پشت را از بین ببریم .

در این حالت نیز «فتوفلاد » بکار میبریم و محل آن در جائی است که روبروی دیوار پشت و در عقب منطقه‌ای که بازی‌انجام‌میشود باشد . البته باید موظب بود که از ایجاد نقطه نورانی روی دیوار پشت پرهیز شود وگرنه همه‌ی نظرها از عملی که در زمینه‌ی جلو انجام می ـ شود به آن نقطه نورانی معطوف میگردد . چهارم: نور عقب است که مستقیما ز عقب به روی هنر ـ پیشه‌ها که در صحنه هستند می‌تابد یا بعبارت دیگر بطرف دوربین می‌تابد . این‌نوراثری‌در نورپردازی ندارد و منظور از کار برد آن ، این است که یك روشنائی ضعیفی در اطراف هرپیشه بوجود آورد و آنها را زمینه‌ی عقب مشخص کند .

در «هالیوود » این نـوربنام « لایـر » معروف است . برای دادن افه‌ی صحیح نور پشت ، یك نوع نور مستقیم باشد یا بعبارت دیگر یك «اسپات لایت » باشد ، و محل نصب آن در عقب و بالای صحنه است یعنی نمی‌تواند بطرف عدسی دوربین بتابد . انجام این عمل در یك استودیوی فیلمبرداری خیلی آسان است زیرا در آنجا فضای کافی وجود دارد اما در یك فضای داخلی‌معمولی که سقف مزاحم شماست چندان آسان نیست . واز طرفی همیشه ممکن نیست که‌وسایلی پیدا کنید که پایه‌های لامپ را در پشت آن پنهان کنید تا از دید دوربین مخفی بماند .

در حقیقت من شرح نور پردازی سنتی در استودیو را خیلی خلاصه بیان کردم زیرا ... آنکه دانستن آنها برای شما مهم است اما برای عده‌ای از آماتورها انجام این اعمال تقریبا غیر ممکن است ... میخواهید نتیجه روش بدست آورید تنها راه این است که فضای داخلی تان‌را تجزیه کنید . یعنی وقتی‌میخواهید فضای‌بزرگتری ... صحنه خود را به شانهای مختلفی از ... ـ و مدیوم ها تقسیم بندی کنید . ... خواهید دید که ویژگی‌هائی وجود دارد که می‌توانید از عهده آن ها بر آئید . شاید همینطور کلی روش دیگری را جستجو کنید .

پ ـ نورپردازی جدید:

همیشه باید «قوانین» را بخاطر داشته باشید. یا شاید بهتر است بگوئیم «توافق‌ها » را فراموش نکنید نور پردازی سنتی در استودیو زمانی پایه گذاری شده بود که بیشتر فیلمها بصورت سیاه و سفید تهیه میشدند .

در آن زمان وسایل نور پردازی محدود بود و نمی‌توانستند هنرپیشه‌ها را از زمینه‌ی عقب مجزا کنند اما حالا فیلم رنگی تقریبا جهانی شده است ـ لااقل برای آماتورها ـ تمام وضعیتها تغیر کرده است . رنگ به خودی خود شکل و حدود اشیاء را توصیف می‌کند و مجزا کردن زمینه‌ی عقب و جلو را فراهم می‌کند. جز در موارد استثنائی که مثلا ممکن است رنگ لباس هنرپیشه بارنگ کاغذ دیواری یکی باشد ولی در اینصورت هم باز مشخص می‌شود. واقعا ما می‌توانیم بیشتر از نورپردازی جدید که «کنتراست» بین نور تند و سایه‌ها را کاهش میدهد

بقیه در صفحه ۳۵

*گزارش - ۲

سینماهای مشهد و تماشاگرانش ...

[illegible] اکبری» [illegible] سینما [illegible] فیلمهای [illegible] دارد می‌گوید که فیلمهای هندی را دوست [illegible] وقتی از او می‌پرسم که بهنظرت [illegible] هنرمند کیست می‌گوید

مثلا [illegible] فرستادن [illegible] یک هنرمند هم یک موجود معمولی [illegible] های کیمیایی را به‌خاطر ساختن [illegible] و طوقی (خودش این طور می‌گفت) دوست دارد [illegible] فیلمها [illegible] کلمه به‌کلمه بازگو می‌کند او [illegible] سینما و تماشا [illegible] می‌گوید

تماشاچیهای ما بیشتر دانشجو [illegible] و فیلمهای کمدی و سرقت بانک [illegible] خوبی دارد. فیلمهای [illegible] که [illegible] می‌شود [illegible] است چون تماشاچیها [illegible] را نمی‌کند. [illegible] تماشاچیهای [illegible] سینما می‌آیند و [illegible] فیلمهای کمدی هم، [illegible] سینما را بهم می‌زنند. فقط تو سانس آخر [illegible] مورد استقبال خانواده‌ها قرار می‌گیرد و هروقت فیلم فارسی نمایش می‌دهیم [illegible] مشتریان [illegible] و [illegible] هستند [illegible]

[illegible]

قبول دارم که وضع دکور و صندلیهای این سینما خراب است ولی وجدانا بگویید که ما چقدر می‌توانیم هزینه‌ی صندلیهای پاره وشکسته، و آلبالوها [illegible] اصلا مشتریهای [illegible] با مشتریهای کوچه [illegible] هم قابل‌مقایسه [illegible] کسی [illegible] نگوید که شما با آقا به‌چکار دارید! از طرفی، سینما یک مکان عمومی است و ما نمی‌توانیم ازورود کسی جلوگیری کنیم. مشتریهای ما، همه طبقه‌ی پائین شهری هستند.»

در گفتگوئی طولانی با «هراند ماناگاساریان» صاحب و مدیر پنج‌سینمای شهرفرنگ، فردوسی، ایران، هما و مولن‌روژ، و «ابراهیم شیخ‌زاده» صاحب ومدیر سینما سعدی، درباره‌ی سینماداری و دلایل بی‌توجهی مردم مشهد به‌فیلمهای خوب، صحبت کردیم. ماناگاساریان می‌گوید

«بعنوان کسی که ۳۰ سال در این شهر سینمادار هستم، باید بگویم که فیلمهای هندی و «فردین» مورد علاقه‌ی تماشاگران مشهدی است. فیلمهای خوبی هم که گاه وبیگاه نمایش داده می‌شود، به‌این دلیل است که وارد کننده و پخش‌کننده‌ی فیلم، در قبال فیلمهای بد (که پرفروش هستند). فیلمهای خوب را هم (که فروش کمی دارند) در اختیار ما می‌گذارند.

ماناگاساریان [illegible] حرفهای همکارش می‌گوید

«ضوابط فرهنگ و هنر، برای‌ساختن سینما، نارسا است. مثلا من که سینما شهرفرنگ را با صرف هزینه‌ی اثاث و تمام وسایل در مشهد ساختم، اکنون بلیط را به قیمت ۴۰ ریال می‌فروشم ولی سینمائی با همین وضع در تهران، با هزینه‌ی کمتر، بلیط را به‌قیمت ۶۰ ریال می‌فروشد.

او سپس برفتارش [illegible] از سینما [illegible] روهای مشهد چنین عنوان می‌کند

«فقط صندلیها را پاره نکنند (هر سینما، ماهانه ۳۰۰ صندلی را بخاطر همین دلیل عوض می‌کند) ، نظافت و ادب را رعایت کنند و به‌موقع وارد سالن شوند اما نمی‌توانیم جلوی دهان مردم و باکتهای پسر بچه‌هاشان را بگیریم. درکل باید بگویم که رفتار سینماروهای مشهد، زیبنده‌ی چنین شهری نیست.»

تمام

*گفتگو باکشاورز - ۲

کشاورز درباره‌ی سینما و تئاتر حرف میزند ...

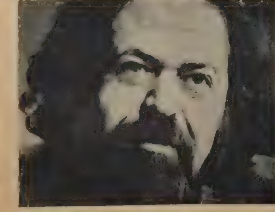

م — ح [illegible] مسائل گیرمانده [illegible] اجرای نمایش برای‌رفع مشکلات [illegible] و نورماندن جماعت جنسی یک اجتماع نمی [illegible] بیشتر از [illegible] وقتی ومعنی اینکه [illegible] ما [illegible] بوجود آورده‌اند. اگر قرار باشد تماشاگرواقعی برای یک نمایش [illegible] می‌روند این [illegible] مردم، یعنی توجهی اکثر [illegible] آنها به سینما می‌روند ولی [illegible] انگار [illegible] برای کشاندن این تماشاگران واقعی (که از آنها توقع فکر کردن داریم) به [illegible] حس نمی‌کند. موافقید؟

[illegible]

[illegible] تئاتر [illegible]

[illegible]

[illegible] بارگزار [illegible]

این [illegible] وقت [illegible]

[illegible] فرهنگی [illegible] کرد.

م — ح در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری، عوامل مسئول اداری توجه‌های هنگفتی صرف ساخته شدن فیلمهایی با هزینه‌ی گزاف نموده‌اند (از جمله «صحرای تاتارهای» «زورلینی» که متاسفانه نمایش هم درسینمای این دیار میسر واقع نشد ، وعلت آن نیز اشتباهاتی بوده که از نظر برنامه‌ریزی مرتکب گردیده‌اند ، در حالی که تالاب هرینه ، امکان انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های ثمر‌بخش‌تری در زمینه‌ی بالابردن سطح فرهنگ بوده وجود داشت.

[illegible] هزینه‌ها را صرف ساختن [illegible] تهران و شهرستانها [illegible] را نصیب خوب و [illegible] سالن سینما چون [illegible] سینما [illegible]

سینما [illegible]

[illegible]

م — ح [illegible] موضوع بحث را با طرح یک سئوال عوض کنیم . شما تجربیات زیادی در زمینه‌ی بازیگری تئاتر و سینماداری ، می‌خواستم بپرسم در برگرداندن یک نقش از صحنه به‌روی پرده چه کوششهایی می‌کنی ؟ چون یکی از بازیگران مشهور سینمای ما ادعا کرده اسکه بازیگران تئاتر قادر نیستند کار سینمایی انجام نمی‌دهند.

[illegible]

[illegible] واسطه‌ی [illegible] معرفی می‌شو[illegible]

من دورها در پشت صحنه‌ی یک‌فیلم سینمایی شاهد بودم که فلان آقای بازیگر [illegible] محتوای فیلمنامه [illegible] بازیگر دیگر [illegible] و می‌گوید بازیگر [illegible] این است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

(بقیه) استر ایسند

(بقیه) پشت صحنه

...کرار مسود با طور دلخواه محسم ...

-- بیرون فروشگاه مامورین گشت که از قبل آماده شده‌اند تا سروصدای مسحسس فروشگاه به‌تعقیب عقیلی می‌دوند و او را نزدیک کوچه بن‌بست ندام می‌اندازند ... برداری کوچه و هشربادی می‌گیرد. درحالیکه ... است معهدا اتومبیلهائی که در رفت وآمد هستند وقفه میکنند تا برای‌مردم صحنه‌های فیلمبرداری جالب و دیدنی است . مرتضی عقیلی در صحنه‌ای دیگر درحالیکه سر خورده است و سروصورتش خونین است بار قرارمیکند و بیرون به نژاد ناو ملحق میشود. امکانات صحنه واقعا که است. گروههای فیلمبرداری همه که وکاستیهائی دارند . کارگردان فیلم میگوید یکی از مسائلی که همه ... وپای سازندگان فیلم را می‌بندد نبودن امکانات کافی و همکاری مسئولان مختلف است. فی‌المثل وقتی قرار است در راه‌آهن فیلم گرفته شود، با توجه باینکه فرصت و هر نامه داده‌است معهدا نوشته باید دنبال اجاره گرفتن ازاین اطاق به‌آن اطاق بروید و دست آخر با گذاشتن وقت کار فیلمبرداری را در شرایطی ناهماهنگ شروع کرد. ■ صادر توضیح ... باهمین امکانات کم و مشکلات و مسائل دست وپا گیر باید فیلم خوب ساخت و باید مقاومت کرد تا تماشاگر با فیلمهای خوب انس و الفت بگیرد

کارگردان در تفاهم گروه تا حدی موثر بوده است

... تفاهم قبلا ... آمده بود.

■ آیا می‌توانید این مسئله را که «مهرجونی» خیلی راحت یك گروه را از تئاتر به‌سینما آورده‌بود مطرح و درموردش توضیح بدهید؟

والی: این مسئله ... «مهرجونی» با گروهی ...

... «آقا» حسد و بعد «درماندی» راجع ...

... مثلا‌آقای ... نقش‌ ... داشتند . یا آقای «انتظامی» ... حتی باهمان نحوه‌ی گفتار ایفای نقش می‌کردیم و بهمین علت بود که آن‌وابستگی ...

■ البته من فکر می‌کنم شما هم موافق باشید که حتی برگرداندن تئاتر به سینما حرفه‌ای لازم دارد و«مهرجونی» از پس اینکار بخوبی برآمده بود

... «مهرجونی» ...

■ شما به کدامیك از این نقشها نزدیکتر بودید ؟

والی : اینها نقشهایی‌بودند که بهر حال دوست داشتم و بازی کردم و نقش‌خصوصیت‌خاصی دارد که برای بازیگر

بقیه در صفحه مقابل

(بقیه) والی

هرکار ... می‌پسندم البته رفاقت در کار با رفیق شعر یا یك هنرمند ... چیز ... عملا ... جوی ... اختلاف پیدا ... اما در هرحال ... کار ... فراموش نکند

■ حاصل فیلم «گاو» سال ... ارتباط گروهی مسئله‌ای بود که درتیم وجود داشت آیا این تصور شما نبوده که

برنامه امشب فقط در:

سینما دیاموند

مشهورترین هنرمندان سینمای امریکا در اثری که مورد پسند همگان قرار خواهد گرفت

جن‌هاکمن- لیزامینه‌لی- برت‌رینولدز

رنگی- محصول فوکس قرن بیستم

گیشه سینما دیاموند همه‌روزه برای رزرو بلیت آماده است

شروع سئانسها ۱۱/۱۵ صبح- ۲/۳۰-۵-۷/۳۰-۱۰ بعدازظهر

پدیده‌ها

...تکنیکی ... صامت است ولی صدادار نیست و ... فیلم صامت کار می‌کند. دوربین‌های ... متفاوت دیگری ... هستند که ... محافظه‌کار ... دوربین‌ها فاقد این ... هستند.

کداك

... «کداك» بطور ... «بولارويد» دوربین کمپانی آمریکایی است که هر از چند گاه با دوربین و یا وسیله تکنیکی جدیدی ... عکس‌برداری به میدان رقابت می‌کشاند. ... هم‌ترین این دو کمپانی ... است و ... «کداك» و «بولارويد» است و در نتیجه بازار گسترده ... را تامین می‌کند. لذا کمپانی ... موقعیت هم‌چگاه نخواسته ... دوربین‌های فیلمبرداری‌اش دارای ویژگی‌های پیچیده‌ای باشد. تنها دوربینی که «کداك» برای فیلمبرداری (علاوه بر ... ۳۶۰ که صامت است) معرفی می‌کند ... مدل ۳۴۰ است که از نظر ... با کلیه دوربین‌های سوپرهشت متفاوت است. این تنها دوربینی است که میکروفن توسط ... آن در بدنه دوربین ... در حالیکه اکثر دوربین‌های ... میکروفن جداگانه و مجزایی دارند. از آنجا که محصولات «کداك» برای خدمت به‌عامه تهیه می‌شوند، این دوربین نیز می‌تواند ایده‌آل افراد یک خانواده ... به‌تصویربرداری ... .

سن کیو

یکی دیگر از دوربین‌های سینمائی معروف و قابل استفاده «سن‌کیو» است. مدلهای این دوربین شامل ۶۰، ۴۰ و ۳۵ ...

ویژگیها: هر سه ناطق، ۱۸ کادر ... و قابل استفاده برای ضبط مسافت ... (تله فتو)

تنها هر دوربین «سن‌کیو» با ... وسیله کوچک برای تهیه ... واقعه‌های ... فیلمبرداری از درون ... کلید، و عکسی یک دوربین دیگر همراه است که البته می‌توان آنها را برای دوربین‌های دیگر بطور جداگانه خریداری کرد.

فیوجیکا

دوربین‌های «فیوجیکا» بدون اغراق ... پیچیده‌ترین دوربین‌های موجود هستند، ... صفات مخصوصی که برای این دوربین‌ها در نظر گرفته‌اند. گرچه هنوز در بازار آنطور که باید معروفیت ندارند. اما از بی‌نظیرترین دوربین‌های موجود هشت بشمار میروند. برای مثال، مدل AX۱۰۰ سیکربی دوربین هشت قابل ... با قدرت حیرت‌انگیزی برای فیلمبرداری در محیط تاریک (حد اقل نور لازم برای استفاده از این دوربین برابر با قدرت شعله‌ی یک شمع در تاریکی است) معجزه‌ای در سینمای هشت است. تنها کارتریج‌های فیلم «فیوجیکا» سختی برای دوربین‌های ... ساخته شده که می‌توان فیلم گرفته شده را به ابتدا باز گرداند و دوباره آنرا ... منظور «سوپر امپیوز» (عکس‌ها روی هم) مورد استفاده قرار داد، عملی که با هیچ‌یک از کاستها و یا کارتریج‌های رایج نمی‌توان صورت داد.

دوربین‌های «فیوجیکا» شامل دوازده مدل مختلف است که مدل ۸۰۰٪ برای مثال، بهترین دوربین موجود برای عکس‌ ... با لنزها (ماکس) معرفی شده. دیگر مدلهای این دوربین اکثرا بخاطر همان نقش بازگرداندن فیلم به نقطه شروع قابل توجه هستند که هیچ دوربین موجود دیگری چنین مزیتی را ندارد.

گف

مشخصه دوربین «گف» بطور ... «کداك» سادگی فراوان آنست. آنچه در مورد دوربین‌های «کداك» در بالا آمد در مورد دوربین‌های «گف» نیز صدق ... دارد.

کنن

دوربین‌های «کنن» بخاطر ویژگیهای متعددی که دارند از زمره قابل استفاده‌ترین دوربین‌های موجود هشت بشمار می‌روند با دوربین‌های «کنن» می‌توان هرگونه تکنیکی را انجام داد دارای سه سرعت ۱۸، ۲۴ و ۴۰ کادر در ثانیه هستند، می‌توان حرکت آهسته و حرکت سریع را با آنها فیلمبرداری کرد، قدرت عدسی زوم آنها بحدیست که می‌توان از ... تا بی‌نهایت را ضبط کرد، می‌توان یک کادر در ثانیه را با آنها گرفت، حتی می‌توان از ده ثانیه ضبط خودکار آنها برای فیلمبرداری از خود استفاده کرد و در فیلم خود ظاهر شد!

کنن، چهار مدل دارد: ۸۱۴، ۵۱۴، ۱۳ و ۳۱۰ که همگی صامت هستند.

بوئر

دوربین‌های «بوئر» بخاطر ساخت پیچیده‌ای که دارند جزو مشکل‌ترین دوربین‌های موجود هشت شمار می‌روند. بوئر، دو مدل صامت (۱۰۸ و ۵۰) و دو مدل ناطق (۱۰۵ و ۱۰۳) ... مدلهای صامت دارای دو سرعت ۱۸ و ۳۶ کادر در ثانیه هستند. ... است (می‌توان تصویر را منتهبا از دریچه دوربین دید). روی‌همرفته «بوئر» یکی از بهترین دوربین‌های موجود هشت برای استفاده علاقمندان است.

بل‌اندهاول

دوربین‌های «بل‌اندهاول» در میان دوربین‌های موجود در بازار، بخاطر ساخت قابل‌توجهی که دارند از معدود دوربین‌های خوب هشت هستند. دارای مدلهای ۴۰۰، ۶۷۰ و ۶۷۴ (همگی صامت) و ۱۲۳۰، ۱۲۳۵ و ۱۲۳۸ (ناطق) است. ویژگیهایش در مجموع تمام صفات دوربین‌های صامت و ناطق بالا را دربر می‌گیرد، با این توضیح که از نظر ضعف از خیلی از دوربین‌های ذکر شده ... است.

... مجبوراً ... سینمای هشت سینما ... ساخت دوربین‌های آن خاتمه نمی‌یابد. کمپانی‌هایی وجود دارند که تهیه وساخت وسائل دیگر این سینما مشغول هستند که محصولاتشان کلیه جنبه‌های لازم این سینما را در بر می‌گیرد. وسائلی نظیر: دستگاه صوت برای ضبط فیلمهای ناطق، سه پایه، پرده نمایش، دستگاه پیوند فیلم، نورافکن، فیلتر، قوطی‌های جعبه پلاستیکی برای حفاظت از حلقه‌های فیلم، شاسی، ... مکس‌روش و شیشه‌های‌ ... دیگر

کتابهای سینمایی هشت

لیست زیر شامل تعدادی از کتابهای مفید و قابل استفاده تکنیکی سینمای هشت است که تقریبا دارای محتوائی مشترك هستند که کتابش پاسخگوی کلیه نیاز های یك سینماگر و یك علاقمند فیلم و سینماست.

۱ – کتاب سینمای هشت (نوشته لنی لیپتن) – یکی از آخرین و جامع‌ترین کتب سینمایی که تکنیك‌های سینمای هشت را قدم به‌قدم برای خواننده تشریح می‌کند.

۲ – چگونه فیلم بسازیم (نوشته: رالف بوگوس) – کتابی نسبتا قدیمی ولی‌هنوز در باره‌ی موارد مفید و خواندنی.

۳ – کتابچه سوپر هشت (نوشته: مارك میکولاس) – یکی از مفیدترین کتب سینمایی هشت که نه تنها چگونگی تهیه و عرضه فیلم را می‌آموزد، بل راهنمای خوبیست برای آنکه چگونه فیلمهای هشت میلی‌متری را در بازار محدود این سینما پخش کرد.

۴ – فیلمسازی آزاد (نوشته: لنی لیپتن) – از معدود کتب ارزنده و قابل استفاده برای سینمای هشت و ۱۶ که دربرگیرنده کلیه جوانب سینماست.

۵ – پنج بین سینما ناگرافی (نوشته: جورج ماسلی) – یکی از بهترین کتب‌سینمائی‌در باره چگونگی فیلمبرداری یك‌فیلم بقلم یك‌فیلمبردار. سینمای هشت، جشنواره‌های متعددی در سالیانه در گوشه و کنار دنیا برگزار می‌کند که نشان دهنده علاقه وجدی تلقی کردن سینماگران هشت برای این سینماست. در نشریات مختلفی در این باره چاپ میشود که معروفترین آنها «سوپرایت فیلم میکر» است که حکم بولتن سینما را دارد

ضمنا کمپانی «کداك» جزوه‌ها و کتابهای متعددی منتشر می‌کند که گرچه اکثرا در باره تکنیك های عکاسی‌ست تا فیلمبرداری، اما بهرحال بخاطر نزدیکی این دو هنر، جزوه‌های مزبور می‌توانند برای علاقمندان هردو رشته راهنما و کمك موثری باشند.

(بقیه) جعفر والی

دلنشین است مثلا «بابا سعدان» یك چهره بود و کدخدای «گاو» چهره‌ای دیگر ولی هردو آنها چهره‌هایی بودند که ... ... می‌خواهم ... ... کدام ...

■ این دو فیلم که فکر می‌کنم هر چه بیشتر ... به آنها نسبت کنیم از مسائل دیگر دور می‌افتیم یك ... وسایلی ... ارائه می‌دهند و در فیلم «گوك سرایز» که فیلم بعدی شما بود بار یك کدخدا بودید ... در فیلم دیگری هم که داشتید «تنگسیر» چه نقشی را ایفا می‌کردید؟

والی: نقش ... ... معروف را ایفا می‌کردم ... ...

■ آیا تعداد فیلمهایی که شما بازی کردید همین‌چهارتا بود؟

والی: ... ... این ... سینمایی ...

■ مقداری‌در مورد فیلم «تنگسیر» و شخصیتی که ارائه می‌دادید و کارهای «امیر نادری» صحبت کنید؟

والی: در واقع باید بگویم ... هیچ وجه کار قرار نگرفتم فقط ... فیلم روی اکران ... آمد آنرا دیدم و متوجه شدم که با حدودی هم‌فیلم ... ... است نه «نادری» مقداری ... عملی خود دور افتاده بود اما توانست از یك قصه یك کار خوب بسازد.

■ من فکر می‌کنم که بدلیل‌عوض فیلم کارخوبی شد بدلیل آنکه «تنگسیر» ارزش قصه‌ی «چوبك» را پائین آورد و ایندو کاملا متفاوت بودند و امکان‌ساختن «تنگسیر» بهتری وجود داشت.

والی: البته هر کساری را می‌توان بهتر کرد ولی بس زبانی وسعتی نمی‌رسد من در واقع فکر می‌کنم باهاش معددی درگیری داشت که من‌دقیقا نمی‌دانم این درگیریها چه بود و ناحدودی به او تحمیل شد ووقتی برای یك کارگردان چنین وضعیتی پیش می‌آید آزادی عملش سلب می‌شود و با سلب آزادی‌عمل حتی ممکن است اندیشه‌اش نیز در تنگنا بیفتد یعنی آزادی فکری خود ... از دست بدهد. در نتیجه حتی نیروی خلاقیت یك کارگردان ... خواهد گذاشت اما من می‌دانم «نادری» زحمت زیادی کشید ودر طول کارکوشش می‌کرد اصل قصه‌نزدیك باشد

■ این مسئله که در مورد حرکت فیلمهای «کیمیائی» گفتید که‌بیشتر نظر تعمیم دارد و دارای سینمایی قابل لمس است. بعنوان نمونه سینمای «نادری» هم از همین نوع سینماست. البته بعلت آنکه شناخت و برداشتی که «امیر نادری» نداشته‌اند. امکان ... وجود دارد که ارزشت برده به سینمای او آسانی بدانید اما ازطریق فیلمهاش تا چه حد این‌مسئله‌ی ارسالی که نادری‌توانسته با مردم برقرار کند محسوس است؟

والی: اگر منظورتان باشد ... که فیلم تنگسیر نادری خصوصیات ... دیگرش ... کمتر ... بود ...

بقیه در صفحه ۴۵

ستاره سینما منتشر میکند:

تابستان برفی

* ستاره سینما بسیاری از داستانهای جذاب و واقعی را منتشر میکند که از هفته آینده داوری «تابستان برفی» را مطالعه نمائید.
* تابستان برفی نوشته ... است. تصاویر واقعی زیبا با امضای «مهرزاد» را تصویر میکند.

یاحقی

خوب ما دائم که وضع این نباشد ... معنی را نمی‌توان ارائه کرد: موسیقی جزء هنرهای ظریفه است و من فکر میکنم جزو مشکل‌ترین هنرها باشد بهر حال می‌توانم نگویم باید ضابطه‌ای در کار باشد. از باره از راه سنجها آزمایش بشود. مراحلی را ... نگذارند تا بتوان آنها را موسیقی‌دان یا خواننده بدانیم والا اگر همینطور به هرکس که شخصا ادعا کرد من خوب ساز میزنم یا خوب میخوانم بدون هیچ بررسی و بدون‌هیچ ... در فکر و اندیشه و کاوش ـ اجازه بدهیم که بیاید و کارش را عرضه‌کند طبعا تمام معیارها و ضوابط بهم میخورد و به‌دنبال وشمات نکته هیچکس نمی‌تواند بفهمد هنرچیست‌ـ هنرمند کیست و بی‌هنر کدام است.

ـ اگر مطلبی دارید که فکر می‌کنید ... مسائلی است مطرح بفرمائید.

ـ یاحقی ... همه تکرار می‌کنیم موسیقی ایرانی ـ موسیقی ایرانی ـ اما متاسفانه شاید ۸۰ ـ ۹۰ درصد این موسیقی رایج امروز موسیقی ایرانی نیست. بنظر من اول باید بسنجیم موسیقی‌ایرانی چیست؟ چه ابعادی دارد؟ چه شرائطی دارد؟ به چه کسی می‌توان گفت موسیقیدان ـ یکنفر چگونه می‌تواند از عهده اجرای موسیقی ایرانی برآید؟ اگر وطن پرست باشیم طبیعی است‌همانطور که می‌گوئیم ملیت‌من ـ خانه‌ی من ـ ... من همانطور هم باید بگوئیم‌ـ موسیقی کشور من ـ ادبیات کشورمن ـ بهرحال اسمش روی خودش هست وقتی که این اسم مسائلی داشت و وقتی‌می‌گوئیم موسیقی ایرانی منظور ما باید موسیقی اصیل ایرانی باشد ـ آن موسیقی که از ملتها ریشه گرفته است که چون به شعائر ملی و مذهبی خودمان علاقمندیم، به‌موسیقی‌خودمان‌هم‌باید علاقمند‌باشیم و بدنبال‌این نوع موسیقی‌باشیم و بهر صدائی که از هر سازی یا حنجره‌ای خارج می‌شود بدون هیچ ضابطه‌ای نام موسیقی ایرانی اطلاق نکنیم.

موسیقی ما ویژگیهائی دارد که باید به‌آن‌توجه شود. یکی‌از آنها‌که متاسفانه دارد فراموش می‌شود مسئله ... رنج برده است

... موسیقی ... ایرانی ... واقعی‌موسیقی ایرانی ... اگر ... موسیقی ایرانی بگوئیم از ارکان موسیقی ما ... ۷ دستگاه موسیقی ایرانی و گوشه‌ها و مایه‌های موجود ... موسیقی ... نظیر ـ شور ـ سه‌گاه ـ همایون ماهور ... نشتی ـ ابوعطا ـ بیات‌ترك ... در روی یك پایه مهم قرار گرفته‌اند که آنها را از موسیقی بین‌المللی متمایز میسازد و آن ربع پرده است برای اینکه خوانندگان مجله‌دقیقا‌باین‌موضوع پی‌ببرند مثالی‌میزنم امیراوف آهنگساز بزرگ‌شوروی «شور»دارد بنام (شور امیراوف) ولی اگر یك موسیقیدان واقعی و مطلع ایرانی باین شور گوش کند می‌فهمد که این شور آذربایجان شوروی است و هیچ تطبیقی با «شور» ایرانی ندارد ممکن است عده‌ای بمن گفته‌ی من اعتراض بکنند ولی من سرسختانه از این‌نظردفاع می‌کنم وبعنوان یك آهنگساز روبرو یاحقی ـ مایلم اظهار کنم اگر ربع پرده از همین دستگاه شور گرفته شود بلافاصله تبدیل به یك موسیقی غیرایرانی می‌شود و دلیل آنهم مثال بالا است.

این یك نکته و نکته دیگر که متاسفانه به‌آن درست توجه نمی‌شود مسئله بداهه نوازی در موسیقی ایرانی است. این خصوصیتی است که موسیقی ایرانی دارد و شاید در دنیا به ندرت دیده شود اما موسیقی «هند» هم از این خاصیت برخوردار است. بدیهی‌نوازی و بداهه‌سازی یکی‌ازخصوصیات‌عجیب و انحصاری موسیقی ایرانی است که اساتید فن و بزرگان موسیقی ما به آن معتقدند ... موسیقی که بما رسیده است و سینه بسینه برای ما حفظ شده است دقیقا بوسیله همین بداهه نوازی بوده‌است که حالا در این چند دهه اخیر به ... کشیده شده‌است وکاردرستی هم‌بوده‌است‌ولی‌اگر به‌این‌نکته که‌بدیهه‌نوازی باشد ... از آن بمسئله ربع پرده توجه‌نشود ازموسیقی‌ها چیزی باقی نخواهد ...

ـ امیدوار ... بلاش ...

... بگر موسیقی ملی به ... آید و گوشها باز هم آهنگهای اصیل ایرانی را با فکر شماها، و گوشه‌های موسیقی ملی را از ساز شما بشنوند.

یاحقی ـ متشکرم.

یك چشم

(بقیه)

کارگردان ... [illegible] ... و هیچ‌ ... [illegible] ...

اما کار ... معنای مهم، خالص است و آن اینکه کارگردان خود را درپس هیچ شعار و گولزنکی پنهان نکرده است.

... در ... امر، همین حلوص موسیقی ... کار دخالت داشته است.

... و ... از افسر ... از فکر کار تازه و مشتی دور می‌کند و او این‌بار در سریال‌طولانی «آش نبون دود» دخالت بیشتری دارد چون در مقام رهبر و آهنگساز هم هست.

اما سریال تورب کش آمده بدانی محرامت و کوچکترین امتیاز سینمائی ندارد و «آسانی سنگانگی فیلمساز» ـ با تکنیك که آن مقوله دیگری است ـ بلکه ـ غریزه و استعداد کار سینما نشان میدهد، در سراسر این سریال بلند، حتی یك صحنه وجودندارد که از نظر کارسینمائی دارای پیام‌وارزشی باشد، اما آنچه ارزش یاد آوری دارد ـ و بنظر من اهمیتش که ... ـ انتخاب موضوع و نثر نظریه است و نزبان ساده و آنچه که در مقدمه مقال گفته شد «قصه» والاست.

«آش نبون دود» همانقدر که از هر سینمائی خالیست از فکر و نظر و پیام انسانی بارور است و جابجا دارای صحنه ...

بقیه در صفحه مقابل

در فصل سینمائی امسال و سترن‌های زیادی خواهید دید ولی ما بشما اطمینان میدهیم که این فیلم با هنرپیشگان مشهورش چیز دیگری است

برنامه امشب فقط در:

سینمامتروپل

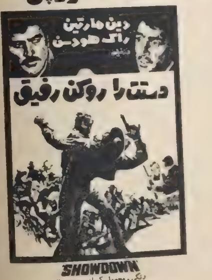

رنگی ـ محصول کمپانی یونیورسال

سینما متروپل ـ لاله‌زارنو ـ تلفن ۳۱۹۴۱۰

(بقیه) فیلمسازی

... استفاده کنیم . باید سعی کرد که سه صحنه روشن باشد . برخی ... کار از نور منعکس شده استفاده میکنیم ... بعبارت دیگر به جای دادن مستقیم به موضوع ــ نور را به سطح شفافی می‌تابانیم و از نور منعکس شده استفاده میکنیم سقف سفید و دیوارهای روشن ــ رفلکتورهای طبیعی خوبی هستند . اما اگر ... ها تیره باشند ... رفلکتورهای مصنوعی استفاده کنیم ... نور با کاغذ به شرط اینکه ... سوند بسیار مناسبند برای ... اطاق کوچک . ... که ...

قوی (برای مثال یک مووی لایت ۱۰۰۰ وات) که از داخل پنجره به درون اطاق بتابد ودور عکس‌ها سایه ها را پر کند . برای نورپردازی یک فیلم رنگی ۲۵ آ . اس . ا کافی است

بهرحال این موضوع فقط محض تجربه عرض شد .

ادامه دارد

(بقیه) تاریخچه

معیار نوین مراکز فیلمسازی درآمد .

٭ محمد علی جعفری ، مردیکه رنج میبرد !

محمد علی جعفری بعد از مرجان، نخستین ساخته‌ی مستقل خود را ارائه داد که «مردی که رنج میبرد» نام‌داشت « ایرن بازیگر زن فیلم بود. این فیلم عاشقانه، از جمله فیلمهای‌خوب این سال بود .بدلیل سوژه متفاوت و بازی خوب جعفری وایرن و بطورکلی اثری متفاوت محسوب گرچه ، میزانسن‌های تئاتری به نقش کارلطمه زد امافیلم بدلیل دوری از موضوعهای رایج و پرداختن‌به حرفی نو ، اثری با ارزش‌بود

ادامه دارد

(بقیه) یك چشم

هانیست که برغم ضخامت و ثقل مکالمه و نامها و شکل اجرائی، از بار عاطفتی بارور است. علت بزرگ توفیق نمایش آن نیز نوجوانان و تا حدودی کودکان بزرگسال همین است و این بمقدار زیاد محصول دنیائی است که «نادر ابراهیمی» بعنوان یک نویسنده و با اصرار و زحمت بسیار، برای خویش ساخته بود و معلوم نیست چه کمبودی داشت که او می‌خواهد آنرا با «تصویرگیری» پر کند.

پدیده «دماگوژیك» «عوام فریبی اجتماعی» اکنون در جوامع پیشرفته وبه خصوص، در تمدنی که امروز به «اولویت کامل مادی» متکی گشته است، دخالتی غالب در بیشتر مسائل نظری و فکری و هنری دارد.

عوام فریبی اکنون یك نهاد دهنی است، در سیاست، در اقتصاد و در فرهنگ رایج روز که هنر قسمتی از آنست و مانند «اسنوبیسم» ــ باب شدن چیزی، بنابه خواست روز رفتارکردن، و خود را به الگوهای آن درآوردن ــ مبحثی درجامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی ،امروزدنیا دارد.

اما انواع صورتهای آن در هر جامعه و بنسبت حوالت و بنیان اقتصادی و فرهنگی آن جامعه متفاوت است.

عوام فریبی ، دارای جنبه‌ها و نمونه‌های بچگانه‌ایست که در بچگی عوامل و تلقیاتی که آنرا نشر میدهند ، بسیار گاه به آسانی قابل شناخت نیست.

بدیهی است‌که‌عوام‌فریبی درجوامع و فرهنگها، حتی در کلاسهای مختلف هم شکلهای متفاوت پیدا می‌کند. مثلا عوام ــ فریبی خبر غلبه مذهبی‌اروپا . امروزدیگر نمود گذشته را ندارد، چون سیطره ونفوذ مذهب اکنون در برابر استدلال‌های تجربی و یکسکی رنگ باخته است. با اینحال قسمت عظیمی از مردم، هنوز به‌قصص‌ومراسم و حکایات و خرافات مذهبی دل می‌بازند کافی است و یکمر لباس کنش دربرداشته باشد و آرام و خوش صورت جلوه کند، تا بتواند از هر دری بگذرد.

و چون این قدرت، ندرت مورد استفاده ماهی بوده است، خیلی آسان می‌تواند در گمراهی مردم مورد استفاده واقع شود و دیده‌ایم که نمایندگان مذهبی فاسد هم در تاریخ، کم نبوده‌اند.

اما اکنون زمانی ست که اقتصاد و سیاست در چنین عرصه‌ای از مذاهب قوی‌ترست و چون مثال مامربوط به‌کارهای هنری است ، اگر گفته شود که‌تعدادی از معروف‌ترین ــ نه صالح‌ترین ــ هنرمندان هنر شعر جامعه بمقدار زیاد در کار خود، از عوامل عوام‌فریبی سود می‌جویند سخنی بگزاف نیست .

و در اینجا ، هدف کامل ، هنری است که دارای جنبه‌های وابستگی مادی اقتصادی به‌اجتماع است اما هنرهای بیش و که ضعیف‌تر از این لحاظ هم . ــ بخصوص امروز ــ برای این هدف نبوده‌اند .

و مثال بزرگش در نقاشی، «پیکاسو» و «دالی» است. اینها هردو از نقاشانی هستند که تکنیك و هرشان مورد تایید عالمی است، فرهنگ و قدرت خلاقیتشان جای تردیدندارد ،اماهردو . نظرزی‌بسیارآشکار و با قدرتی گسترده بتدریج عوام فریبانی شده‌اند که قدرت هنری‌شان تنها پشتوانه‌ای است برای دکانداری پرسودتر و اگر هر از چندگاه اثری هنری بوجود آورده‌اند، مقاصد عوام‌فریبانه درزیر تکنیکی بسیار قوی نهفته بوده‌است.

در میان فیلمسازان بزرگ، مثال زنده و قابل شناختش «فدریکوفلینی» است.

فلینی هنرمند عوام فریبی است که در سطح خودش کار می‌کند. عوامل عوام‌فریبانه‌ای که او هر زمان در فیلم خود بکار برده است با استفاده از فرهنگی محکم و وسیع و تکنیکی قوی و هوشیاری نوع آساست با اینهمه فلینی ــ همانگونه که خود گفته است ــ شیطانی است در ردای سفید. حتی آنزمان که زیباترین فرمها را در کمپوزیسیون صحنه‌ای باز می‌آفریند، دستبرد رندانه‌ای به «میتولوژی» زده است، اما نحوه این دستبرد، با آنچه «پازولینی» یا «ویسکونتی»میبردند کاملا متفاوت است، هنرمندان بزرگ عوام‌فریبان احساسات و ترس خورندگان احساسات بزرگ گرسنگان خوان فرهنگی پر رنگ و بوی و گوشت و خون‌اند.

و طبیعی است، که اسباب خانه به صاحبخانه میرود، در جامعه‌ای که فرهنگ موسیقی ، نقاشی ، ادبی وسینمائی‌اش معلول زمانی‌جستجوناپذیر ملك است، عوام‌فریبی‌اش چندان منگل و پیچیده نیست.

ــ با اینکه این مثال بسیار مستعمل است ــ اما مابلم «قیصر» را بعنوان فیلمی در اینجا بیاورم که ، بارآفرینی و دستبرد بمایه‌های سنتی‌اش در نوع امر ، برای سینمای «هیچ» چیز تازه‌ای بود.

قیصر، از جامعه‌ای صحبت می‌کرد که تا آنزمان در آن فرمهای سنتی و انگاره‌های مردمی ــ شکل ساده لطافتهای قدیمی، خانه‌های آجری و بازارچه و حمام و زورخانه‌اش ــ در سینما نیامده بود.

مسعود کیمیائی، در نوع امرجوانی با غریزه شناخت تم جامعه بود، و بسیاری این غریزه با تصادف ناشی شناخت . فرمها را در سلطه تداومی نقش‌گیر و حوادثی بی‌انقطاع درآورد وهرچند فیلمی‌عرضه کرد که صفت ناب «تازه» راداشت

این در نوع امر، عوام‌فریبی بود. نیس و احساس گرم فیلمساز و تمام مایه‌هایی را که حس و تجربه کرده بود ــ در حد حس و تجربه خودش ــ در آن احساس می‌کردیم.

اما آنچه بعد از قیصر ، و ما زمانی نزدیك به ۹ سال ساخته شد، عوام‌فریبی بود، زیرا که عوام، یعنی عموم قیصر را پسندیده بود. در این مثال نظر من حتی فیلمی مثل «داش‌آکل» است و دیدیم که هیچکدام از آثار بعدی، در این ۹ سال . حال وهوای «قیصر» رانداشت .

اما عوام از جواب زجاسه . اینك در نتیجه ، سینمای گذشته چرت میزد. و بار دیگر، هم بشناس و هم تصادف، علی ــ حاتمی، فیلمسازی که باآگاهی به‌گونه‌های زندگی گذشته ایرانی، از شکست تجارتی فیلم «باباشمل» آزرده و درصدد فرصت بوده به لاروبی تاریخ دست زد.

بدیهی‌است‌که «سلطان صاحبقران» به‌آسانی در رده فیلمهای تاریخی قرار میگیرد و باحتمال زیاد، بر خصوصیت یک سریال تاریخی تلویزیون با انرمان است. اما آنچه ازاین‌سریال ازدر « مرد اول » عاریت گرفته شده در اینجا اقتضا می‌کند که به آن اشاره‌ای بکنم .

ادامه دارد

(بقیه) جعفروالی

... روی همین ... جهره‌های‌خوب‌ساخته‌ی سیمست میرانی او سینما بعنوان یك حرفه مطرح نیست‌بلکه ... این حرفه مسائل و حرفهایی بیشتر جهت طرح کردن دارد واین بعقیده من یکی خصوصیات‌خوب نادری است چنانکه دیدیم «نادری» پس از ساختن تنگسیر دیگر بدنبال این نوع فیلمها نرفت .

■ بعقیده‌ی شما علت اینکه‌سینماگران ما موفق به تجدید سینمای خوب گذشته‌شان نشدند و بهمین ترتیب سینمای ما دچاریك رکود شد چه بود و آیااین مسئله در مورد تئاترهم صادق است ؟

والی : مسئل را نباید بطور کلی دید بلکه این جزئیاتند که در عین تاثیر متقابل بر روی هم گذاشتن ، کل راساخته و نتیجه بار می‌آورند . این افت وخیز بخصوص در کار سینما هزار و یك دلیل دارد که روزنامه‌ها نیز متذکر این دلایل شده‌اند و اینکه یك کارگردان نتوانسته نتیجه‌ی درخشان گذشته را تکرار و تجدید نماید ، بار تحت تاثیرعوامل مختلفی است که جنبه‌ی نتیجه‌ی این عوامل این است که امکانات و اجازه‌های سابق را به او نمی‌دهند و در تنگناهایی می‌افتد ، بعنوان یك کارگردان کارش را انجام خواهد داد اما سطح کار پائین می‌آید. این‌مسائل دارای فرمول و دوای خاصی جهت مداوا و حل نیستند بلکه هزار و یك علل و معلول است‌که‌تاثیر متقابل بر روی هم دارند وبازده‌آنها همان‌است‌که روی‌اکران و پرده‌ی سینما ملاحظه می‌کنیم و می‌بینیم سینما عقب افتاده . . .. و دقیقا این مسائل در ... تئاتر هم صادق است . مادر تئاتر یك دوران شکوفایی داشتیم در هنگام افتتاح تالار ۲۵ شهریور در سال ۴۰ تئاتر مایك حرکت بزرگ کرد مثلا در آنموقع مادر طول یك جشنواره نمایشنامه‌هایی همچون «مهرجی بای دنیا» ، «پهلوان اکبر می‌میرد» ر ملاحظه کردیم بعد از آن رفته رفته کارها ی‌دیگر ارائه نداده شد و تئاتر را یکحود تماشاگر پیداکرد و بعنوان یك مسئله در اجتماع مطرح شد در وقع این یك حرکت بودو ادامه داشت البته قبول دارم مدتی رکود وجود آمد اما در حال حاضر اگر دقت کنید باز حرکتهای جدید شروع می‌شود

ادامه دارد

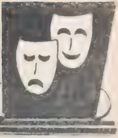

تئاتر

حرف و حدیث ...

* به بهانه‌ی آغاز فصل تازه‌ی تئاتری (۲)

باید غربال به‌دست گرفت

* چگونه اینهمه سرمایه‌گذاری در سینما میسر است اما هیچ دستگاهی چند سالن تئاتر نمی‌سازد؟

هوشنگ گلمکانی

جواب ، بی شك ، منفی است . اتفاقاً تئاتریها . همین که «اداره جاتی» شدند ، خوی کارمندی در روح و جسمشان حلول کرد و [illegible] بروزی سته کردند : «هیچ سرمان که [illegible] می‌آید چه [illegible] . تئاتر [illegible] کرد . [illegible] تخشامه‌ی کاغذ بازی . پیر برهافر سودمندند و جوانهائی که به اشتباه سر از آنجا در آوردند ، راه گم کردند . عده‌ای که از سر اتفاق [illegible] گذاشته بودند ، اینك در اداره‌ی برنامه‌های [illegible] گردو [illegible] شکسد و فارغ از صحنه ، ماه به ماه فیش حقوق [illegible] دریافت می‌کند و پای صندوق می‌[illegible] آنجا ، اداره‌ی تئاتر [illegible] [illegible] است .

زمانی که «علی نصیریان» در پست [illegible] اداره‌ی برنامه‌های تئاتر مقام [illegible] [illegible] که مسئولیتی خطیر را به عهده گرفته و نیك آگاه بود که چشمان [illegible] و موقع . به سوی او خیره است [illegible] او تا چه حد توانسته [illegible] آورنده‌ی انتظارات باشد؟

در اینکه [illegible] به عنوان یکی از چهره‌های قدیمی و «هنرمند» تئاتر ایران [illegible] و مرتبتی والا دارد ، شکی نیست و همین حسن‌حساب بود که لباس ریاست اداره‌ی تئاتر را بر اندام او پوشاند . اما او ثابت کرد که همان اندازه که به عنوان یك هنرمند تئاتر ، حضوری هنرمندانه در نمایش دارد ، از [illegible] مدیریت بی‌بهره است . مسلماً او هدفی جز تحرك بخشیدن به تئاتر [illegible] و نوم [illegible] ولی حرکت سازنده‌ی او ، پیش از ریاست ، در پست [illegible] شد . [illegible] [illegible] . به تنها تصمیمات [illegible] حرکتی سازنده به تئاتر ایران ندهد ، بلکه خود نیز به عنوان پاره‌ای از وجود تئاتر ایران ، خاموش ماند .

بی شك ، یکی از دلائل خمودگی تئاتر ایران ، [illegible] اداره‌ی برنامه‌های تئاتر که پاره‌ای از آن است ، کمبود سالن تئاتر است . اداره‌ی برنامه‌های تئاتر که بسیاری از دست‌اندرکاران تئاتر ایران را اجیر کرده است ، تنها یك سالن نمایش (تالار ۲۵ شهریور) که پس از برگزاری جشنواره‌ی تئاتر شهرستانها گویا برای تعمیر تعطیل شد و دو سالن کوچك با گنجایش اندك (خانه‌ی نمایش ــ آتلیه نمایش) که نوعی تازگی شروع به‌کار کرده‌است جوابگوی نیاز لشگری که به خدمت گرفته ، نیست .

تئاتر را نمی‌توان در ذهن کار کرد . البته ، بخشی از کار تئاتر در ذهن می‌گذرد اما برای تجسم بخشیدن به ذهنیات . یك هنرمند تئاتر محتاج صحنه و سالن است و شکی نیست که باید سالنهای بیشتری برای تئاتر ساخته شود . امیدواریم کمبود امکانات مالی را بهانه نیاورند که به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست . چگونه باور کنیم وزارت فرهنگ و هنر که ۴۳ میلیون تومان برای تهیه‌ی یك فیلم مشترك سرمایه گذاری می‌کند ، بودجه‌ای برای ساختن سالن تئاتر ندارد ؛ به ویژه که این پول در ساختن یك فیلم مشترك دود می‌شود و پس آن که آتشی گرم [illegible] برای سینما ایران شود ، بهدر می‌رود اما ساختن حتی یك سالن تئاتر ، علاوه بر صحنه آمدن حداقل شش نمایش در سال می‌شود و تنها آدم تئاتری را زیر پوشش خود می‌گیرد .

ساختن سالن تئاتر بیشتر ، یك‌حسن دیگر [illegible] دارد [illegible] از راه گم‌کردگانی که [illegible] هنرمند تئاتر بودند ، نامش را دارند و فقط حقوق [illegible] هستند ، با ایجاد سالن ، بهانه‌ای برای کار نکردن نخواهند داشت . حتی برای حالی نمالدن صحنه هم که شده اداره آنها را مجبور خواهد کرد که کار کنند . آن وقت است که نوع [illegible] ساخته خواهند شد و [illegible] . [illegible] رو می‌شود . در آن صورت ، دیگر احتیاری نیست که عده‌ای به صرف نبودن سالن ، [illegible] بنشینند و [illegible] تئاتر بخندند ، اداره‌ی برنامه‌های تئاتر ، می‌تواند کارمندانش را غربال کند و جای آنها را به جوانهای پرمایه‌ای که میدان نمی‌یابند ، بسپارد .

[illegible] شرایطی ، [illegible] حداقل آرزو ... اما شرایط کنونی ، به گونه‌ایست که چنین [illegible] هنرمندانی که در استخدام اداره بوده‌اند [illegible] و از آن کناره گرفته‌اند و بسیاری دیگر (بجز حقوق‌بگیرها) روزگار سختی را می‌گذرانند .

ادامه دارد

---

* درباره‌ی تعطیل « تئاتر کوچك تهران»

در «عام» بسته شد تا در «خاص» گشوده شود

باشگاه سینمائی فارابی ، تئاتر [illegible] تهران ، یك سال برنامه‌ای [illegible] درگیرو داری [illegible] گشوده [illegible] یك [illegible] تازه‌ی فرهنگی ، [illegible] تازه نیست که حرمت [illegible] بسته شدن [illegible] دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible] مشکلی [illegible] وجود [illegible] رفع [illegible] خشوع [illegible] است [illegible] که [illegible] می [illegible] صحنه [illegible] برنامه‌ریزی [illegible] برنامه‌های [illegible] محتاج [illegible] مگر [illegible] که پس [illegible] و به تکرار [illegible] تمدید باشیم تا یك سالن [illegible] شرایطی که تهران از این لحاظ با کمبود مواجه است) فضای [illegible] سینما شود .

قصد مخالفت با باشگاه فارابی نیست که این مرکز ، جو عمومی در شرایط کنونی بازار عمومی فیلم [illegible] است اما وزارت فرهنگ و هنر [illegible] توانست با آن همه امکانات [illegible] سینما اجاره کند (یا حتی بسازد) آن را به همین صورت [illegible] عده‌ای بیشتر بتوانند از برنامه‌هایش استفاده کنند و باشگاه سینمائی برای ویژه‌ی عده‌ای « خاص » [illegible] اکنون بسیاری از تقاضاهای [illegible] عمومی [illegible] باشگاه [illegible] روی [illegible] مسئولان مانده‌است .

تئاتر کوچك تهران ، [illegible] مراکز شاخص تئاتری تهران بود [illegible] . فعالیت [illegible] [illegible] فعلاً [illegible] گذاشته [illegible] دعا می‌کنیم که تئاتر کوچك تهران ، به سرنوشت تئاتر کسری دچار نشود .

■ [illegible]

[illegible] فیلمهای نخبه‌ای [illegible] عمومی نمی‌یابند . [illegible]

[illegible] افتاد [illegible] آن که [illegible] همگ [illegible] تهران [illegible] باشگاه سینمائی [illegible] و از [illegible] ، «باشگاه سینمائی فارابی» در محل تئاتر کوچك تهران شروع به‌کار کرد .

تا اینجا ، عقل سلیم جز تائید این اقدام ، راهی نمی‌یابد زیرا که از مدتها قبل ، فقدان چنین باشگاهی که بدون نگاه به بازار معمول فیلم ، دست به نمایش فیلمهای باارزش روز بزند ، محسوس بود .

اما در آغاز فصل تئاتری ، ناگهان اعلام شد که به علت فعالیتهای

گفتگو با هوشنگ توکلی بازیگر تئاتر -۲

شیون و استغاثه... کار علی رفیعی، نمایشی عجولانه بود!

نباید بدلیل نبودن نمایشنامه خوب بهانه گرفت.

کارگاه نمایش ، از سال گذشته در سیاست خود تغییراتی داد و قرار شد طرحهائی پیشنهاد شود و اگر حتی ۵۰ در صد هم دارای ارزشهائی باشند ، به آنها امکان بر صحنه بردنشان داده شود و چند کار آخری که در کارگاه بر صحنه آمد ، کیفیت خوبی نداشتند . به نظر من ، «مستانه‌ی ژیان و «یك ماجرای نمایشی» رمانتیس ، اشتباه کارگاه نمایش بودند. کارگاه نمایش ازدو سال پیش، مرتبا افول کرده است و شاید سیاستهای تازه‌ی آن ، در آینده ثمر دهد.

☐ **به کارهای تازه‌ات بپردازیم.** **در گروه تئاتر شهر ، رفیعی دست به کارتازه‌ای زده و آن ، نوشتن نمایشنامه توسط بازیگران است . این طریقه، چگونه است و تاچه حد می‌تواند موثر باشد ؟**

☐ وقتی که بازیگران نمایش، به هنگام نوشتن متن ، در آن سهیم باشند و کلمه به کلمه جلو بروند ، آن متن مال خودشان است و بیشتر می‌توانند آن را حس کنند. مسلما این کار ثمره‌ی خوبی دارد.

☐ **ولی وقتی که چند نفر حتی بر روی یك متن تالیف شده و نوشته شده نمی‌توانند به توافق کامل برسند ، چطور چندین بازیگر (مثلا ۳۵ بازیگر نمایش خاطرات و کابوسها...) به طور دسته‌جمعی یك متن را نوشتند ؟**

☐ تمام بازیگران آن نمایش ، در نوشتن متن سهیم بودند و نمی‌توانستند نباشند. نوشتن یك متن به طور جمعی ، می‌تواند بایك هسته‌ی مرکزی پنج نفری انجام شود. رفیعی ابتدا نوشتن نمایشنامه را با چند نفر از دانشجوهای دانشکده‌ی هنرهای زیبا شروع کرد که آنها کار را رها کردند و بعد ، باکمك چند تن از بازیگران نمایش، نوشتن متن خاتمه یافت . من در این طرز کار موافقم بااین شرط که گروهی بین ۵ تا ۸ نفر که باهم تفاهم داشته باشند بر روی متن کار کنند . در «جنایت و مکافات» هم به همین طریق کار می‌کنیم و اگر موفق شویم، این شیوه را ادامه می‌دهیم.

مسئله این است که نباید به دلیل نبودن نمایشنامه‌ی خوب ، بهانه گرفت و ازکار ، سرباززد . ما منتظر نمی‌مانیم که نمایشنامه‌ی خوب از آسمان برایمان نازل شود. اکنون تئاتر شهر نمایشنامه‌هائی از نویسنده‌های جوان دریافت کرده و آنهائی که قابلیتهائی برای اجرادارند، تکمیل می‌شوند تا نویسنده نیز با اجرای اثرش، ضعفهای کارش را بشناسد و در آثار بعدی، کار بهتری عرضه کند.

■ **این کار را چرا در «شیون و استغاثه... ادامه ندادید ؟**

☐ این نمایش یك کار عجولانه بود. ما روی این متن یك پیش‌بینی کرده‌بودیم که غلط از آب درآمد. نخست آن که این نمایش در رابطه‌ی مستقیم باتماشاگر شکل می‌گیرد و در آن زمان به علت فصل امتحانات ، تماشاگر کمی داشتیم . دوم آن که شاید انتخاب ما انتخاب صحیحی نبود زیرا پس از میرزا انقی خان می‌بایست نمایشی می‌گذاشتیم که علاقه‌ای در تماشاگر ایجاد کند اما این کار، تماشاگران ما را که توقع زیادی داشتند ، دلخور کرد. شاید این متن را اگر در یك سالن کوچکتری اجرا می‌کردیم که در رابطه‌ی نزدیکتری باتماشاگر بود ، نمایش موفقتری می‌شد.

■ **همزمان با تمرین این نمایشنامه، نمایش میرزا انقی خان را هم بازی میکردید. اگر به مسئله‌ی زندگی کردن بازیگر با شخصیتی که بروی صحنه جان می‌بخشد توجه داشته باشیم ، چگونه یك بازیگر می‌تواند با دوشخصیت نمایشی زندگی کند ؟**

☐ روحیه بازیگری به این صورت ، اکنون کهنه شده است . اگر بازیگری در نقش یك شخصیت اثری از برشت فرو رود و ازخود بی‌خود شود ، هم به برشت لطمه زده وهم به خودش . در حالی که آثار چخوف ، قابلیت درخودفرو رفتن را دارد.

شبی که از سیاه‌بازها تجلیل شد...

☐ شب جمعه ۲۸ مرداد ، همزمان با جشن هنر ، از «مهدی مصری» و «ذبیح‌الله ماهر» دو هنرمند مشهور و قدیمی نمایشهای روحوضی ، تجلیل شد . مجمع نمایشهای عامیانه ، با ترتیب دادن ضیافتی در هتل کوروش شیراز و اسباب تجلیل از دو پیشکسوت سیاه‌بازی را فراهم آورد.

در این ضیافت که با حضور این دو هنرمند، علی نصیریان ، فرخ غفاری ، رئیس مرکز رادیو تلویزیون فارس و عده‌ای دیگر برگزار شد ، علی نصیریان ضمن سخنانی در تجلیل از آنها ، در باره‌ی سابقه‌ی کار ماهر و مصری ، صحبت کرد.

در پایان ضیافت، این دو سیاه باز علیرغم سالخوردگی برنامه‌ای اجرا کردند که بسیار مورد توجه قرار گرفت .

فیلم انتقاد

از : ایرج صابری

صلیب آهنین

ساخته‌ی : سام پکین‌پا

روایت «سام پکین‌پا» از جنگ‌دوم جهانی اگر چه نمیتواند حکایت تازه‌ای باشد — اما بهر حال گرایش چنین تمی و نگاه او به قساوت جنك در مسیرمشخص سینمای او — پس از فیلم «این گروه‌خشن» — نقطه نظرتازه‌ای در ارائه خشونت و ترسیمات نوع «سام‌پکین‌پا»ئی آن است.

اگر فیلم « این گروه خشن» اورا تحلیلی از خشونت در سینما وارائه نوعی سینمای رزمی و مردانه بدانیم — در فیلم «سگهای پوشالی» او برای توجیه ضرورت چنین نمایشی دلایل خود را ارائه می‌نماید ونشان میدهد که اعمال خشونت درزندگی اجتناب ناپذیر است — چون مادر دنیای بیرحمی بسر می‌بریم که برای ماندن مجبور به جنگیدن هستیم و این جنك‌بطور پنهانی یادر درون مایاد در حریم‌خانه‌هایمان جریان دارد. وقایعی که برای قهرمان فیلم «سگهای پوشالی» پیش می‌آید از جهاتی بی‌شباهت به ماجرای فیلم « صلیب آهنین» نمیتواند باشد —منتهادر اینجاما باجلوه‌هائی از جنك دوم جهانی مواجه‌هستیم که خشونتهای ناشی از جنك‌اضطراری بنظر می‌آیند و آنها مجبور بـه اجرای آن هستند و این نوعی بیهودگی را پی می‌نهد که دیگر خشونت و جنگیدن نمیتوانـد تسکین دهنده باشد و بهمین لحاظ مادراین فیلم او باسیمای متفاوتی از خشونت‌مواجه میشویم که بی‌اندازه تلخ و کریه‌است، چون موجه جلوه نمی‌کند و چنین‌تصویری بطور خیلی نافذ ورسا حس تنفر از جنك راکه‌مورد نظرهم هست به تماشاگر میرساند، بی آنکه احتیاجی به دادن شعار بر علیـه جنك باشد و می‌بینیم که چگونه جنك و خشونت‌هایش خیلی سریع روحیه وشخصیت انسانی را فاسد میسازد. بطوریکه مقاصد و هدف‌ها لوث میشوند و دریافت نشان کم‌ارزشی مثل صلیب آهنین بصورت یك آرزو در می‌آید که برای رسیدن به آن حتی کشتار سربازان خودی نیز جایزشمرده میشود و شعار ظاهر فریب اشاعه فرهنك ژرمن در جامعه‌ای نومید بوسیله اجراکنندگان آن مضحکه میشود و تا حد یك بازیچه مسخره سقوط می‌کند. شاید به‌این‌خاطر که جوامع نومید چندانهم نومید نیستند و با چنك و دندان از امیدواریهای خـود محافظت می‌کنندو می‌جنگند و پاسداران نازیسم را در تردید و نومیدی قرارمیدهد.

آنچه که‌در کار «سام‌پکین‌پا» ضمن مواجهه با یك محتوای جنگی اهمیت دارد،اجتناب از جانبداری و احساساتی شدن است. در فیلم او ظالم و مظلومی وجودندارد و یـا بهتر گفته باشیم خط مشخصه‌ای برای‌جدا ساختن آنهاازهم نیست.

پکین‌پا سعی میکند قضاوتی متعارف درباره سربازان آلمان نازی که بهر حال در چنین فیلمهائی معمولا متجاوز و محکوم جلوه‌داده‌میشوند، نداشته باشد — بلکه فقط جنك و عادت بجنگیدن راهدف‌قرار دهد وسپس توان منش‌های انسانی را در تحمـل آن بسنجد و نشان میدهد که همه‌ی آنهـا **ظرفیت کافی برای تحمل آن نداشته** بتدریج از پای در می‌آیند و عواطف‌انسانی خود را ازدست میدهند و بدل به موجوداتی بدوی وسبع میشوند.

پکین‌پا در قضاوت‌خود چنین‌آدمهائی راکه مسخ شده‌اند و منش انسانی خود را ازدست‌داده‌اند نیز مورد خطاب‌قرار نمی‌دهد و در مواجهه باآنها سعی‌می‌کندبیشتر وضعیت ترحم‌انگیز آنان رانشان دهد. نگاه کنیم به‌کاراکتر ماکسیمیلیان‌شل مخصوصا در پایان فیلم که در ضمن چنین سرانجامی برای هر ر وال کار پکین‌پا برای آدمهای بدماجرا یك استثناء میتواند باشد— چون همیشه‌مسئله تلافی و خونخواهی درکارهای او مرکزیتی دارد که برای بحرکت در آوردن قصه و آدمهای آن انگیزه اصلی محسوب میشود. پکین‌پا همیشه‌برای‌رسیدن به چنین لحظه‌ای تماشاگر را شارژمی‌کند و خود نیز باانتظاری مشتاقانه منتظر آن میشود تاآن ضیافت بصری خود را برای نمایش خونریزی و قتل‌عام برپاسازد — اما در اینجا پکین‌پا با تحقیر کردن چنیـن آدمی که میخواهد قهرمان جنگی شناخته شود اما جرات جنگیدن ندارد و فقـط میتواند دستور بدهد و خنده‌های استهزاآمیز ومصروعانه و مداوم جیمزکابرن در این صحنه فقط بخاطر وضعیت مضحك او در جبهه جنك نیست بلکه میتواند بطورکلـی وضعیت خود جنك را نیز در برگیرد. جنگی که بطور بیهوده و بدون منظـور نیمی از جهان و مردمانش‌را آلوده‌خودساخته و عجب اینکه «سام‌پکین‌پا» را نیز بورکام خودکشیده‌است و اوچنان‌مسحورانه درگیر حوادث‌جنگی مثل شلیك توپها وفروریختن سنگرها حمله و گریز سربازان و حرکت تانکها، انفجار نارنجکها وتیراندازیهاشده است‌که کمترتوانسته به آدمهای فیلم‌توجهی بطورمعمول داشته باشد — بطوریکه حتی روحیه وانگیزه قهرمانان اصلی ماجـرا نیزناشناخته‌میمانند. فرضا علاقمندی کاراکتر ماکسیمیلیان‌شل به صلیب آهنین بطـور قانع‌کننده برای تماشاگر توجیه نمیشود — باتوجه به‌اینکه همین علاقمندی است کـه فاجعه پایان‌ماجرا را که‌برای فیلم نقطه اوجی هم هست، پی‌می‌نهد. بنابراین در این فیلم ماکمتر با مشخصه های ویژه سینمای‌پکین‌پابر میخوریم و فیلم بیشتر بیك اثر جنگـی پرسروصدا شباهت میدهد.

حاشیه برمتن...

«۱»

*باشگاه‌فارابی‌وروشنفکر نمایان حرفه‌ای!

برپائی کلوبهائی نظیـر باشگـاه سینمائی فارابی یکی از آرزوهای دیریـن دوستداران سینما بود که سرانجام تحقـق یافت و کار خود را شروع کرد. به شهادت همین صفحه نگارنده در ۵ ر فرصتی بـا استفاده از تریبون مجله ستاره سینما همیشه ضرورت برپائی چنین کلوبها و اصولا تاسیس یك یا چند سالن سینمای دولتـی رایادآور میشده تا بدور از دست‌اندازیهای عوامل جنبی قضیه بتوانند حافظ اصالـت کار فیلمها و فیلمسازان باشندو تماشاگـر علاقمند دیگر با فیلمهای مثله و مسخ‌شده‌یا بهتر گفته باشیم با لاشه فیلمها مواجه‌نشود. بخصوص در سالهای اخیر وضعیت نمایش فیلمو اصولاکار سینماداری کیفیت نامطلوبی بخود گرفته‌است که بهیچوجه نمیتوانـد رضایت‌تماشاگران‌واقعی‌سینمارا جلب نمایـد بطوریکه عده زیادی ازاین جمع با حساسیت خاصی پیوندهای خود را باسینما بریـده بودند وعلیرغم دلبستگی‌های خود ترجیـح میدادند که بسینما نروند — و حـال فعالیتهای باشگاه فارابی میتواند بـرای علاقمندان سینما مفری باشد که باامکانات محدودش‌مسلما قادر به‌پذیرفتن تمام‌علاقمندان نیست — امابه‌عنوان نخستین گام تـلاش وهمت برپاکنندگان آن واقعا ستودنی‌است. باامید آنکه نومیدوخسته یا مجبور به تغییر روش نشوند — چون عده‌ای از به‌اصطلاح روشنفکران حرفه‌ای هم خود را در جمع اعضای این باشگاه جا کرده‌اند که همیشه متوقع و بهانه‌جو بوده‌اند و حدس زده‌میشود که خواسته‌های غیرمعمول آنهاممکن است مشکلاتی در ادامه راه باشگاه ایجادکنـد. چراکه‌مقاومت در مقابل نق ونق‌روشنفکرانه‌ی آنها خالی از اشکال نخواهد بود.

«۲»

*«بادبادك»دوبله‌ودوبله‌چی‌ها!

قراربود درباره فیلم «بادبادك» داریل‌دوك هم حرفهائی داشته باشیم، اما بخاطر حضور پیترفالك در این فیلم «دوبله ودوبله‌چی‌ها چنان‌ترکتازیهائی درآن بعمل آورده‌اند که بطورکلی ماهیت اصلی فیلم را قلب شده و قضیه دو آدم که بخاطـر ابتلا به بیماری سرطان‌در واپسین روزهای عمر خود قرار گرفته‌اند، شدیدا کمدی‌و مضحك شده است و داستان رقت‌انگیز فیلم تا حد کمدیهای خاص فیلمهای فارسی‌سقوط کرده‌است.

گاه آدم از خود می‌پرسد که ایشان اینهمه بی‌پروائی رابرای‌چنین دخالتهائی‌از کجا می‌آورند و چرابایـد برای چنیـن کاسبکاران قرار و مقرراتی باشد وبنابراین چگونه میتوانیم درباره این فیلم بگوئیم!

آغاز سومین هفته نمایش فیلم جنجال بر انگیز

آسیا - مولن‌روژ - شهوند - لیدو - نپتون -
ژاله - توسکا - المپیا - پاسار گاد - چرخ فلک

ستاره سینما

۳۰ ریال

شماره ۳۰۳ ـ شنبه ۹ مهرماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

* ساموئل خاچیکیان:
آن زمان که من در سینمای ایران استثنا بودم، کارگردانان پیشرو کجا بودند؟

با یک تابلوی ویژه از: بروس لی
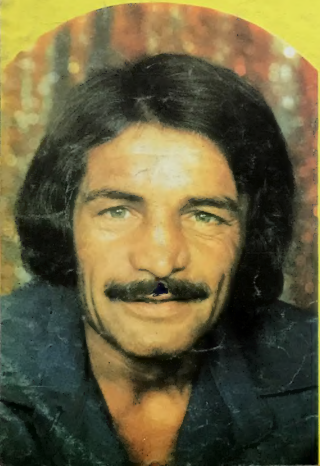
✿ جعفر والی در یک گفتگو: کیمیائی تنها کارگردان خوبی نیست، متفکر هم هست...